

سال نو، سال تحکیم  
اتحاد و مبارزه خلق علیه  
امپریالیسم امریکا مبارک باد

# کد



شماره ۱۰۲ - ۲۸ صفحه - ۳۰ ریال

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
(اکثریت)

## پیام نوروزی به خلق‌های قهرمان ایران بمناسبت نوروز ۱۳۶۰

☆ نوجوانانی که برای شکست دشمن، خود را به زیر تانک جلادان صدام می‌اندازند، کارگران قهرمانی که از سنیه‌های پرطیش خود سد مقاومت ساخته‌اند، سربازان، پاسداران، درجه‌داران و افسران میهن‌پرستی که دروجب به وجب جبهه مقاومت حماسه می‌آفرینند، فدائیان دلاوری که با خون پاک خود دشت‌ها و دره‌های مقاومت را لاله‌گون ساخته و در تمامی عرصه‌ها تجلی پرشکوه‌ترین مقاومت خلق قهرمان ایرانند و همه رزمندگانی که هر یک نمونه‌های درخشان آگاهی، جانبازی و ایثارند، همچنان که تاکنون نشان داده‌اند، خواهند توانست دوشادوش هم تهاجمات و تجاوزات همه امپریالیست‌ها، مرتجعین منطقه و متحدان داخلی آنان را درهم شکنند.

در صفحه ۲

## « دولت میانه رو » تاکتیک جدید امپریالیسم

در صفحه ۲۶

## طبقه کارگر ایران

سلاح وحدت و تشکل را تیز می‌کند

در صفحه ۶

جهان در سالی که گذشت

## اردوی انقلاب قوی تر از هر زمان به پیش می‌تازد

زوال تاریخی امپریالیسم و ارتجاع جهانی  
روز به روز بود بخت تری می‌شود

در صفحه ۱۲

بروزی کوناه بر حبس ده‌مایی

از مصادره  
زمین‌های  
بزرگ مالکان  
تا تعویق بند (ج)

در صفحه ۷



## در این شماره ویژه نوروز ۱۳۶۰

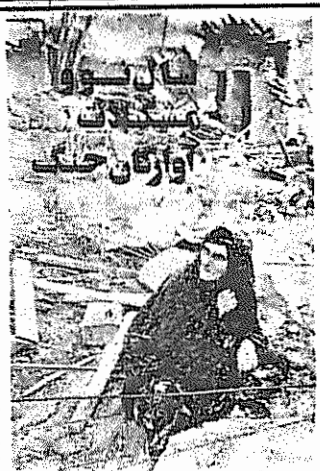
در سومین نوروز پس از انقلاب مسئله کردستان  
همچنان لاینحل مانده است در صفحه ۱۶

## پیشرو و سنت‌های اجتماعی

سنت در زندگی و مبارزه توده‌ها در صفحه ۹

## با انقلاب یا علیه انقلاب

در صفحه ۱۱



در صفحه ۸

### متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم!

# پیام نوروزی به خلق‌های قهرمان ایران

## بمناسبت نوروز ۱۳۶۰

با وزش نسیم نوروز و آغاز سومین بهار پس از انقلاب، خلق کبیر ما سال خونین و پر حماسه دیگری را پشت سر می‌گذارد و امیدوار به پیروزی نهایی و رهایی از ستم، استثمار، اختناق و همه مظاهر دیگر سلطه امپریالیسم، با اراده آهنین در مسیری که پیمودن هر گام آن مستلزم مبارزه بی‌امان علیه امپریالیسم جهانی و متحدان داخلی آن است به پیش می‌تازد.

در سالی که اینک آخرین لحظه‌های آن را پشت سر می‌گذاریم، مردم ما در نبرد علیه تجاوز جنایتکارانه رژیم مرتجع صدام و در مقابله با عواقب تهاجمات و توطئه‌های امپریالیسم و متحدان آن حماسه‌های شورانگیزی آفریدند.

سالی که گذشت میلیون‌ها ایرانی طی مبارزات خونین همه تهاجمات و توطئه‌های دشمنان انقلاب را نقش بر آب ساختند. سالی که گذشت، هزاران شاخه نورسته انقلاب، در راه استقلال و آزادی میهن انقلابی‌مان ایران در خون تپیدند تا دشت‌ها و دره‌های میهن، لاله‌زاران استقلال، آزادی و رهایی شود و برلبان نگران و غم‌زده میلیون‌ها کودک و زن و مرد ایرانی لبخند جاودان و جانبخش زندگی نشیند و چشم‌انداز ایران سرفراز، آباد و دمکراتیک در افق‌های هر چه نزدیک‌تر نمایان گردد.

خلق ما در سالی که گذشت، نقشه‌های جنایتکارانه امپریالیسم و ارتجاع منطقه و متحدان داخلی آنان را یکی پس از دیگری درهم شکست و امروز در آستانه سومین بهار پس از انقلاب، بیش از شش‌ماه است که در برابر دخالت مسلحانه رژیم جنایتکار صدام که نقاط مرزی غرب و جنوب غربی میهن را به اشغال درآورده قهرمانانه می‌رزد و حماسه‌پرشکوهی از ایثار، جانفشانی و میهن‌پرستی را به بشریت مبارز و آزادخواه جهان تقدیم می‌دارد.

نوجوانانی که برای شکست دشمن، خود را به زیر تانک جلادان صدام می‌اندازند، کارگران قهرمانی که از سینه‌های پر تپش خود سد مقاومت ساخته‌اند سربازان، پاسداران، درجه‌داران و افسران میهن‌پرستی که در وجه به وجه جبهه مقاومت حماسه می‌آفرینند، فدائیان دلآوری که با خون پاک خود، دشت‌ها و دره‌های مقاومت را لاله‌گون ساخته و در تمامی عرصه‌ها، تجلی پرشکوه‌ترین مقاومت خلق قهرمان ایران‌اند و همه رزمندگان که هر یک یک نمونه‌های درخشان آگاهی، جانبازی و ایثارند، همچنان که تاکنون نشان داده‌اند خواهند توانست دوشادوش هم، تهاجمات و تجاوزات همه امپریالیست‌ها، مرتجعین منطقه و متحدان داخلی آنان را درهم شکنند.

درهم شکسته شدن نقشه‌های جنایتکارانه امپریالیسم، از توطئه طیس و کودتای نوزدهم گرفته تا تهاجم صدام، مقاومت قهرمانانه خلق ما در مقابل سیاست فشارهای اقتصادی امپریالیسم و متحدان داخلی آن که به منظور سرخورده کردن توده‌ها از انقلاب اتخاذ شده بود و تحمل انبوه مصائبی که جبهه ضدانقلاب داخلی و خارجی در سال گذشته برای مایوس کردن توده‌های مردم از انقلاب، ایجاد کرد، همه و همه بیان بارز آن است که خلق ما مصمم و برخوردش بر آن است که بار انقلاب را به هر قیمتی شده از میان دریای آتش و خون عبور دهد و به روزهای روشن سراسر شادی و امید برساند و اراده خارا تین خلق‌ها را هیچ مانعی یارای مقاومت نیست.

با این همه، آنچه پیروزی نهایی انقلاب و شکست همه‌جانبه دشمنان داخلی و خارجی خلق ما و انقلاب ما را تضمین می‌کند علاوه بر فداکاری‌ها و جانبازی‌هایی که مردم ما از خود نشان می‌دهند، آن است که ضعف‌های امروز انقلاب را بشناسیم، خطراتی که از هر سو انقلاب را تهدید می‌کنند، بشناسیم و برای رفع آنها دست در دست هم، یکپارچه و متحد همه توان خویش را به کار گیریم.

واقعیت آن است که امروز انقلاب ما انقلابی که آن‌همه در راهش پیکار کرده‌ایم، انقلابی که با امید به پیروزی آن همه جان نثار کرده‌ایم، انقلابی که می‌تواند و باید به پیروزی نهایی برسد و برای

همیشه فقر، ستم و استثمار، تبعیض، تحقیر، بیماری و حرمان را از میهنان ایران ریشه‌کن سازد، با مشکلات و ضعف‌های جدی روبرو است که هرگاه هر چه سریع‌تر در حل و برطرف ساختن آنها نکوشیم، انقلاب و همه دستاوردهای آن بطور جدی در مخاطره قرار می‌گیرند و قطعا سرنوشت میلیون‌ها زحمتکش مبارز و فداکاری که در راه پیروزی و رهایی از فقر، ستم، استثمار و اختناق بزرگترین حماسه‌های تاریخ بشری را آفریده‌اند، به خطر می‌افتد.

**ضعف‌ها و مشکلات انقلاب چیست؟**

با وجود همه پیروزی‌های ارزشمندی که انقلاب تاکنون کسب کرده است، هنوز میلیونها هم میهن زحمتکش ما با گرانی کم‌رشدن و بیکاری دست به گریبانند. نزدیک به یک میلیون و پانصد هزار هم میهن ما، در اثر تجاوز جنایتکارانه صدام که با حمایت امپریالیست‌ها و رژیم‌های دست نشانده منطقه صورت گرفته از خانه و کاشانه خود آواره گشته‌اند. طبقه کارگر قهرمان ایران که نیروی اصلی انقلاب میهن ماست هنوز در فقر و تنگدستی و بیکاری به سر می‌برد و هنوز به حداقل دستمزدی که بتواند معیشت او را تامین کند دست نیافته است. میلیون‌ها دهقان بی‌زمین و کم زمین ایرانی که خواستار اجرای اصلاحات ارضی واقعی و مصادره زمین‌های زمینداران بزرگ هستند، هنوز به خواسته‌های عادلانه خود نرسیده‌اند. کسبه پیشه‌وران، کارمندان، معلمان دانش‌آموزان، دانشجویان پرسنل ارتش و دیگر اقشار و گروه‌های مردمی که هر یک به سهم خود در انقلاب شرکت داشته و دارند، و در راه استقلال و آزادی میهن و رهایی از همه مظاهر سلطه امپریالیسم، حماسه‌ها آفریده و می‌آفرینند، هنوز به بسیاری از مطالبات عادلانه خود نرسیده‌اند. آزادی‌های سیاسی که از هدف‌های مهم انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران بوده و در قانون اساسی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده هنوز تامین و تضمین نشده است امنیت شغلی و قضایی مردم هنوز در معرض خطر قرار دارد. برابری مردم از هر عقیده و از هر مذهبی در برابر قانون ضمانت اجرائی پیدا نکرده است. مسئله ملی در کردستان که از مهم‌ترین مسایل انقلاب ایران است و باید نخست به رسمیت شناخته شود تا راه برای تامین مطالبات عادلانه مردم کردستان هموار گردد، همچنان لاینحل مانده است. تجارت خارجی و نیز برخی از صنایع بزرگ هنوز ملی نشده‌اند.

و مهم‌تر از همه اینها آن که هنوز این اعتماد در مردم پا نگرفته است که حکومت جمهوری اسلامی و نیروهای خط امام که نیروهایی ضد امپریالیست و ملی‌اند، با اتخاذ سیاست‌های خارجی و داخلی منطبق با مصالح انقلاب می‌توانند در پی حل دشواری‌ها و ضعف‌های فوق برآیند.

بر چنین زمینه‌ای از ضعف‌ها و مشکلات انقلاب است که نمایندگان خط سازش، چه آنها که در حکومتند و چه آنها که خارج از حکومتند، دست به دست هم داده‌به قصد جلوگیری از گسترش و تداوم انقلاب، جبهه‌های از نیروهای مخالف خط امام را رهبری می‌کنند. این جبهه، از تزلزل‌ها و ناپیکیری‌های خط امام در پاسخگویی به نیازهای انقلاب که طبعا ناراضی‌های عمومی را رشد می‌دهد، از سیاست‌های تنگ‌نظرانه خط امام که در برخی موارد از جمله در آموزش و پرورش، دادگستری، دانشگاه و غیره موجب سلب امنیت شغلی برخی از مردم و برکناری گروهی از عناصر آگاه و مبارز گشته است و از محدودیت‌هایی که جمهوری اسلامی در راه آزادی‌های سیاسی مردم ایجاد کرده است،

هوشیارانه بهره‌برداری می‌کند و زیر پوشش به اصطلاح "آزادیخواهی" و دفاع از مطالبات مردم، در کار آن است که از هر طریقی شده خط سازش را بر حکومت جمهوری اسلامی غالب گرداند، انقلاب را از تداوم و تعمیق بازدارد و در نهایت به شکست کشاند.

و این در حالی است که نیروهای خط امام به جای درک حساسیت اوضاع و احوال کنونی و تلاش در جهت وحدت همه نیروهای وفادار به انقلاب که

قطعا ضامن پاسخگویی به نیازهای اساسی انقلاب است، همچنان در بسیاری از موارد زمینه بهره‌برداری لیبرال‌ها و دیگر نمایندگان سرمایه‌داری را هموار می‌سازند و در برابر تهاجمات و تهدیدات جبهه سرمایه‌داران تزلزل و تردید از خود نشان می‌دهند و حتی در پاره‌ای موارد از جمله اتخاذ یک سیاست خارجی منطبق با مصالح انقلاب و استقلال میهن که امروز برای ادامه انقلاب حیاتی است و اجرای بند "ج" اصلاحات ارضی و غیره، دست به عقب‌نشینی می‌زنند، که قطعا این عقب‌نشینی‌ها نیز خود بیش از پیش زمینه رشد لیبرال‌ها و دیگر نمایندگان سرمایه‌داری و تضعیف نیروهای ضد امپریالیست خط امام را در حکومت جمهوری اسلامی به دنبال خواهد داشت و طبعا خطر غلبه خط سازش را بر حکومت جمهوری اسلامی افزون می‌سازد. و این همه در حالی است که امپریالیست‌ها، دول مرتجع منطقه و متحدان داخلی آنها همه تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا به شیوه‌های تهدید، تطمیع و علم کردن خطر واهی "دخالت شوروی" و "خطر کمونیسم" که شیوه کهنه امپریالیست‌ها و دستگاه‌های جاسوسی آنها و همه مزدوران ریز و درشت آنها است، دولت جمهوری اسلامی را که در پی به راه انداختن چرخ‌های اقتصاد داخلی و ترمیم خرابی‌های جنگ است، به گسترش رابطه با امپریالیست‌های اروپایی و ژاپنی بکشانند، انقلاب را از دوستان جهانی آن محروم سازند، در جبهه انقلاب داخلی شکاف‌اندازند، خط امام را از سایر نیروهای ضد امپریالیست جدا کنند و در نهایت انقلاب را با همه دستاوردهای آن از میان ببرند.

در این میان در کمال تأسف نه تنها آقای رئیس‌جمهور که پیش از انتخابات به مردم قول داده بود در خلاف جهت دولت موقت بازرگان حرکت خواهد کرد، اینک در مسیری خلاف مصالح انقلاب و همراه با لیبرال‌ها گام برمی‌دارد، بلکه سازمان سیاسی پرسابقه‌ای با پیشینه درخشان، مثل سازمان مجاهدین خلق نیز که آرمان بنیانگذارانش مبارزه با سازشکاران و نمایندگان سرمایه‌داران و تجار بزرگ و مبارزه با همه مظاهر ارتجاع داخلی و خارجی بوده است فعلا در راهی گام نهاده است که عملا در جهت همین سیاست است. در این میان جمهوری اسلامی همچنان با درهم ریختن مرز دوستان و دشمنان انقلاب از سوئی به وحدت نیروهای وفادار به انقلاب و به وحدت توده‌های مبارز و زحمتکش ایران آسیب می‌رساند و از سوئی همان‌گونه که اشاره کردیم زمینه بهره‌برداری نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری را فراهم می‌سازد.

### راه حل ضعف‌ها و مشکلات انقلاب چیست و چه سیاستی می‌تواند تداوم انقلاب را تضمین کند؟

قطعا ادامه روش‌های تنگ‌نظرانه، سردرگم و بی‌برنامه حکومت جمهوری اسلامی چه در زمینه سیاست‌های داخلی و چه در زمینه سیاست خارجی پاسخگویی نیازهای انقلاب به‌ویژه در شرایط حساس امروز نیست. ادامه چنین سیاستی طبعا خطر غلبه خط سازش را در حکومت افزایش می‌دهد. موقعیت نیروهای ضد امپریالیست حاکم را تضعیف می‌کند، به سرخوردگی توده‌ها دامن می‌زند، خطری که نخستین علائم آن به هر نیروی انقلابی و آگاه و به همه کسانی که برای استقلال و آزادی ایران و رهایی از ستم و استثمار می‌رزمند، هشدار می‌دهد.

از این رو است که ما در آستانه سال جدید، به منظور تداوم و تعمیق انقلاب خونین خلقمان بار دیگر تاکید می‌کنیم که:

- ۱- تجارت خارجی باید ملی شود و دست سرمایه‌داران بزرگ از صنایع کوتاه شود
- تجارت خارجی که وضعیت امروز آن از علل اساسی گرانی و بیکاری توده‌های مردم است، هر چه زودتر

نصفه از صفحه ۲

### پیام نوروزی...

باید ملی گردد، دست سرمایه‌داران بزرگ از صنایع ما کوتاه و سرمایه‌های آنان مصادره شود و با اتکاء به نیروی خلاق زحمتکشان میهن و همکاری دولت‌های مترقی دوست انقلاب ایران، گام‌های مقدماتی برای ساختن صنایع مادر و زیربنائی که ضامن رشد نیروهای تولید ملی، استقلال اقتصادی و کاهش بیکاری است برداشته شود.

### ۲- شعار ((زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند)) باید به اجراء درآید

اصلاحات ارضی واقعی به‌گونه‌ای که بتواند شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند" را عملی سازد، اجرا گردد. در این زمینه ما خواستار اجرای هرچه سریع‌تر بند "ج" و بند "دال" اصلاحات ارضی و ادامه فعالیت‌های هیئت‌های هفت نفره تقسیم ارضی هستیم. بعلاوه تامین نیازهای دهقانان و خرده‌مالکان به وام، ماشین‌آلات کشاورزی، سموم دفع آفات نباتی، کودهای شیمیائی و تضمین خرید محصولات آنان می‌تواند ضامن رشد تولیدات کشاورزی، کاهش گرانی و بیکاری و جلب حمایت توده‌های روستائی به انقلاب گردد.

### ۳- آزادی فعالیت‌های سیاسی و صنفی باید تامین و تضمین شود

آزادی سیاسی نیروهای مردمی همان‌گونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده تامین و تضمین گردد. آزادی فعالیت‌های صنفی - سیاسی کارگر، دهقان دانشجو، دانش‌آموز پیشهور، کسبه، معلم، پرسنل ارتش، دانشگاهی، کارمند، هنرمند و غیره و نیز آزادی تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌های صنفی-سیاسی کارگران و زحمتکشان و سایر مردم که از هدف‌های اساسی انقلاب بوده و هست، ضامن تداوم انقلاب است و باید تامین و تضمین شوند. هرگونه گرایش تنگ‌نظرانه و انحصارطلبانه مخالف گسترش آزادی‌های سیاسی و صنفی نیروهای مردمی، موجب تفرقه و تضعیف جبهه نیروهای وفادار به انقلاب و تقویت نیروهای مخالف گسترش و تعمیق انقلاب می‌گردد.

### ۴- ضرورت برابری کامل مردم ایران از هر عقیده و مذهب چه زن و چه مرد در مقابل قانون

امنیت قضائی، برابری کامل در برابر قانون و در همه شئون اجتماعی و امنیت شغلی مردم ایران، از هر عقیده، دین و مذهبی که باشند چه زن و چه مرد باید تضمین گردد. به "پاکسازی" نیروهای آگاه و مبارز و همه کسانی که جزو سرسپردگان رژیم سابق نبوده‌اند باید بی‌درنگ پایان داده شود و معلمین، کارمندان، ارتشیان و دانشگاهیان آگاه و مبارزی که به جرم عقیده از شغل خویش برکنار شده‌اند مجدداً به کار خود بازگردند.

### ۵- لزوم بازگشائی هرچه سریع‌تر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی

ادامه تعطیل دانشگاه‌ها ظرف یکسال گذشته نه تنها موجب آن شده است که میهن ما از هزاران پزشک، مهندس، معلم و تکنسین و غیره که سخت به آن نیازمند است محروم گردد بلکه عملاً چنین کاری مغایر سیاست مبارزه با وابستگی است و هزاران داوطلب تحصیل را راهی دانشگاه‌های اروپائی و امریکائی کرده است. همچنین هزاران استاد و کارشناس ایرانی را که می‌توانند و باید در خدمت امر آموزش علوم و فنون در آیند، عملاً بیکار کرده است. بعلاوه تعطیل دانشگاه‌ها که همواره از سنگ‌های نخستین مبارزه در راه استقلال و آزادی میهن بوده‌اند، موجب تضعیف صفوف نیروهای انقلاب می‌گردد و نیز به حیثیت و اعتبار انقلاب ایران در سطح جهان آسیب می‌رساند. بازگشائی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی کشور خواست میلیون‌ها ایرانی است و باید هرچه زودتر عملی گردد.

### ۶- حل عادلانه مسئله کردستان

مسئله کردستان باید بطور عادلانه حل گردد.

متأسفانه جمهوری اسلامی تاکنون با امتناع از به رسمیت شناختن مسئله ملی در کردستان و از پذیرش مطالبات خلق کرد و عدم برخورد واقع بینانه با مسائل کردستان، حل آن را با دشواری‌های بیشتری مواجه ساخته است. ادامه این وضع به زیان منافع و مصالح مردم و یکپارچگی میهن و به سود دشمنان انقلاب و دشمنان استقلال و آزادی ایران تمام می‌شود.

### ۷- جنگ رژیم جنایتکار صدام علیه انقلاب و ضرورت مذاکره در راه صلح

به برکت پایداری قهرمانانه خلق ما، تهاجم جنایتکارانه رژیم صدام علیه میهن انقلابی‌مان، که به تشویق و حمایت امپریالیسم و دول مرتجع منطقه صورت گرفت و منظور از آن صدور ضدانقلاب به ایران و نابودی دستاوردهای انقلاب بود، با شکست روبرو شده است. این جنگ را امپریالیست‌ها و رژیم مرتجع صدام به منظور منحرف ساختن مبارزات ضدامپریالیستی توده‌های منطقه و چانشین ساختن آن با ناسیونالیسم و شوونیسم شعله‌ور ساختند. بدیهی است که تفرقه‌های ترقیخواه، انقلابی و صلح‌دوست جهان و خلق‌های ایران و عراق نمی‌توانند خواهان ادامه جنگ باشند و بر آنند که هرچه زودتر صلح عادلانه استقرار یابد. پرواضح است که صلح عادلانه به مفهوم دفع کامل تجاوز رژیم صدام و بیرون رفتن همه سربازان ارتش تجاوزگر از میهن انقلابی ماست. ما راه اساسی دفع جنگ تجاوزکارانه امپریالیست‌ها و مرتجعین منطقه و استقرار صلح عادلانه را قبل از هر چیز مقاومت مسلح و عادلانه خلقمان می‌دانیم و اعتقاد داریم که پیکار مقاومت، مادام که تجاوزگران در میهنمان حضور دارند باید با قاطعیت هرچه تمام‌تر ادامه یابد. اما اعتقاد داریم که در کنار چنین پیکار عادلانه‌ای همه اشکال دیگر مبارزه در راه دفع تجاوز و استقرار صلح از جمله مذاکره صلح را باید به کار گیریم. به سود خلق‌های عراق و ایران است که مذاکره صلح با همکاری و ابتکار دولت‌ها و نیروهای ترقیخواه جهان و منطقه آغاز گردد و صلحی برقرار شود که ضامن استقلال و تمامیت ارضی دو کشور بوده و خواسته‌های عادلانه خلق‌های ایران و عراق و نیروهای ترقیخواه دو کشور را تامین کند.

### ۸- اتخاذ سیاست خارجی ترقیخواهانه شرط لازم برای تداوم انقلاب است

امروز اتخاذ سیاست خارجی منطبق با مصالح و منافع انقلاب، مسئله حیاتی انقلاب ایران است. ما تا رسیدن به مرحله خودکفائی نسبی صنعتی و کشاورزی و غیره راه درازی در پیش داریم. برای ایجاد صنایع زیربنائی و دگرگونی‌های اساسی در وضعیت کشاورزی که نخستین سنگ‌بنای خودکفائی است باید از آخرین دستاوردهای امروز جهان و از پیشرفته‌ترین ابزار و فنون صنعتی جهان بهره گیریم. بدون چنین کاری محال است بتوانیم گامی جدی در راه پیشرفت صنعتی و کشاورزی و در زمینه‌های دیگر برداریم. بدون چنین کاری نه تنها انقلاب نخواهد توانست به هدف‌های خود دست یابد، بلکه هر لحظه تامل و تاخیر در انجام آن، استقلال ما را با خطرات جدی قرین می‌سازد. بهره‌گیری از صنایع پیشرفته، وسایل، ابزار و فنون صنعتی و کشاورزی پیشرفته جهان امروز، به‌گونه‌ای که ضامن تحکیم استقلال و آزادی میهن ما و تداوم و تعمیق انقلاب ما باشد، به‌گونه‌ای که منافع و مصالح کارگران و زحمتکشان و همه اقشار دیگر مردم مبارز ایران را در نظر داشته باشد، فقط از طریق همکاری متقابل با کشورهای سوسیالیستی جهان می‌تواند تامین گردد. فقط از این راه است که می‌توان با سلطه امپریالیسم و هرگونه وابستگی مقابله کرد. تلاش برای گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با دول امپریالیستی جهان، چه امریکا، چه اروپای غربی و چه ژاپن، هرگونه تلاش برای حفظ و ادامه وابستگی اقتصادی ایران و گسترش روابط سیاسی - اقتصادی با دول امپریالیستی ضدیت با انقلاب و مردم ایران، ضدیت با آرمان انقلابی شهدای خلق و مشخصاً ضدیت با استقلال و آزادی میهن ماست و تنها در جهت منافع امپریالیست‌ها و متحدان آنها خواهد بود. در لحظاتی که تاخیر در اتخاذ یک سیاست خارجی ترقیخواهانه می‌تواند ضربات جبران ناپذیر به انقلاب وارد سازد، آقای رئیس جمهور هم‌صدا با سرمایه‌داران لبرال با همه بوان خود در برابر هر گزاسی که حواس را انحاد حبس سیاسی

باشد، قرار گرفته و همه راه‌های ممکن را برای جلوگیری از اتخاذ چنین سیاستی از گردآوری نیرو پیرامون خود گرفته تا علم کردن خطر واهی "دخالش شوروی" و ایجاد و دامن زدن به هیستری ضدکمونستی و غیره به خدمت می‌گیرد و آشکارا و بدون پرده پوشی خواستار گسترش روابط با امپریالیست‌های اروپائی و ژاپنی است.

بر این اساس ما شعار ارتجاعی "دو ابرقدرت" را که ساخته و پرداخته امپریالیست‌ها است و هدف آن در کنار هم قرار دادن و برابر کردن دوستان جهانی انقلاب و استقلال ایران با دشمنان سوگند خورده آن یعنی امپریالیست‌ها و مرتجعین است، شعاری می‌شناسیم مغایر انقلاب ایران و مغایر استقلال و آزادی خلق‌های میهنمان سیاست خارج روشن و منطبق بر مصالح توده‌های مردم، سیاست گسترش روابط با دول سوسیالیستی جهان، امروز ضرورت حیاتی انقلاب ما است.

### ۹- اتحاد همه نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست ضرورت حیاتی انقلاب است

برای غلبه بر همه مشکلاتی که سر راه انقلاب وجود دارد، برای طرد سیاست‌های سازنده ارتجاع و پیشبرد سیاست‌های داخلی و خارجی منطبق با مصالح مردم و انقلاب، همه نیروهای وفادار به انقلاب باید با هم متحد شوند. بهترین شکل این اتحاد تشکل همه نیروهای ضدامپریالیست در یک جبهه واحد ضد امپریالیستی است. تفرقه و تشتت میان نیروهای ضد امپریالیست آن هم در شرایطی به حساسیت امروز، در شرایطی که ارتجاع منطقه با حمایت کامل امپریالیست‌ها و همچنین متحدین داخلی آنها چمبگی علیه انقلاب ایران متحد شده‌اند، به مخالفان داخلی و خارجی انقلاب فرصت می‌دهد که طرح‌های خود را به اجرا گذارند و سیاست‌های خود را به پیش برند. بر این اساس مبارزه علیه تنگ‌نظری و تمایلات قشری که اساساً با درک ضرورت حیاتی وحدت همه نیروهای ضدامپریالیست بیگانه است، قطعاً باید بطور پیگیر و جدی و به‌گونه‌ای که ندر خدمت نمایندگن سیاسی سرمایه‌داران بلکه در خدمت تصحیح سیاست نیروهای خط امام و تقویت وحدت نیروهای ضدامپریالیست گردد، دنبال شود.

دولت جمهوری اسلامی باید با همکاری همه نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست ایران برنامه‌ای که دربرگیرنده موارد ذکر شده در بالا باشد تدوین و به پیشگاه مردم ایران ارائه کند و با همکاری همه نیروهای وفادار به انقلاب آن را به اجرا گذارد. امروز چنین برنامه‌ای در جلب اعتماد دلبشتر توده‌ها به انقلاب و جلوگیری از انفعال، سرخوردگی و شکست همه جریان‌های طرفدار غرب و سازش با امپریالیست‌ها ضرورت حیاتی دارد.

\* \* \*  
به یاد داشته باشیم که میهن ما امروز یکی از مهمترین کانون‌های سنیز نیروهای انقلاب و ضدانقلاب جهان است. سرنوشت صدها میلیون زحمتکش منطقه با سرنوشت انقلاب ما کره خورده است. چشم‌های نگران و امیدوار توده‌های ستمکش خاورمیانه و جهان در انتظار پیروزی‌های بازم بیشتر انقلاب ما است، چرا که این پیروزی‌ها پیام آور طلیعه سرخ رهایی همه آنهاست فراموش نکنیم که ما در مبارزه علیه امپریالیسم، ارتجاع منطقه و متحدان داخلی آن تنها نیستیم. دول سوسیالیستی و سایر دولت‌ها و نیروهای ترقیخواه جهان، صدها میلیون مردم کشورهای زیر سلطه امپریالیسم و طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی پشتیبان ما و در کنار ما هستند. اگر دوستان جهانی انقلابمان را به درستی بشناسیم، اگر همچون گذشته مصمم و برخورد با امید به آینده بیروز، متحد و یکپارچه به راه پرافرنخارمان ادامه دهیم و در پیکار علیه دشمنان رنگارنگ انقلاب هیچ فرصتی را از دست ندهیم، اگر مصائب و سختی‌های لحظه‌های دشوار کنونی را برخورد آسان گیریم، از هم اکنون می‌توانیم بگوئیم که شاهد پیروزی نهایی چندان دور نیست، از هم اکنون می‌توانیم برای روزهای تابناک آینده، برای عید خجسته و همسه بهار آزادی، آغوش بکشائیم.  
با صمیمانه‌ترین تبریکات و با پرفروغ‌ترین امیدها به پیروزی خلق‌های قهرمان ایران.



## پای صحبت یک لیبرال

### در آستانه سال ۱۳۶۰

هستند به پاریس رفتند که عواقب سخت‌تری و افراطی‌گری را توضیح دهند تا بلکه کار را به مصالحه بکشند که متأسفانه آقا به حرف‌های ما توجهی ننمود. وقتی کار به اینجا رسید بین خودمان جلسه گرفتیم و به این نتیجه رسیدیم که صلاح کار این است که فعلاً با ملت تهنیت شده همصدائی کنیم شاید بتوانیم کمی آتش را مهار کنیم که دوستان بختیار از این تصمیم ما ناراحت شد و از ما کناره گرفت. ولی ما معتقد بودیم که او اشتباه می‌کند و شما دیدید که او چوب اشتباه خود را هم خورد.

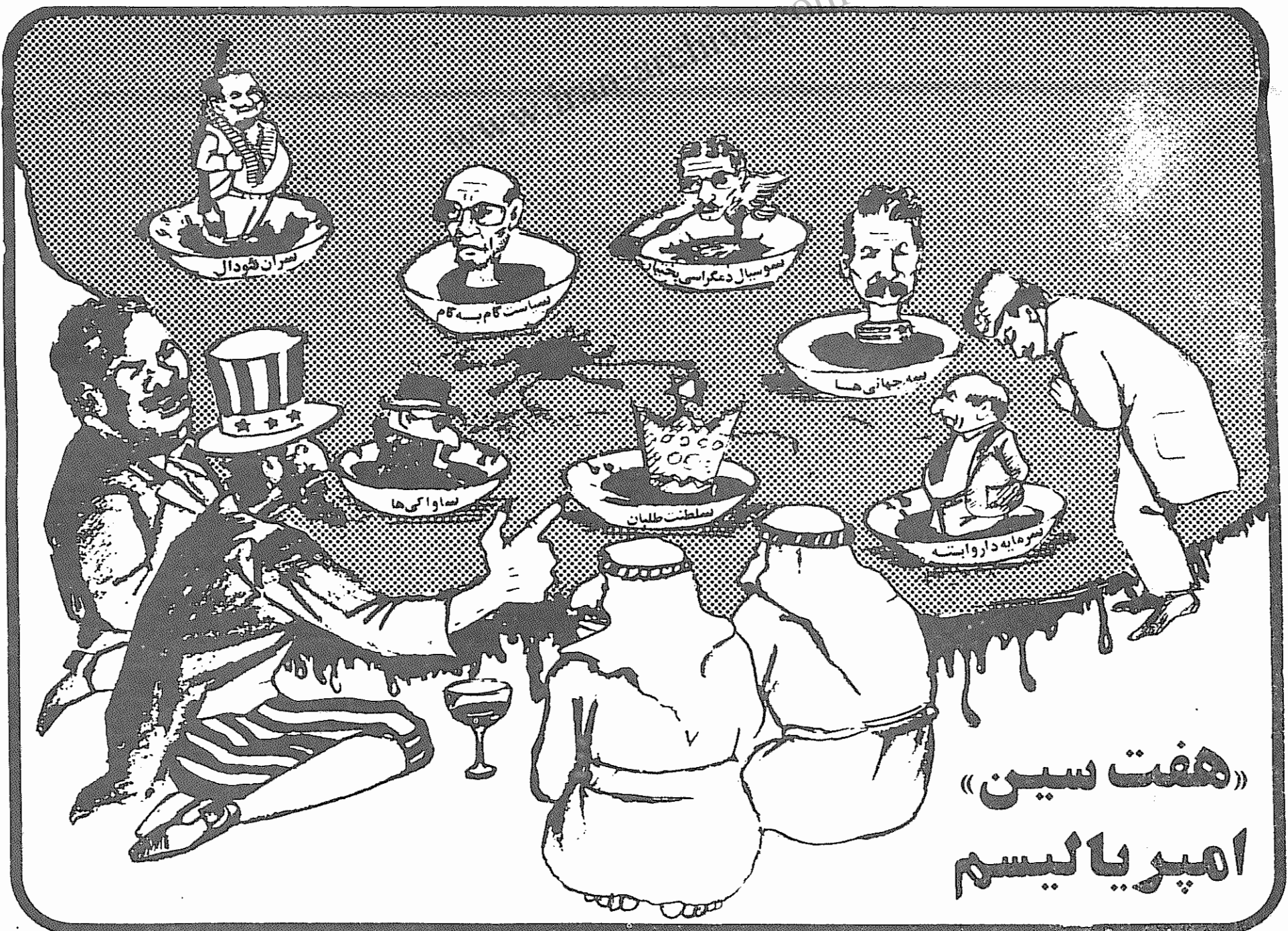
بالاخره آنچه نمی‌بایست می‌شد، شد و در ۲۲ بهمن، هر فرد بی‌سوادی یک ز-۳ دستش گرفت و دسته‌جمعی مثل یک سیل وحشتناک ریختند توی خیابان‌ها، حمله کردند به پادگان‌ها و آتش‌سوزی شد و همه زحمات ما لیبرال‌ها دود شد و به‌هوا رفت. بله اگر از همان اول برنامه ما اجرا می‌شد

نصفه در صفحه ۵

جبری که نمی‌بایستی اتفاق می‌افتاد، رخ داد: انقلاب شد!

بله در مورد خودمان می‌گفتم، ما لیبرال‌ها آدم‌های "معقول" و میانه‌روی هستیم و معتقدیم با مذاکره و تفاهم می‌شود همه کارها را سر و سامان داد. ما فکر می‌کنیم که اقدامات تخریبی شلوغ کردن‌های بی‌جا، افراد را جمع کردن و شعار دادن، گلوله در کردن و این قبیل اقدامات کار آدم‌های عاقل و مسلمان نیست. این کارها را هرج و مرج طلب‌ها انجام می‌دهند. مسلمان با نفوا دست به خرابی و راه و روش بشویکی نمی‌زند. به همین دلایل بود که وقتی دیگر ما در جریان انقلاب نتوانستیم جلوی مردم تهنیت شده را بگیریم، وقتی دیدیم همه "مرگ بر شاه" می‌گویند و اصلاً کوناه نمی‌آیند، تصمیم گرفتیم چند نفر از برادران محترم را بفرستیم پاریس پیش آقا! مهندس بازرگان، آقای سنحایی که هر دو آدم‌های سیاسی ورزیده، معقول، متقی و ملی

قبل از آنکه حرف‌های اصلی را شروع کنم لازم می‌بینم مقدماً در مورد خودمان، در مورد اینکه ما که هستیم، چه کرده‌ایم و برنامه آینده‌مان چیست، مختصری صحبت بکنم. امروز در ایران مد شده است که همه به ما می‌گویند، لیبرال! البته خود کلمه لیبرال بد چیزی نیست ولی آنچه که ناراحت کننده است، این است که مردم از این کلمه به‌عنوان فحش استفاده می‌کنند، به‌این خاطر هم است که از این اسم اصلاً خوشم نمی‌آید. اما چون کلمه‌ای که بتواند معرف ما باشد پیدا نکردم، لذا به‌همین واژه در این صحبت‌ها رضا می‌دهم. البته این را هم اشاره کنم که خود این واژه لیبرال را هم کمونیست‌های از خدا بی‌خبر نوبی دهان مردم گذاشتند. ما لیبرال‌ها قبل از انقلاب، زمانی که کارتر، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در "دفاع از حقوق بشر" تبلیغاتش را شروع کرد، جان ناره‌ای گرفتیم. شروع کردیم به انحصار و کمینه درست کردن و در "دفاع از حقوق بشر" کوشیدن در آن مقطع، خطر بزرگی که وجود داشت، این بود که این آدم‌های پابره‌ه و بی‌سواد که از سیاست چیزی سرشان نمی‌شود، شورشی بشوند و اقدامات تخریبی و مسلحانه انجام دهند. ما می‌دیدیم که مردم از شخص شاه ناراضی هستند. در نتیجه این راهم می‌داشتیم که اگر بتوانیم این مردک رابه بهانه‌ای بفرستیم خارج، کارها درست می‌شود. این بود که سعی کردیم شورای سلطنت درست کنیم، با سفارت آمریکا هم تماس گرفتیم. دسته گل فرستادیم و... اما متأسفانه این کارها موثر نشد و بالاخره، آن



«هفت سین»  
امیر یالقیسم

بقیه از صفحه ۴

### پای صحبت...

حالا ما گرفتار این همه مصیبت نبودیم که دیگر نشود به یک کارگر ساده گفت سرت را ببنداز و کارت را بکن. نشود به یک زارع گفت روی زمین تقسیم کن (آقای لیبرال در اینجا آه می کشد).

اما فکر نکنید که ما میدان را ترک کرده ایم. ما علیرغم همه این مصائب ناامید نشدیم و کوشیدیم خرابیها را ترمیم کنیم و مملکت را به صراط مستقیم برگردانیم. دولت موقت که آمد سرکار، همه افراد مومن را بر سر کار گذاشتیم و خواستیم پا روی دم اژدها بگذاریم، سعی کردیم باب مذاکره با آمریکا را باز کنیم. آخر ما مملکت وابسته ای بوده ایم و به همین دلیل هم می بایستی وابسته می ماندیم. مخصوصا که روسیه شوروی بالای سر ماست و منتظر است تا در اولین فرصت بیاید ایران را "فتح" کند و اسلام را از ما بگیرد. بله! ما از افراد متمولی که وحشتزده شده و ایران را ترک کرده بودند، دعوت کردیم برگردند و اقتصاد نابسامان ما را سر و سامان دهند، امرای متخصص ارتش را سرکار آوردیم به الجزایر رفتیم و با دوست عالیقدری چون برژینسکی صحبت کردیم، با کشورهای اسلامی مانند پاکستان و ترکیه رابطه را گسترش دادیم و برعکس کوشیدیم این فلسطینیها و لیبیاییها را که می خواستند از انقلاب ما سو استفاده بکنند، ناامید کنیم این را هم بگویم که در آن روزها ما از طرف عده ای از دوستان تحت فشار بودیم که سیاست گام به گام شما بیش از اندازه گام به گام است ولی مهندس به آنها گفت که هنوز تیغه چاقو دستش نیست و کمی تامل کنید!

خلاصه داشتیم گام به گام انقلاب را به پیش می بردیم که یک مرتبه این کمونیستها توطئه را شروع کردند. رفتند زیر گوش جوانهای مسلمان نادان مانشتند و حرفهای خودشان را به آنها القاء کردند. حتی من فکر می کنم در درون جمع آنها رخنه کردند و یک مرتبه رفتند سفارت آمریکا را گرفتند. بدون اینکه به هر حال روابط دیرینه ما با آمریکا را در نظر بگیرند، بدون آنکه به آبروی ما پیش مجامع کشورهای آزاد فکر کنند، بدون آنکه به حقوق دیپلماتهای یک کشور بزرگ اعتنائی بکنند، رفتند و سفارت را گرفتند. دیپلماتها را دست بسته و چشم بسته این طرف و آن طرف بردند. به آنها اتهام جاسوسی زدند و خلاصه پاک آبرو و حیثیت ما را از بین بردند و کار را به جایی رساندند که همانطور که مسبقاً دولت موقت آقای بازرگان مجبور به استعفاء شد. (آقای لیبرال به اینجا که می رسد، زیر لب حرفهای نامفهومی می زند).

بعد هم این یک مشت جوانان احساساتی که حالا خودشان را به اسم دانشجویان مسلمان پیرو خط امام معرفی می کردند، شروع کردند به اصطلاح افشاگری! یک مشت اسنادی را چاپ و منتشر کردند و کارهایی را که دوستان ما برای پیشبرد امور انجام داده بودند، نشسته و برخاستهائی را که با اتباع خارجی برای بهبود روابط و منزوی شدن مملکت انجام داده بودند به اسم جاسوسی و هزاران تهمت و افترای دیگر جا زدند. یک مشت مردم بی سواد و نادان هم مرتب می رفتند جلوی سفارت و شعاری ضد آمریکائی می دادند و به این آتش خانمانسوز دامن

می زدند. کمونیستها هم کمکشان می کردند و بالاخره چنان جوی در جامعه به وجود آوردند ما نمی توانستیم به راحتی در مجامع و محافل عمومی رفت و آمد کنیم کار توهین را به جایی رساندند که به ساحت مقدس آیت الله شریعتمداری هم اهانت کردند و گفتند ایشان هم العیاذ بالله لیبرال و سازشکار است. بله آقا! مصیبت بزرگ ما از همین جریان اشغال سفارت شروع شد. از آن روزی که شعار مرگ بر آمریکا را به مردم القاء کردند ما دیگر هرگز نتوانستیم کار خودمان را به راحتی انجام دهیم. هر عملی انجام دادیم، هر حرفی زدیم، هر اظهارنظری کردیم، گفتند این به نفع آمریکاست. به ما گفتند شما لیبرالها جاده صاف کن آمریکا هستید. به ما گفتند شما سازشکار و عافیت طلبید و بسیار از این شعارهای توخالی دادند. هر چه ما گفتیم آخر نمی شود با آمریکا درافتاد و مملکت را منزوی کرد و نباید کاری کرد که انگلستان، آلمان، فرانسه، ژاپن و خلاصه همه جهان آزاد نسبت به ما اعتمادشان را از دست بدهند، کسی گوشش بدهکار نبود.

این مقدمه را گفتم تا برسیم به بررسی آنچه در سال ۵۹ اتفاق افتاد. بدون این توضیحات و زمینه چینیها، بررسی وقایع سال گذشته عملی نبود. سال ۵۹ را با شرایطی که گفتم آغاز کردیم. ما بالاخره به این نتیجه رسیدیم که نباید بیکار نشست مخصوصا بدین علت که زرمه های تازه ای هم شروع شده بود. زرمه های خطرناک که همه اش زیر سر کمونیستها بود. آخ که اگر این کمونیستها نبودند.

این زرمه ها چه بود؟ می گفتند باید تجارت خارجی ملی شود، می گفتند باید زمینهای بزرگ مالکان تقسیم گردد، می گفتند باید طرح طبقه بندی مشاغل به نفع کارگران انجام گیرد، می گفتند باید با کشورهای افراطی مثل الجزایر، لیبی و سوریه و حتی کشورهای سوسیالیستی کافر رابطه برقرار گردد و توسعه یابد. می بینید که دیگر داشت کار به جاهای باریک می رسید. ما دور هم جمع شدیم و قرار شد که چند نشریه در بیاوریم. برادرم آقای مهندس بازرگان به اتفاق دیگر دوستان نهضت آزادی روزنامه وزین میزان را منتشر کردند. همین جا برای اینکه احساس مسئولیت مان را در قبال انقلاب به شما ثابت کنم و نشان دهم که ما برای نجات انقلاب از هر وسیله ای استفاده کرده ایم به چگونگی نامگذاری روزنامه میزان اشاره می کنم. دوستان کارگشته ما گفتند حالا که اینقدر روی "نه شرقی نه غربی" تکیه می شود بهتر است که ما هم آن را میزان کنیم. آخر ما می دانستیم که اگر در این مسئله موفق باشیم خواهیم توانست از شر کمونیستها راحت بشویم و رابطه معقولی با جهان آزاد داشته باشیم. بله بگذریم، برادر قطب زاده هم قرار شد والعصر را منتشر کند که آمدند انحصارگری کردند و نگذاشتند. بعد هم آمدیم و یک سری مباحث جدید را در جامعه مطرح کردیم. اول گفتیم چرا این آقایان خط امامیها به تخصص بها نمی دهند، هر چه جوان بی سواد و بی تجربه است می آورند سر کار و در عوض دوستان متخصص ما را با انگ لیبرال از سرکار برمی دارند. لذا گفتیم تخصص مسئله مهمی است و تبلیغات زیادی کردیم تا بلکه جلوی این اعمال خلاف عقل و منطق را بگیریم. بعد گفتیم آقا ما در جهان منزوی شده ایم، هیچ کس به حرف ما گوش نمی دهد. برادران و دوستان ما اینجا و آنجا صحبت کردند که ما نباید منزوی باشیم، می باید با ملل آزاد روابط دوستانه داشت، رفت و آمد داشت. باید از آنها دعوت کنیم، بیایند سر یک میز بنشینیم و سوء تفاهمها را رفع کنیم، با مرگ بر آمریکا که اختلافات جزئی فیما بین حل نمی شود. بعد مسئله القاء ایدئولوژی را پیش

کشیدیم و توضیح دادیم که همه بدبختی های ما از وقتی شروع شده است که کمونیستها توی گوش جوانان نادان ما حرفها و نقشه های خودشان را می خوانند و به آنها تلقین می کنند که گویا دشمن اصلی آمریکاست. سعی کردیم به این جوانان نادان القاء کنیم که اگر در این احزاب و سازمانهای چپی را تخته کنند، اگر اینها را بگیرند و بیاندازند توی هلفدونی، بسیاری از نابسامانیهای جامعه حل می شود که چندان فایده نکرد. البته ما چون آدمهای دیکتاتوری نیستیم با احزابی که به روسیه لعنتی وابسته نباشند کاری نداریم. نمونه اش این حزب رنجبران است که معقول کارش را می کند و ما هم کاری به کارش نداریم. حتی لازم باشد، کمکش هم می کنیم!

بله از زرمه های خطرناک صحبت می کردم. مثلا از ملی کردن تجارت خارجی و یا اصلاحات ارضی. حالا باز فقط صحبتش را می کردند، می شد یک جوری کنار آمد ولی آنها قصد عملی کردن این چیزها را هم ندارند. مثلا آمدند شروع کردند همه چیز را جیره بندی کردن. کوپنیم را که همان کمونیسم است، راه انداختند! این آقایان تجار محترم بازار که همیشه طرفدار انقلاب بوده اند، آمده اند پیش ما کفشد آقا نمی شود که تجارت نیفتد دست دولت! راست هم می گفتند و حق داشتند. اگر قرار باشد دولت اجناس را وارد کند این تجار محترم بیکار می شوند و عواید مشروعشان را از دست می دهند یا این مالکان که یک مقدار زمین از اجدادشان به آنها رسیده و یا خودشان دست و پا کرده اند، اگر قرار باشد بیایند و زمین آنها را بگیرند کشاورزی ما نابود می شود! حتی عده ای از دوستانمان که مدیر کارخانه هستند، آمدند و گفتند که با این اوضاع اصلا دستمان به کار نمی رود. ما هم دیدیم حق دارند. گفتیم حالا که این اقتصاد مال ما نیست بگذار از کار بیفتند. آخر این کارها که اسلامی نیست، شرعی نیست. بفرمایند. این هم دستخط آیت الله قمی که فرموده اند این اقدامات به هیچ وجه جایز نبوده و شرک محض است (جزوه ای را نشان می دهد) خداوند خودش یکی را متمول و یکی را بی چیز خلق کرده است. ما که نمی توانیم در کار خلقت دست ببریم و اینطور فضولیها را انجام بدهیم. می دانید آنها در پاسخ ما چه گفتند؟ گفتند که اسلام ما با اسلام شما فرق دارد. بله کار را به آنجا رساندند که اسلام را هم دو تکه کردند.

خلاصه اینقدر این شعارهای "تجارت خارجی ملی باید گردد" را تکرار کردند که برادر قطب زاده مجبور شد اعتراض کند، رفت بازار توی سرای دستمالچی سخنرانی کرد.

اما مگر فایده داشت؟ مگر گوش اینها به حرفهای ما بود؟ آنها القاء شده بودند. حرف را می فهمید که؟ آنها القاء شده بودند که باید با آمریکا و دوستانش مبارزه کرد و راهش را هم عملی کردن این زرمه های شیطنانی می دانستند. ما واقعا احساس خطر می کردیم. احساس می کردیم آزادی ما، آزادی این افراد خیر و مومن در خطر است این بود که برای برگرداندن آزادی دست به کار شدیم. از بسته شدن در دانشگاهها استفاده کردیم، روی پاکسازی در آموزش و پرورش و ادارات انگشت گذاشتیم و دست به تبلیغات زدیم تا شاید بتوانیم جو را علیه این جوانان جاهل که تیشه به ریشه مملکت می زنند، برانگیزانیم. خلاصه همه جا رفتیم از آزادی صحبت کردیم و از خطر استبداد و دیکتاتوری. بله حالا که سر سفره هفت سین با هم به صحبت نشستیم، می توانم با افتخار بگویم که در این مورد هرکاری از دست ما لیبرالها می آمد انجام دادیم و حتی کوشیدیم که از هر نوع همکاری با

### طبقه کارگر ایران سلاح وحدت و تشکيل را نيز مي‌کند

اتکا بر تشکلهای صنفی - طبقاتی و شورائی، بر تشکلهای صرفاً مکتبی در کارخانجات تکیه کنند و اینگونه تشکلهای را گسترش دهند. بارها از تشکیل اتحادیه انجمنهای اسلامی سخن گفتند و سعی کردند آن را جایگزین کانونها و اتحادیههای کارگری بنمایند. حتی برخی از عناصر مشکوک که در راس واحد ایدئولوژیک سیاسی سازمان صنایع ملی ایران نیز قرار دارند، با به راه انداختن سمینارهای پر سر و صدائی از قبیل سمینار وحدت انجمنهای اسلامی (و در واقع سمینار تفرقه تشکلهای کارگری) تلاش کردند تا واقعیت بالنده مبارزات صنفی - سیاسی کارگران را مسکوت گذارده و یا به انحراف کشانند. برخی مسئولین دولتی (نظیر نعمت زاده وزیر صنایع) علیرغم خیانتهای مکرر به کارگران (به هنگام تصدی وزارت کار) همچنان در پستهای حساس دیگر، مجال توطئهچینی علیه شوراها را می‌یابند. و بسیاری از آنان هم‌اکنون در راه تدوین و تصویب یک قانون کار انقلابی شديدا سنگ اندازی می‌کنند آنچنانکه حتی وزرائی که مسئولیت انقلابی می‌شناسند نیز گاه تردید و تزلزل از خود نشان داده و به فشارهای توطئه - گرانه و ضدکارگری آنان تمکین می‌نمایند. آنچه که اکنون عاجل‌ترین و مهم‌ترین خواست توده کارگران و تشکلهای کارگری را تشکیل می‌دهد، قبل از هر چیز تدوین یک قانون کار و تامین اجتماعی انقلابی است که با مشارکت مسئولان تشکلهای کارگری صورت گیرد. تشکلهای مبارزاتی کارگران این شعار را همراه با دیگر شعارهای مبارزاتی‌شان یعنی مصادره و ملی کردن کامل همه سرمایه‌های بزرگ، افزایش تولید و مبارزه برای پیروزی استقلال اقتصادی و تقویت روابط متساوی - الحقوق اقتصادی و... با کشورهای متحده و متحد انقلاب ایرانند پیگیرانه طرح و تاکید نموده و برای تحقق آن مبارزه می‌کنند.

مبارزات صنفی - سیاسی یک ساله اخیر کارگران علیرغم کندی روند تعمیق انقلاب از نظر ارتقای آگاهی و تحکیم تشکلهای مبارزاتی توانسته است به چشم‌اندازهای امید بخشی دست یابد و این بیش از هر چیز محصول غنای روز افزون تجارب مبارزاتی خود کارگران و همچنین نقش سازمانگرانه پیشروان انقلابی به‌ویژه سازمان ما بوده است. تضعیف نفوذ لیبرالها در حکومت، تعدیل کارشکنیها و تحریکات سوء مسئولین حکومتی علیه شوراها و سندیکاها (از قبیل کاهش دامنه پاکسازیهای ضد کارگری و...) و سرانجام تضعیف نسبی دامنه نفوذ گروههای آنارشیزست و غیر مسئول، جنبه دیگری از این مسئله است. طی ماههای اخیر به تدریج شاهد آنیم که تشکلهای کارگری بیش از پیش در کانونهای منطقه‌ای و رشته‌ای گرد می‌آیند و سازمانگران انقلابی و پیشرو با پاسخ مجدانه به این مطالبه عینی ضروری (وحدت‌یابی توده کارگران) چشم‌انداز تحکیم و گسترش تشکلهای کارگری را روشن تر و امیدبخش تر می‌گردانند. تشکلهای کارگری بطور اعظم و تشکلهای صنفی - طبقاتی کارگران بطور اخص به تدریج رو به تحکیم می‌نهند و دیگر تشکلهای (از قبیل انجمنهای اسلامی کارخانجات) به دلیل آنکه تنها بر محور مکتب و ایدئولوژی شکل گرفته‌اند و نه بر محور مسائل صنفی - طبقاتی کارگران، به تدریج ناگزیر از پاسخگوئی به مشکلات صنفی - سیاسی کارگران می‌گردند در غیر این صورت پایه‌هایشان را در میان کارگران از دست خواهند داد. طی ماههای اخیر برخی مسئولین تلاش بسیار کردند تا به جای

کارخانه‌ها (کمیته‌های آموزش نظامی، امداد، آتش نشانی، فنی، تعمیر و بازسازی، دفاع از مناطق حساس و...) شرکت داوطلبانه در جنگ تدافعی، کمک‌های پولی و جنسی مستمر و مداوم به هم‌میهنان جنگ‌زده و... بیانگر درک مسئولیت عمیق و بی‌شائبه طبقه کارگر درقبال سرنوشت انقلاب است. هیچ کس نیست که بتواند فشار اقتصادی کمرشکنی را که بر کارگران ایران وارد می‌آید، انکار کند و همگان می‌دانند که هر ساله در اسفند ماه، مطالبات صنفی کارگران (پاداش سالانه و...) به موجی فراگیر و حرکتی عمومی بدل می‌شود ولی چرا با وجود این همه فشار گرانی، کمیابی و... علیرغم انتظارات و تحریکات مداوم لیبرالهای خائن، کارگران ایران دست به آشوب نزدند چرا ناراضی‌های انقلابی و برحق کارگران به اعتصابات عمومی بدل نشد و تنها چند کارخانه (آن هم عمدتاً بخاطر بی‌کفایتی مفرط مدیران مکتبی) دست به اعتصاب زدند؟ علت روشن است. انقلاب بسیار عمیق تر از آنکه لیبرالها تصورش را بکنند در توده کارگران ریشه دارد و بسیار فراتر از آنکه مسئولین حکومتی قادر به درک آن باشند در قبال دستاوردها و سرنوشت انقلاب مسئولیت می‌شناسند و این بیش از هر چیز بیانگر ارتقای شعور سیاسی کارگران و درک مسئولانه‌شان از حساسیت تاریخی موقعیت کنونی است. این چیزی نیست که مسئولین حکومتی بتوانند آن را به حساب "مدیریت مکتبی و انقلابی" خود بگذارند و یا کوتاه بینی‌شان نسبت به سرنوشت انقلاب و بی‌ایمانی‌شان نسبت به ظرفیت انقلابی کارگران را توجیه نماید.

جهت مصادره و ملی کردن صنایع بزرگ، بی‌اثر کردن تشبثات اخلاک‌گراانه مدیران لیبرال در امر تولید، تامین مواد خام و وسایل کار، مداوم تولید و افزایش بازدهی کار، مبارزه برای تامین بازار فروش، مبارزه با واسطه‌ها و محتکرین و گسترش تعاونی‌های توزیع و مصرف، استقبال همه‌جانبه از طرح‌های مترقیانه تامین و توزیع مایحتاج ضرور جیره‌بندی انقلابی و... اینها بخشی از مبارزات انقلابی کارگران علیه توطئه‌های امپریالیسم، تجاوزطلبی‌های صدام و خیانت پیشگامی‌های سرمایه‌داران لیبرال بود. با وجود آنکه دولت جمهوری اسلامی ایران هنوز نتوانسته است اهمیت و ضرورت تامین حوائج صنفی کارگران و ملازمه آن با تعمیق انقلاب را درک کند، علیرغم آنکه با بی‌اعتنائی نسبت به مطالبات صنفی، بی‌کفایتی در اداره واحدها و تحریکات سوء (من جمله "پاکسازی کارکنان مبارز و انقلابی") آسیب‌های جدی بر تشکلهای مبارزاتی کارگران وارد آورده و آهنگ مبارزه انقلابی کارگران را کند می‌گرداند، ولی کارگران ایران روز به روز اهمیت حیاتی مبارزه‌ای را که به پیش می‌برند، درک می‌کنند و بیش از پیش پیوند تجزیه‌ناپذیر منافعم طبقاتی خود و مصالح عالیه انقلاب را درمی‌یابند. مضمون مبارزات صنفی - سیاسی کارگران به‌ویژه در ۶ ماهه اخیر بیش از هر چیز بیانگر ارتقاء روز افزون سطح آگاهی و تشکلهای مبارزاتی کارگران است. شرکت همه - جانبه کارگران در دفاع از میهن انقلابی نمونه درخشانی از ایثار و پایداری انقلابی است. تشکيل کمیته‌های دفاع از انقلاب در

طبقه کارگر، انقلابی‌ترین و ثابت‌قدم‌ترین رزمنده راه استقلال و آزادی ایران است این حقیقتی است مسلم و خدشه‌ناپذیر. هیچ نیروی انقلابی دیگری همچون طبقه کارگر ایران، نگران حفظ دستاوردهای انقلاب نبوده و تا بدین حد شوق تعمیق آن را در سر ندارد. تجارب انقلاب ایران و به‌ویژه تجربه یک‌ساله اخیر به‌خوبی نشان می‌دهد که حساسیت انقلابی و توجه متعهدانه و مسئولانه کارگران نسبت به سرنوشت انقلاب تا چه اندازه در تحکیم پایداری خلیق و تضمین دستاوردهای انقلاب اثربخش و تعیین‌کننده بوده است. توطئه‌های مکرر امپریالیستی، تحریم و محاصره اقتصادی، تهاجم وحشیانه نظامی، بمباران و تخریب کارخانجات، کشتار کارگران در سنگر تولید و سرانجام اخلاک‌گري‌های خائنانه سرمایه‌داران لیبرال هیچ‌کدام نتوانست در عزم استوار طبقه کارگر ایران خللی وارد آورد و گردونه انقلاب را از حرکت بازدارد در برابر فشار همه‌جانبه تحریم و محاصره اقتصادی، صدمات جنگ تحمیلی، هرج و مرج و اخلاص و بحران اقتصادی، کارگران قهرمان ایران در سنگرهای خود، شوراها، سندیکاها، کمیته‌های دفاع از انقلاب و در صفوف مقدم جبهه قهرمانانه ایستادگی کردند و با وجود آنکه بیشترین فشار جنگ، آوارگی، بیکاری، گرانی و... بردوش کارگران می‌باشد، هیچ‌گاه سنگرهای سرخ انقلاب از این رزمندگان جان برکف تهی نمانده است مبارزات مجدانه در راه ایجاد و تحکیم تشکلهای صنفی - طبقاتی و شورائی و مبارزه برای تثبیت قانونی آنها مبارزات مستمر و بی‌وقفه برای لغو قانون کار آریامهری و تدوین یک قانون کار و تامین اجتماعی انقلابی (آنچنانکه درخور انقلاب ایران باشد) مبارزه برای تدوین یک طرح مترقی ارزشیابی مشاغل و نظام مزد، مبارزات قاطعانه برای تصفیه عناصر ضد انقلابی و مدیران لیبرال، راه‌اندازی کارخانجات آسیب دیده، مبارزات پیگیرانه در

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر  
پشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



### مروری کوتاه بر جنبش دهقانی

## از مصادره زمین‌های بزرگ مالکان تا تعویق بند (ج)

تشکل‌ها را دهقانان زحمتکش بی‌زمین و کم‌زمین تشکیل می‌داد. مبارزه با بزرگ‌مالکی و فئودالیسم و برخوردارشدن از امکانات تولیدی موجود در روستاها محور اساسی این تشکل‌ها بود. زحمتکشان روستاها آنچنانکه در خور انقلاب بود به مصادره زمین‌های بزرگ زمین‌داران و فئودال‌ها پرداختند و خود با همیاری و همکاری خویش در بعضی نقاط به کشت آن اقدام نمودند. توطئه‌های زمینداران بزرگ و فئودال‌ها به حمایت دولت موقت و لیبرال‌های دست‌اندر کار حکومت و ایستادگی آنان در مقابل انقلاب در بسیاری از نقاط کشور مبارزات به حق و متین دهقانان و زحمتکشان را به خون کشانید و عملاً آنان را به ایستادگی در مقابل حکومت و به سرخوردگی از انقلاب واداشت. به وضوح شیوه عملکرد ارگان‌های حکومتی آن زمان و نفوذ لیبرال‌ها در برخی ارگان‌های انقلاب باعث گردید که در مناطق گوناگون، مبارزات روستاییان بر علیه زمینداران بزرگ، فئودال‌ها و حامیان آنها مستقل از ارگان‌های انقلابی و حتی در برخی موارد در تقابل مسلحانه با آنهاست‌گیری کند. در سرتاسر ایران به دلیل ناهماهنگی و یکدست نبودن ارگان‌های مسئول کوشش‌های لیبرال‌ها برای کاهش هرچه بیشتر امواج انقلاب، مبارزات دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین پیروسی از اعتراض، تحصن‌تظاهرات و تهیه طومار، اعزام هیئت به نزد امام و سایر روحانیون مبارز تا مصادره قهرآمیز زمین‌های بزرگ زمینداران و فئودال‌ها و تقابل و درگیری مسلحانه با سپاه و سایر ارگان‌ها راپشت سر گذارده است. به‌علاوه سنت‌های مبارزاتی و آگاهی سیاسی توده‌های دهقانی در برخی مناطق که از مبارزات آنها در گذشته‌تاثیر پذیرفته بود در روند مبارزاتی آنها در این مرحله بی‌تاثیر نبود.

دولت موقت بازرگان علی‌رغم خواست میلیون‌ها کشاورز زحمتکش که اجرای اصلاحات ارضی واقعی را طلب می‌کردند و خود نیز به دلیل تعلل و به فراموشی سپرده شدن این امر حیاتی انقلاب توسط حکومت، مستقلاً در بسیاری مناطق دست به مصادره زمین‌ها زده بودند. ایستادگی نمود و با انواع و اقسام شیوه‌های ضدانقلابی به عوام قریبی و مبارزه با دهقانان پرداخت حتی به این بسنده نکرد و در بسیاری موارد برای جلوگیری از اعمال انقلابی روستاییان زحمتکش و حمایت از زمینداران بزرگ ارگان‌های روییده از دل انقلاب را به مقابله و کشتار توده‌های روستایی واداشت. دولت گام به‌گام برای حفظ وضع موجود در روستاها و جلوگیری از اعتراضات و حرکات انقلابی دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین، که در جهت مصادره زمین‌های بزرگ زمینداران همت گماشته بودند با عجله فراوان در همان ماه‌های نخستین انقلاب لایحه (قانون جلوگیری از هرگونه تجاوز و غصب و تصرف عدوانی...) را تهیه کرده و در تاریخ چهاردهم فروردین ۵۸ از تصویب شورای انقلاب گذراند و بطور آشکار در مقابل زحمتکشان روستاها و خواست‌های اصولی آنان به مقابله ایستاد. "علی محمد ایزدی" وزیر کشاورزی دولت بازرگان، زمیندار بزرگ و دوست رسوای آمریکا پس از ماه‌ها تاخیر به جای تأیید مصادره زمین‌های زمینداران بزرگ توسط دهقانان زحمتکش قانون "نحوه واگذاری و احیاء اراضی موات" را در تاریخ بیست و پنجم شهریور ۵۸ از تصویب شورای انقلاب گذراند این قانون که

شده‌شان با توطئه‌هایی از جانب زمینداران بزرگ و فئودال‌ها و حامیان رنگارنگ آنان از درون و بیرون ارگان‌های حکومتی مواجه است و علی‌رغم حمایت و پشتیبانی برخی ارگان‌های انقلاب از خواست زحمتکشان روستا هنوز ادامه دارد و به دلیل کارشکنی‌ها و نفوذ سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ در انقلاب تلاش زحمتکشان به نتیجه‌ای درخور نرسیده است.

مروری کوتاه بر جنبش دهقانی نشان می‌دهد که تا چه اندازه لیبرال‌ها زمینداران بزرگ، فئودال‌ها و روحانیون مدافع آنان برای سرکوب جنبش دهقانی و توقف بند (ج) به سیاست‌های مفاشات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی متکی بوده‌اند.

به میزان شکل‌گیری مبارزات زحمتکشان شهری زحمتکشان روستایی نیز کم و بیش به حرکت درآمدند صد‌ها هزار نفر از مهاجرین روستایی در شهرها در انقلاب شرکتی فعالانه داشتند و انبوه شهیدان گمنام را تشکیل می‌دادند. کشاورزان زحمتکش روستاهای حومه شهرها در اکثر حرکات اعتراضی و مبارزاتی زحمتکشان شهری شرکت می‌جستند و بالطبع آگاهی کسب می‌کردند. زحمتکشان و دهقانان روستا گرچه به دلیل پراکندگی، دوری و کمی جمعیت روستاها امکان تجمع و تشکل‌گسترده نیافتند و از ایفای نقش درخور، در انقلاب محروم ماندند ولی امواج انقلاب آنان را به حرکات اعتراضی بر علیه زمینداران بزرگ و فئودال‌ها کشانید و نابودی استبداد دارودسته شاه و قطع نفوذ عناصر و عوامل گوناگون رژیم گذشته، فرار برخی از زمینداران وابسته به دربار و امپریالیسم زمینه را برای گسترش مبارزات آنان فراهم نمود، در خلال مبارزات دهقانان زحمتکش از قیام تا به امروز که عمدتاً زمینداری بزرگ و فئودالیسم را هدف قرار داده است شیوه‌های گوناگون مبارزاتی و اعتراضی که تنوع آن از خصوصیات مبارزات دهقانی است و ریشه در ناموزونی ساخت اقتصاد کشاورزی دارد مشاهده می‌گردد. تشکل‌های گوناگون دهقانی، شوراها، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و غیره که بعضاً از دل مبارزات آنها به ضرورت شکل گرفت و عمدتاً توسط نیروهای انقلابی و پیشرو سمت داده شد و سازمان یافت سهم مهمی در تعمیق مبارزات دهقانان داشته‌است. تشکل‌های مورد نظر هرچند به خاطر وضعیت خاص حاکم بر روستاهای ایران یعنی، فشار و ارباب سال‌های طولانی رژیم گذشته و پائین بودن آگاهی توده‌های دهقانی و گستردگی خرده‌مالکی ناشی از فرم رژیم شاه عمدتاً تحت تاثیر اقشار میانی روستاها بود ولی نیروی عمده و توان‌بخش این

مساله زمین هم اکنون به یکی از حادثترین مسائل انقلاب ایران تبدیل گردیده است. با پایان یافتن اصلاحات ارضی رژیم شاه زمین‌های زراعی عمدتاً در دست زمینداران بزرگ متمرکز گردید. آنها از راه‌های "قانونی" و "غیر قانونی" اراضی گسرده‌ی را در اختیار گرفتند. زمینداران جدیدی که از درباریان و نزدیکان آنها و مقامات لشکری و کشوری بودند هزاران هکتار اراضی مزروعی را به مالکیت خویش درآوردند و بر دامنه زمینداری بزرگ افزودند. توده‌های میلیونی دهقانان که سال‌ها زیر یوغ بندگی زمینداران بزرگ و فئودال‌ها قرار داشته‌اند، هم‌اینک به گستردگی سراسر کشور با تشکل چشمگیر و یا حرکاتی بی‌سابقه، بزرگ - زمین‌داری و بقایای فئودالیسم را مورد حمله قرار داده و مصمم‌اند تا بساط آنان را از روستای میهن برچینند، کوشش پیگیر میلیون‌ها زن و مرد زحمتکش روستایی به همراه ارگان‌ها و نیروهای انقلابی جنبه گسترده از مبارزه و انقلاب را در روستاهای کشور در تقابل تشکل ضدانقلابی لیبرال‌ها، زمینداران بزرگ، فئودال‌ها و روحانیون مرتجع طرفدار آنان گشوده است. و تزلزلات مسئولین حکومتی، عقب‌نشینی‌ها و مفاشات غیراصولی و مضر به حال انقلاب برخی از آنان پیشرفت امر اصلاحات ارضی و تحقق یکی از عمده‌ترین اهداف انقلاب را با مشکلات جدی مواجه ساخته است، وضع اسفبار روستاهای کشور و وضع دردناک زحمتکشان کشاورز با توجه به نیروی عظیم و توانمند این بخش از توده‌های میهن‌مان به روشنی نمایانگر این امر است که مهمترین وظیفه و یکی از شروط عمده پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم مادر گروی حل فوری و هرچه سریعتر مسئله گرهی دهقانان یعنی زمین به عنوان نخستین گام تغییر و تحولات اساسی در روستاها و متکی ساختن انقلاب به نیروی عظیم دهقانان و زحمتکشان است.

حاکمیت تاکنون پاسخی قاطع و انقلابی به زحمتکشان روستایی نداده است. و هرگاه طرحی مردمی و موافق انقلاب به تصویب رسیده در موقع اجرا علی‌رغم نیت مسئولین به‌گونه‌ی و یا هو و جنجال و عوام‌فریبی دشمنان انقلاب از پیشرفت و اجرای آن جلوگیری شده است. و گسترش دامنه انقلاب و تکیه آن بر یکی از عمده‌ترین پایگاه‌های اجتماعیش را مانع گردیده‌اند نشیب و فرازهایی را که مبارزات دهقانان زحمتکش از قیام تا به امروز پیموده خودنمونه‌ی گویا از این واقعیات است. کوشش آنان برای احقاق حقوق پایمال

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

استقلال و آزادی میهن سازمان داد. در راس برنامه دولت در زمینه سر و سامان دادنی به جنگزدگان باید هماهنگ ساختن تمام فعالیت‌های ارگان‌های کمک‌رسانی از طریق ایجاد یک تشکیلات واحد سراسری انجام پذیرد تنها با سازماندهی درست است که می‌توان تمامی امکانات را بسیج کرد و از تلف شدن نیروها و امکانات جلوگیری نمود.

همچنین چگونگی اسکان مهاجرین از جمله مسائل پر اهمیتی است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد. چرا که نوع اسکان جنگ زدگان اهمیت ویژه‌ای در تسریع کمک‌رسانی خواهد داشت به همین دلیل باید سعی شود مجتمع‌های ساختمانی، هتل‌ها و مسافرخانه‌های خالی از سکنه در اختیار مهاجرین قرار گیرد و یا اقدام به ایجاد اردوگاه‌های مناسبی شود.

در برنامه باید امور نظافت، بهداشت و خدمات درمانی مراکز تجمع آوارگان مورد توجه قرار گیرد و برای پیشبرد آن از همکاری‌های پرستاران و پزشکان داوطلب مبارز استفاده گردد.

همچنین توجه به امر آموزش مهاجرین جنگ‌زده در تمامی زمینه‌ها و بخصوص در مورد مسائل سیاسی و ارتقاء آگاهی آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

فعال ساختن و تحرک بخشیدن به محیط زندگی آوارگان برای تقویت و پرورش روحی آنان از جمله مسائلی است که باید اهمیت آن را دریافت. برای این کار باید به بهترین وجهی نیروی کار جنگ‌زدگان در جهت رفاه آنان به کار گرفته شود و اداره امور اردوگاه‌ها، بازسازی شهرهای جنگ‌زده، عمران و آبادی روستاها، ساختن جاده‌های روستایی و غیره به آنان واگذار گردد ایجاد کارگاه‌های کوچک تولیدی مانند بافندگی، دوزندگی، نجاری آهنگری و...

می‌تواند کمک موثری در رفع نیازمندی‌های آنان باشد در این صورت است که پشت جبهه از حالت رکود و انفعال خارج شده و به جبهه‌های فعال و سازنده مبدل خواهد شد.

موضوع پراهمیتی را که دولت باید از هم‌اکنون مورد توجه قرار دهد، مشکل آوارگان و مهاجرین مناطق جنگ‌زده پس از پایان جنگ بعینه در صفحه ۲۵

دوخته‌اند. آینده‌ای که پس از برقراری صلح و بازگشت میلیونها مهاجر به خانه و کاشانه خود، بتوانند در مناطق وسیعی خرابکاری‌های خود را آغاز کنند. بنابراین در سال جدید دولت باید یکی از وظایف مبرم خود را به آوارگان جنگی اختصاص دهد. به همین خاطر لازم است با برنامه‌ریزی عاجل،

جنگ‌زده و حتی کودک آواره را به کشتن داد، از آن جمله‌اند.

در حال حاضر نیز با فرارسیدن فصل بهار و گرمای طاقت‌فرسای نقاط گرمسیر و شروع باران‌های موسمی خطرات ناشی از شیوع انواع بیماری‌ها وجود خواهد داشت و این بر جمع تمامی گرفتاری‌های گذشته افزوده

امکانات درمانی، کمبود وسایل لازم برای مقابله با عوارض طبیعی مثل سرما، باد و باران، زندگی آسین زحمتکشان را در معرض انواع بیماری‌های عفونی و مسری قرار داده است. بطوری که تا به حال تعدادی از کودکان پیرزنان و پیرمردان، بیماران و زنان باردار جنگ‌زده جان خود را از دست داده‌اند.

در میان مردم میهن ما، این یک سنت قدیمی است که هنگام تحویل سال نو، تمامی اعضای هر خانواده در خانه خود به سر می‌برند و این گردهمایی شادی‌آفرین آغاز سال را به فال نیکی می‌گیرند. ولی اکنون در شرایطی بهار فرا می‌رسد که صدها هزار خانواده زحمتکش ساکن جنوب و غرب کشور در نتیجه جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار صدام، آواره‌اند و بدوم ما و با قلبی آکنده از اندوه، آستانه سال نورا در غربت و بیرون از خانه‌های خود می‌گذرانند. میلیونها مهاجر جنگ‌زده فرا رسیدن بهاری را استقبال می‌کنند که در آن بسیاری از شهرها و روستاها ویران شده، بسیاری از واحدهای صنعتی و کشاورزی ویران گشته و چه بسیار کشتزارها و مزارعی که همراه با خاطره بهاران پر بار و پر طراوت سالیان پیش، در زیر بمباران‌های وحشیانه دشمن به تلی از خاک سیاه بدل گشته است. اکنون نواحی وسیع جنگ‌زده، نماز سرخی گل‌های بهاری بلکه با خون سرخ جان‌های آزاد زحمتکشان و رزمندگان قهرمان رنگین گشته‌است.

اکنون صدها هزار آواره بی سرپناه پای به سال جدید می‌گذارند بدون آنکه شاهد هیچ‌گونه تحولی در زندگی مشقت‌بار خود باشند. شرایط زیست آنها از هر لحاظ ناآسود انگیز است و با وجود کوشش‌های نهادهای انقلابی و کمک‌های بی‌دریغ مردم به خاطر ناهماهنگی ارگان‌ها و بی‌برنامگی دولت، اکثر از ابتدائی‌ترین مایحتاج زندگی بچی‌بهره‌اند. بی‌خانمانی و محرومیت از حداقل مسکن، مهم‌ترین مشکل جنگ‌زدگان است. در اردوگاه‌ها، ساختمان‌ها و اماکن دولتی که در اختیار آوارگان قرار گرفته است، تراکم جمعیت به حدی است که گاهی تا چندین خانوار در زیر یک چادر و یا درون یک اتاق به سر می‌برند.

غالب این زحمتکشان که ممر درآمدی نداشته و قادر به تأمین مایحتاج خویش نیستند، برای تهیه آذوقه با مشکلات توانفرسائی روبرو هستند. جیره غذایی هم که میان آنها توزیع می‌شود، به حدی نیست که بتواند پاسخگوی نیازمندی‌های آنان باشد.

علاوه بر آن محیط غیر بهداشتی، عدم تکافوی



با بسیج کلیه امکانات موجود و یاری گرفتن از تمامی نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست کم‌کاری‌ها و بی‌برنامگی‌های گذشته را جبران کرده و در کمک به جنگ‌زدگان و رفاه ناسامی‌های آنان کوشید. تنها در این صورت است که می‌توان انرژی انقلابی صدها هزار هم‌میهن جنگ‌زده را بیش از پیش در دفاع از

خواهد شد. تاکنون نیروهای ضد انقلابی، لیبرالها و سه‌جهانی‌ها با بهره‌گیری از نارسائی‌ها و مشکلات فوق کوشش‌های فراوانی در بدبین ساختن مهاجرین جنگ‌زده نسبت به انقلاب و پیشبرد اهداف پلید خود به کار برده‌اند. آنان با تبلیغات مسموم خود در میان جنگ‌زدگان حتی به آینده چشم

همچنین باید برخوردهای غیرمسئولانه و تنگ‌نظرانه برخی مسئولین محلی را که تاکنون منجر به درگیری و برخورد عناصر ناآگاه با آوارگان و قتل چندین نفر شده است به سایر مشکلات آوارگان افزود. حوادث شيراز که به دنبال تحریکات برخی روحانیون قشری به وقوع پیوست و حوادث تاتر-برانگیز جیرفت که چندین



# پیشرو و سنت‌های اجتماعی

## نقش سنت در زندگی و مبارزه توده‌ها

★ در بطن امور چیزها زندگی کنید . خلق و خوی مردم را بشناسید . همه چیز را بشناسید . یاد بگیرید که توده‌ها را بفهمند ، برخورد صحیح را گسترش دهید . اعتماد مطلق آنان را به دست آورید .  
لنین

طی قرون به شمار خواهند رفت که در شناخت دقیق پیدایش و انحطاط سبک‌ها و مکاتب ادبی تکامل تدریجی نظم و نشر، نقش ادبیات کشورهای مختلف و بطور کلی تمامی مسیر تکامل ادبیات از ولتر گرفته تا آنتوان فرانس از ریچاردسن گرفته تا ولز، از گوته گرفته تا هایمن و غیره خواننده یاری می‌راند. (۶) او معتقد بود که شناخت و مطالعه این میراث غنی جهانی در پی‌ریزی روح انترناسیونالیسم در دنیای نوین موثر خواهد افتاد.

پهنه دیگری از هنر که در آن وحدت دیالکتیکی "نو و کهنه" و بهره‌گیری از میراث غنی گذشته به خوبی تجلی یافته است، فولکلور و هنر ملی است. عظمت سترگ و راز هنر ملی و مردمی در این نهفته است که در این گونه هنر پیوند عینی و ضروری میان کهنه و نو حفظ گشته است و در آن سنت‌ها منطبق با نیازهای موجود جامعه و در خدمت طبقه بالنده به کار گرفته شده است. چنین هنری که به گونه‌های مختلف: اشعار رزمی، سرودهای حماسی، قصه‌های طنزآمیز و آهنگ‌های شورانگیز و... تجلی می‌یابد. عمیقاً در تار و پود زندگی مردم گره می‌خورد. شاهنامه فردوسی، ایللیاد و ادیسه کوراوگلی، آرش کمانگیر و... نمونه‌های جاودانه این گونه هنر مردمی هستند.

فردوسی با توانائی کامل و با بهره‌جویی از داستان‌های کهن و سنت گذشته، آنچنان اثری حماسی می‌آفریند که در طول نسل‌ها پیوسته در خدمت برانگیختن شور انقلابی توده‌ها علیه ظلم و ستم ضحاکان قرار می‌گیرد. سنن حماسی مردم در شاهنامه به نیروی امید بخشی برای توده‌ها در مبارزه با خصم طبقاتی و دشمنان ملی تبدیل می‌گردد. فردوسی ضمن استفاده دقیق از تمامی میراث حماسی و اسطوره‌های ملی با تیزبینی تمام بر مجازی بودن آنها تاکید کرده و خواننده را از غرق شدن در محتوای کهنه و افسانه‌های این سنن باز می‌دارد. با تاکید بر این جنبه است که هشدار می‌دهد:

تو مر دیورا مردم بد شناس  
کسی کو ندارد ز یزدان سپاس  
هر آن کو گذشت از ره مردمی  
ز دیوان شمار، مشمرش آدمی  
خرد کو بدین گفته‌ها نگرود  
مگر نیک معنیش می‌نشود

و دیالکتیک برخورد فردوسی با "سنت و نوآوری" نیز در همین نهفته است.

آثار واقع‌گرای معاصر نمونه‌های فراوانی از بازآفرینی اسطوره‌ها را به گونه‌ای که در خدمت تغییر انقلابی هستی اجتماعی درآید، نشان می‌دهد. آثار با ارزش رفیق صمد بهرنگی نمونه‌های درخشانی از این بازآفرینی هنری است راز پابرجائی، حفظ و تداوم و بازآفرینی این اسطوره‌ها را باید در این واقعیت جست که محتوای این اسطوره‌ها بیان مبارزه‌های پیگیر و دائمی با نیروهای سرکش طبیعت و به‌ویژه بیان مبارزه دائمی طبقات مرفقی و بالنده اجتماعی علیه استثمارگران و طبقات حاکمه بوده است.

بغیه در صفحه ۱۰

به نفی نیهیلیستی آن منجر می‌گردد. چنین برخوردی در عرصه ادبیات و هنر از یک سو به تکرار مضامین اشکال کهنه هنر و الگوسازی‌های مبتذل پرداخته و از هرگونه نوآوری و خلاقیت باز می‌ماند و از سوی دیگر به ذهن‌گرائی، نیهیلیسم و نفی مطلق تجارب می‌انجامد. در این‌جا دیگر سخنی از پیوند نوآوری و بدعت با قوانین اساسی تکامل اجتماعی و با جنبه‌های مثبت و مرفقی سنت‌های گذشته وجود ندارد. در عرصه زندگی اجتماعی و تعلیم و تربیت، این شیوه برخورد شکل بارزتری به خود می‌گیرد. در اینجا نیز از یک سو با پذیرش شیوه‌های سنتی زندگی و آداب و رسوم قدیمی و کلیشه‌ای مواجه هستیم و از سوی دیگر با نفی مطلق همه ارزش‌ها و سنن گذشته به همان‌گونه که سنت‌گرائی انسان را در چهارچوب تنگ ارزش‌های قدیمی نگاه داشته و مانع شکوفائی استعدادها و بروز خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها می‌گردد، سنت‌ستیزی نیهیلیستی و آنارشستی نیز که معمولاً تحت پوشش نوجویی و نوگرائی عمل می‌کند انسان را از مجموعه دستاوردهای مثبت و ارزشمند نوع بشر به یکباره رها می‌سازد.

ماتریالیسم دیالکتیک به همان‌گونه که اشاره رفت "نه تنها بر پیش‌فرض از بین بردن کهنه که بر نگهداری و تکامل هرچه بیشتر آنچه را که مرفقی منطقی بوده... قرار دارد." در عرصه‌های متنوع و مختلف حیات اجتماعی بینش علمی قائل به وحدت دیالکتیکی میان "کهنه و نو" و "سنت و نوآوری" است.

### هنر و ادبیات و مسئله سنت

در عرصه هنر و ادبیات، شیوه نگرش علمی به مسئله سنت و نوآوری به خوبی در این گفته "میخائیل باختین" تبلور یافته است که:

"هنر در زمان حال می‌زید ولی همواره از گذشته و منشاء خود آگاه است." (۳)  
لنین پیوسته بر پرمایگی و تنوع سنت‌های هنری تکیه داشت و آن را برای تربیت و شکوفائی نسل نو ضروری می‌دانست. او می‌گفت:

"ما به غزل‌سرائی به چخوف و به حقیقت عامیانه هم نیازمندیم." (۴)  
توجه عمیق لنین به سنت‌های ادبی گذشته به عنوان میراث گرانبهائی که پرولتاریای روس آن را پذیرفته است در این گفته او که در باره "لئو تولستوی" نگاشته است، به خوبی منعکس است:

"تولستوی مرده است. در روسیه قبل از انقلاب که نقطه ضعف و ناتوانی‌اش در فلسفه و در آثار هنرمند بزرگ متجلی شد موضوعی متعلق به گذشته است. اما میراثی که از خود به جای گذاشته شامل چیزی است که به گذشته تعلق ندارد بلکه از آن آینده است. این میراث را پرولتاریای روس پذیرفته است." (۵)  
"گورکی" نیز به عنوان پایه‌گذار "واقع‌گرائی سوسیالیستی" به نقش میراث غنی هنری و مسیر تکامل ادبیات توجه فراوانی می‌کرد. او در این مورد می‌نویسد:

"تمام کتاب‌ها بر روی هم گزیده ادبی جامعی

مسئله سنت‌ها و شیوه برخورد با آن قدمتی طولانی دارد. در تمامی عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی، در عرصه هنر و ادبیات، کار و زندگی، تعلیم و تربیت و نیز در عرصه مبارزه طبقاتی و اجتماعی مسئله سنت و نوآوری بمثابه مسئله پیچیده و اساسی همواره فراروی نیروهای پیشرو جامعه بوده و بخش مهمی از توجه و تفکر آنان را به خود مشغول داشته است. سنت و نوآوری را باید بخشی از یک مقوله وسیع‌تر یعنی مقوله "کهنه و نو" دانست. در برخورد با این مقوله پیچیده، در عرصه‌های مختلف هستی، انسان پیوسته با انبوهی از سئوالات روبرو بوده است. چه رابطه‌ای میان کهنه و نو وجود دارد؟ کدام یک را باید بیشتر مورد توجه قرار داد؟ چه عناصری از کهنه را باید حفظ و چه بخشی از آن را می‌بایست به دور ریخت؟ قوانین حاکم بر تحول و رشد این دو چیست؟ و... بر همین اساس است که شیوه‌های مختلف برخورد با "کهنه و نو" و "سنت و نوآوری" شکل می‌گیرد. پندارگرائی "کهنه و نو" را بمثابه دو مقوله و جزء جداگانه در نظر گرفته و در نهایت به مطلق کردن یکی از این دو جزء می‌پردازد. برخلاف آن ماتریالیسم دیالکتیک که طبیعت، جامعه و اندیشه را در یک پویای تکاملی می‌بیند، قائل به پیوندی عینی و ضروری میان "کهنه و نو" می‌باشد. مقوله‌های فلسفی "کهنه و نو" و "پیوستگی متوالی" در ماتریالیسم دیالکتیک که بر بنیان درک علمی و قانونمند از تکوین اشکال حرکت ماده استوارند، به بیان چگونگی این پیوند عینی و ضروری می‌پردازند. مقوله فلسفی "نو و کهنه" نشان می‌دهد که:

"نو از درون کهنه به وجود می‌آید و در آن به صورت جنینی وجود دارد، هر چیز با ارزش و مثبتی از کهنه در نو باقی می‌ماند." (۱)  
در مقوله "همبستگی متوالی" این پیوند دیالکتیکی چنین بیان می‌گردد:

"هر شکل عالی‌تر از حرکت که به دنبال اشکال پست‌تر می‌آید، آنها را منسوخ نمی‌نماید بلکه در خود جای داده و تحت تابعیت خود می‌آورد. درک دیالکتیکی نفی، نه تنها بر پیش‌فرض از بین بردن کهنه که بر نگهداری و تکامل هرچه بیشتر آنچه را که مرفقی و منطقی بوده و در مراحل قبلی به دست آمده است و بدون آن حرکت به جلو چه در هستی و چه در شناخت غیرممکن خواهد بود، قرار دارد." (۲)

در جامعه انسانی که در واقع پیچیده‌ترین شکل حرکت ماده است، پیوند عینی و ضروری میان کهنه و نو از پیچیدگی ویژه‌ای برخوردار است. مقوله سنت و نوآوری که در جامعه‌شناسی به بیان این ارتباط پیچیده و متحول می‌پردازد بر این اساس قرار دارد که برای انسان و جامعه انسانی علاوه بر وراثت بیولوژیک باید از وراثتی دیگر یعنی وراثت تجربی نیز نام برد. این نوع وراثت که وجه ممیزه انسان از حیوان است، مجموعه‌ای از شمره کار و اندیشه را از نسل‌های پیشین به نسل‌های جدید منتقل می‌کند.

برخورد غیرعلمی و ایده‌آلیستی با سنت و دستاوردهای گذشته یا به پذیرش مطلق سنت یا

بقیه از صفحه ۹

## پیشرو و ...

مکتب "واقع‌گرائی سوسیالیستی" که بیانگر رئالیسم در عصر گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است خود در مجموع متکی بر یک میراث بسیار غنی و پربار است. میراثی که بدون توجه بدان "واقع‌گرائی سوسیالیستی" نمی‌توانست نقش سترگ و دوران‌ساز کنونیش را ایفاء نماید. "واقع‌گرائی سوسیالیستی" از میراث غنی و پربار ادبی و هنری گذشته من جمله از میراث عظیم "واقع‌گرائی انتقادی" به نحو احسن سود جسته است.

برخورد با سنت در عرصه کار و زندگی

مسئله "نووکهنه" و "سنت و نوآوری" و شیوه برخورد با آنها تنها در عرصه ادبیات و هنر مسئله‌ای مبرم نیست. در عرصه کار و زندگی نیز مسئله سنت و نوآوری از اهمیت اساسی برخوردار است. در برخورد با آداب و رسوم اجتماعی، شیوه‌های تعلیم و تربیت، کار تولیدی، زندگی خانوادگی و ازدواج، عادات و خلق و خوی مردم و حتی تفریح و لباس پوشیدن مسئله سنت و نوآوری به قدرت عمل میکند. به همین دلیل در جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی بررسی نوآوری و سنت و تاثیر آن بر روابط اجتماعی مکان ویژه‌ای دارد.

پورشنف با اشاره به این گفته لنین که "نیروی عادت در میلیون‌ها و دهها میلیون تن پرتوان‌ترین نیروهاست"

می‌نویسد:  
"غلبه بر نیروی عادت نه تنها قبل، بلکه بعد از انقلاب نیز مشکل است. مبارزه علیه عادت‌هایی که طی قرون شکل گرفته‌اند، بخصوص آنها که عمیقاً در هر خردمه‌مالک ریشه دوانده است حتی پس از سرنگونی کامل طبقات استثمارگر، سالها کار پیگیر سازمانی را به خوداختصاص می‌دهد. بنابراین مشکل بتوان تصور نمود که این عادت‌ها در دوره تاریک قبل از انقلاب چه بار سنگینی را اعمال می‌کرده‌است." (۷)

لنین به عنوان یک روانشناس اجتماعی و جامعه‌شناس برجسته با دقت و ظرافت خاصی روانشناسی طبقات و لایه‌های مختلف جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد. او کرارا به این پدیده‌های جامعه‌شناسانه یعنی آداب و رسوم و عادت‌ها و آن تضادهای درون افراد و طبقات را که "انعکاس شرایط فوق‌العاده پیچیده و متضاد تاثیرات اجتماعی و سنت تاریخی" است اشاره می‌کند و با تاکید بر ساخت روانی و روانشناسی طبقات زحمتکش که به واسطه سالها ستم و استثمار انباشته از "کوهی از نفرت و خشم و اراده حاصل از سرخوردگی" هستند ظرافت، حساسیت و اهمیت برخورد با این پدیده‌های اجتماعی را خاطر نشان می‌سازد. لنین در برخورد با تولستوی و نقد روانشناسانه دیدگاه‌های او می‌نویسد "تضادهای موجود در نظریات تولستوی صرفاً

تضاد درونی عقاید شخصی او نیست بلکه انعکاس شرایط فوق‌العاده پیچیده و متضاد تاثیرات اجتماعی و سنن تاریخی است که روانشناسی طبقات و بخش‌های مختلف جامعه روسیه پس از رفرم، ولی قبل از انقلاب را معین می‌کند... تولستوی مرد بزرگی است. زیرا احساسات میلیون‌ها دهقان روس را در آستانه انقلاب بورژوازی ۱۹۰۵ بیان می‌کند قرن‌های سرواژ و ویرانی ناشی از سالیان پس از رفرم "کوهی از نفرت و خشم و اراده حاصل از سرخوردگی را برهم انباشت." (۸)  
پلخانف در اثر خود تحت عنوان "مقالاتی درباره تاریخ ماتریالیسم" جامعه را به پنج عنصر وابسته به هم تقسیم می‌کند و یکی از این پنج عنصر را خلق و خو و سنت‌هایی می‌داند که بر شکل جامعه منطبق است. او تاکید می‌کند که:  
"حلقه مربوط به خلق و خو و سنت‌ها که می‌توان آن را در مفهوم وسیع کلمه بمثابه

### ★ به همان گونه که سنت‌گرائی انسان را در چهارچوبه تنگ ارزش‌های قدیمی نگاه میدارد، سنت‌ستیزی آنارشیستی نیز انسان را از مجموعه دستاوردهای ارزشمند به یکباره رها می‌سازد.

روانشناسی اجتماعی تعریف نمود برای هر تحقیق علمی در مورد تاریخ، ادبیات، هنر، فلسفه و غیره ضروری و اساسی است." (۹)  
شناخت و نقش و مکانیسم تاثیر سنت، پیشرو را در برقراری پیوندی عمیق با توده‌ها توانا می‌سازد. اگر بخواهیم پیشرو واقعی توده‌ها باشیم می‌بایست به خوبی به روانشناسی این طبقات و من جمله نقش سنت‌ها بر زندگی آنان واقف باشیم.

تنها در سایه شناخت این سنت‌ها و نقش تاثیرات آن است که می‌توانیم "برخورد صحیح با آنها را گسترش دهیم." اگر بپذیریم که انبوه کهنسال این سنن بر زندگی اجتماعی توده‌ها سنگینی می‌کند و اگر بپذیریم که با شناخت دقیق این سنن می‌توان از آنها اهرمی برای برانگیختن توده‌ها و برقراری پیوند و "کسب اعتماد مطلق" آنان به وجود آورد، آنگاه در می‌یابیم که نادیده گرفته یا کم‌توجهی به این سنت‌ها تا چه میزانی می‌تواند زیان‌بخش باشد. تا چه حدی می‌تواند به دور شدن بیشتر از توده‌ها و از دست دادن اعتماد آنان منجر گردد. هستند رفقای که کمال "پیشرو" بودن و "روشنفکر" بودن را نفی کامل سنن می‌دانند. آنها با پوزخند به سنن مردمی می‌نگرند و گاه خود را و رفقای خود را ملزم به رعایت و یا شرکت در هیچ مراسم اجتماعی نمی‌دانند. این مسئله زمانی ابعاد مهم و حتی "خطرناک" به خود می‌گیرد که به این واقعیت نیز توجه داشته باشیم که هم به واسطه عقب‌ماندگی فرهنگی و هم تحت تاثیر سالها تبلیغات آنتی‌کمونیستی بخشی از توده‌ها طرز تلقی منفی نسبت به کمونیست‌ها

و روابط اجتماعی آنها به ویژه آن بخش از روابطی که به مسئله زن و مرد، زناشویی، عقد و ازدواج مربوط می‌شود، دارند. به هیچ‌وجه نمی‌بایست ابعاد و تاثیرات این مسئله را نادیده گرفت و با ندانم کاری و بی‌توجهی این ذهنیت منفی را تقویت نمود. البته در مقابل این نوع برخورد و دقیقاً در مقابل آن ما به شیوه‌ای دیگر از برخورد نیز مواجه هستیم که آن هم بنوبه خود زیان‌بخش و منفی است. این شیوه برخورد که از "توده‌گرائی مبتذل و کارگرزدگی" منشأ می‌گیرد و شیوع مائوئیسم در میهنمان نیز بدان دامن زده است، در پذیرش مطلق و غرق شدن در سنن و آداب و رسوم اجتماعی بدون توجه به تفکیک عناصر و جنبه‌های مثبت و منفی این سنن و رسوم تجلی می‌یابد. چنین رفقای به جای ارتقاء توده‌ها، به جای حذف و دور ریختن جنبه‌های منفی و تقویت عناصر مثبت این سنن زیر شعار "با توده‌ها و مثل توده‌ها" عملاً به تثبیت حرکات و عادات منفی و تقویت توهم توده‌ها می‌پردازند. این دو شیوه برخورد که یکی فرسنگ‌ها جلوتر از توده‌ها و دیگری لنگ‌لنگان به دنبال توده‌هاست، به یک اندازه زیان‌بخش و مخرب است. ما نمی‌بایستی حتی یک لحظه فراموش کنیم که کمونیست‌ها هیچگاه از زاویه نفی یا پذیرش مطلق با این سنت‌های اجتماعی برخورد نمی‌کنند. گرچه آنها همواره در پی نوجویی و نوآوری هستند ولی هیچگاه به بهانه کهنه و قدیمی بودن، یک سنت اجتماعی را کاملاً رد نمی‌کنند. کمونیست‌ها در برخورد با سنت‌های توده‌ای و اجتماعی بر اساس همان قانونمندی کلی حاکم بر "کهنه و نو" حرکت می‌کنند. یعنی "نگهداری و تکامل هرآنچه را که مفرقی و منطقی است" و هیچگاه از یاد نخواهند برد که سنن و آداب و رسوم اجتماعی که وسیعاً در میان توده‌ها ریشه دارند علاوه بر آنکه یک عامل پیوند میان پیشرو و توده‌هاست، همچنین می‌توانند در شرایط کنونی به گونه‌ای باز - آفرینی یا به کار گرفته شوند که مشخصاً به عاملی مثبت برای دست یازیدن به اهداف انقلابی تبدیل گردند. نیروهای پیشرو گرچه ملزم به رعایت طابق النعل به النعل مراسم سنتی نیستند ولی هیچگاه به بهانه‌های واهی و نادرست فی‌المثل اینکه "نوروز" مورد توجه شاهان بوده و یا "یلدا" ریشه‌های مذهبی یا اشرافی دارد، از بعد توده‌ای این مراسم ملی نکاسته و جنبه‌های مثبت آن را نادیده نمی‌گیرند.

زندانیان سیاسی دوران دیکتاتوری شاه در حالی که در بدترین شرایط ممکن وزیر فشار مداوم و شکنجه مستمر بودند با شوق و شور فراوان، بسیاری از مراسم ملی و توده‌ای را برگزار می‌کردند. آنها با شرکت در این مراسم به ویژه "نوروز" و "یلدا" و برگزاری هرچه بهتر این سنت‌های ملی علاوه بر تقویت روحیه و شور انقلابی زندانیان و همراهی با توده‌های زحمتکش میهنشان، همچنین از این طریق و با خواندن آوازهای دسته‌جمعی و پایکوبی و شادی به یک نوع اعتراض علیه دژخیمان رژیم شاه دست می‌زدند. دژخیمانی که هیچگاه نمی‌خواستند شاهد روحیه شاداب و ستیزنده زندانیان باشند و به همین دلیل با تمام قدرت و به حیل‌های گوناگون سعی در به هم زدن این مراسم داشتند. زندانیان با الهام از توده‌های مردمشان که سال‌نورا با خانه

بقیه در صفحه ۱۷

## پیروزی مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

# با انقلاب یاعلیه انقلاب

## شرافت ملی! صدام

● وزیر دفاع عراق در مصاحبه‌ای گفته است که شوروی از آغاز جنگ میان ایران و عراق صدور اسلحه به عراق را متوقف کرده و بغداد اگر مجبور شود مستقیماً از آمریکا تقاضای اسلحه خواهد کرد او اضافه کرده است که وقتی پای شرافت ملی! در میان است هیچ چیز غیرممکن نخواهد بود. حتی به دست آوردن اسلحه از آمریکا. بدین ترتیب رژیم جنایتکار صدام در راستای نفی تمامی دستاوردهای ضدامپریالیستی و ملی عراق و در راه مقابله با انقلاب ایران به "شرافتی" دیگر کردند دست می‌یابد. شرافتی که انگ همکاری و دستیاری با آمریکا بر آن خورده و انحطاط و دریوزگی از امپریالیسم عاقبت آن است. نکته تاسف‌بار این است که حتی زمانی که "عدنان خیرالله" وزیر دفاع عراق به قطع صدور اسلحه از شوروی به این کشور اذعان می‌کند هنوز برخی از جریان‌های سیاسی و همچنین صدا و سیما جمهوری اسلامی از قول منابع خبری امپریالیستی اخبار جعلی و ساختگی در مورد ارسال اسلحه از شوروی به عراق منتشر می‌کنند و بدین ترتیب به دام توطئه‌های خبری آمریکا و دستیارانش می‌افتند. نام این عمل را چیزی جز جهالت و عقب‌افتادگی نمی‌توان نهاد.

## پاکسازی شهدا!

● آقای رفسنجانی هفته گذشته به لریستان مسافرت کردند. مسافرت رئیس مجلس شورای اسلامی دردی که از دردهای بیشتر مردم زحمتکش لریستان دوا نکرد هیچ بیشتری هم شد بر زخم‌های کهنه آنان. آقای رفسنجانی بی‌اعتنا به انبوه مشکلات کمرشکن مردم و بی‌توجه به فریاد خشم روستائیان جان به لب آمده در حالیکه نه گوشش بدهکار اعتراض صدها معلم "پاکسازی" شده توسط آقای مشکینی رئیس آموزش و پرورش لریستان بود و نه فریاد دردآلود مادران شهیدانی را می‌شنید که قربانی قداره‌بندان معروف و باندهای سیاه‌شده بودند، یگراست به سراغ یکی از بیمارستان‌های شهر خرم‌آباد رفت. لابد می‌پرسید چرا؟ پاسخ بسیار ساده است. ایشان نام بیمارستان دکتر هوشنگ اعظمی را عوض کردند. آقای رفسنجانی یکبار دیگر انحصار طلبی و تنگ‌نظری خود را عیان به نمایش گذاشت. ایشان در کمال خونسردی! آن کاری را کرد که فریاد خشم هزاران نفر از مردمان شهید پرور لریستان را باعث گردید. اگر آقای مشکینی زندگان را پاکسازی می‌کند، آقای رفسنجانی به فکر "پاکسازی" شهدا افتاده‌اند. ولی اگر آقای مشکینی توانستند معلمین فداکار را از قلب زحمتکشان پاکسازی کنند. یقیناً آقای رفسنجانی هم توفیق "پاکسازی" نام شهیدی پرافتخار را که در قلب زحمتکشان لریستان زنده است، خواهد یافت.

تاریخ این جمهوری ثبت خواهد شد. "بدین منوال باید منتظر بود تا "قهرمانی" های بزرگتری از این اقلیت در رابطه با لویحی چون "ملی کردن تجارت خارجی" مشاهده کرد.

## ساواکی‌ها را پاکسازی کنید!

● در آخرین هفته سال ۵۹ به همت افشاگری قابل تقدیر وزیر کار آقای میرمحمد صادقی مردم مطلع شدند که فردی ساواکی به نام محمود نیک‌بزشک به عنوان مأمور بررسی و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارخانه لیلاند موتورز مشغول به کار بوده‌است. این واقعه نشان می‌دهد که هنوز دست کسانی که سالها علیه مردم ستم‌دیده ایران به توطئه و جنایت مشغول بوده‌اند، کسانی که کوششی جز بازگرداندن نظم ساواک‌زده گذشته ندارند، از سر مردم ما قطع نشده و کماکان به جنایات خود ادامه می‌دهند. این واقعه نشان می‌دهد که مقامات مسئول به جای آنکه به فکر تصفیه‌های ایدئولوژیک و سیاسی باشند، باید با ساواکی‌ها و عمال خیانت‌پیشه رژیم سلطنتی تصفیه حساب کنند و به جای آنکه به فکر پاکسازی "غیرمکتبی" ها باشند، باید زالوهائی را که سالها به دسیسه علیه مردم مشغول بوده‌اند پاکسازی کنند. این واقعه همچنین نشان می‌دهد که اقدامات رژیم اسلامی در مورد تصفیه عمال رژیم گذشته ناکافی و نیمه - کاره است و برای تکمیل آن هنوز کارهای زیادی وجود دارد!

## رادیو "دمکرات" یکی از

## چند رادیوی "جبهه متحد انقلاب"!

● ماه گذشته "رادیو صدای کردستان" در ادامه گسترش برنامه‌های خود و اضافه کردن نیم ساعت برنامه به زبان ترکی و با گرم‌تر شدن روابط حزب با جریان‌های سیاسی ایران و جهان و انسجام بیشتر "جبهه متحد انقلاب" به پخش مطالبی از جریان‌ها "غیر کرد" پرداخته است. این مطالب از این قرار است: پیامی از اقلیت به مناسبت ۲۲ بهمن تحت عنوان پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، شاخه کردستان! - به مناسبت سالگرد قیام و متن سرمقاله "مجاهد" شماره ۱۵۹ تحت عنوان "دو سال از انقلاب..." و بخشی از یک اعلامیه "ارتش ملی ایران"!

در مورد پخش اعلامیه اخیر گوینده اظهار داشته: "ما بدون آنکه بدانیم که این جریان وابسته به چه گروهی می‌باشد و بدون اینکه تمام محتوای پیام را تأیید کنیم صرفاً از آنجا که قسمت‌هایی از پیام به دیدگاه‌های ما در مورد حاکمیت نزدیک است، اقدام به پخش آن می‌کنیم."

دینگ دانگ

دمدم

راهی به زندگی است

از مطلع وجود

تا مطرح عدم

گر زانکه همچو آتش خندد موافقی

ور زانکه گور سرد نماید معاندی

از نطفه بیا شده ره بازمی شود

نیما

● بهاری دیگر سر رسیده است. قافله‌ای به درازای همیشه، گذشته است و پویه این کاروان ادامه داشته و خواهد داشت. بهارها و تابستان‌ها، پاییزها و زمستان‌ها می‌آیند و می‌روند و دوباره بهار می‌آید. گل می‌شکوفد، می‌خندد، می‌پژمرد و می‌میرد و همانگاه در قلب خاک، زندگی در میان پوسته دانه خمیازه می‌کشد. همه چیز تغییر می‌کند و دگرگون می‌شود. جز خود حرکت که شیوه هستی ماده است و جاودانی است. امروز ما در راستای راهی که آمده‌ایم، ایستاده‌ایم و به آینده می‌نگریم در پشت سر خاطرات سرخ و دردناک گذشته در هاله‌ای از مه و دود محو می‌شود و در روبرو چشمانداز زنده و جوشان آینده، گز می‌کشد. کاروان میلیونی بشریت پیشرو، برای دستیابی به سوسیالیسم و نابودی همه آلام و ادبار جامعه طبقاتی به پیش می‌رود و ما به عنوان بخش کوچکی از این مارش تاریخی با دینگ دانگ ناقوس تحول به پیش می‌رویم. گذشته را پشت سر می‌نهیم و می‌دانیم که "دمدم راهی به زندگی است" و آگاهی که تا آن زمان که هماهنگ با پویه تحول و تکامل ره می‌پوئیم، بهارهای بسیار در پیش رو داریم. این بهار و چه بسیار بهاران بر همه ستمکشان سرمایه‌داری، بر سازندگان سوسیالیسم، بر فرزندان فداکار خجسته باد!

## آبستراکسیون لیبرالها

● هر روز که می‌گذرد لیبرالها شگرد تازه‌ای از جعبه مارگری خود علیه انقلاب بیرون می‌آورند. پارلمان‌تاریسم و چم و خم‌هایی نظیر آبستراکسیون (ترک مجلس برای از اکثریت انداختن آن) از جمله این شگردهاست که حافظه تاریخی لیبرالها مشحون از آن است. گروه ۱۳ نفره لیبرالها که چند نماینده دیگر هم در میان‌شان بر خورده بود روز سه‌شنبه ۱۹ اسفند ماه با ترک مجلس، جلسه را از اکثریت انداخته و اعتراض خود را به لایحه اختیار نخست‌وزیر برای سرپرستی وزارتخانه‌های بی‌وزیر اعلام داشتند. این حرکت که منطبق بر مصالح سازشکارانه و عوام‌فریبانه لیبرالها بود، گرچه روز بعد خنثی شد اما انعکاس مورد نظر لیبرالها را در جامعه پیدا کرد. لیبرالها کوشیدند با این حرکت، خود را قهرمانان راه آزادی و مبارزه با انحصار طلبی جا بزنند و وجهه از دست‌رفته را لااقل ترمیم کنند. آنها کار را به جایی رساندند که در روزنامه میزان نوشتند: "نام نمایندگانی که دیروز مجلس را به علامت اعتراض ترک کردند... به عنوان قهرمانانی در

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

# مروری کوتاه بر رویدادهای یکساله انقلاب

● سالی که گذشت سال اوجگیری مبارزه طبقاتی و دگرگونیهای عظیم در روند حرکتهای سیاسی و اجتماعی، سال تعمیق انقلاب و رشد نیروهای راستین خلق، طبقه کارگر و زحمتکشان میهنمان بود. سال گذشته "سال مرگ برامپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا" سال افشاء و طرد لیبرالها بود. سال گذشته در عین حال سال سختیها و جنگ، سال شهادت بهترین فرزندان خلق در جبهه‌های جنگ با مزدوران عراقی، سال بی‌خانمانی و آوارگی ۲ میلیون نفر از هم میهنانمان سال ادامه جنگ برادرگشی در کردستان، سال تحمل سختیها و مشقات بود. ما را مجال آن نیست که در این مختصر شرحی از تمام وقایع و رویدادهایی که مردم ما در یک سال گذشته با آن روبرو بوده‌اند، منعکس کنیم. تنها سعی کرده‌ایم سایه روشنی از تحولات بسیار گسترده عظیمی که هر روز و هر ساعت در جامعه‌مان جریان داشته، ارائه دهیم. ما در این مختصر تنها به پاره‌ای از مهم‌ترین مسائل سال گذشته اشاره کرده‌ایم.

## فروردین

- ۵: به منظور محکوم کردن، انتقال شاه خائن به مصر، میلیونها نفر از مردم مبارز ایران دست به راهپیمائی زدند.
- ۱۰: طرح لایحه واگذاری زمین که توسط "رضا اصفهانی" معاون وزارت کشاورزی تهیه شده بود، به تصویب رسید.
- ۱۱: گروهی از سلطنت‌طلبان و سرمایه‌داران وابسته همراه با عوامل حزب خلق مسلمان به مسجدالرضا در تبریز حمله کردند.
- ۱۲: امام خمینی به مناسبت دومین سالگرد جمهوری اسلامی پیامی خطاب به ملت مبارز ایران فرستاد و در آن ضمن تأکید بر ضرورت وحدت، یادآور شدند: "ملت بزرگ مصر که از ننگ سادات خیانتکار به ننگ آمده بودند، اکنون مواجه با تحمل ننگ بزرگتری شده‌اند که با دسیسه و توطئه شیطان بزرگ بر آنان تحمیل شده است."

## خرداد

- ۲: مردم ایران جهت اعتراض به روش جنایتکارانه حکومت آمریکا در مقابله با تظاهرکنندگان سیاه‌پوست راهپیمایی پرشکوهی برگزار کردند.
- ۳: قضات اتحاد شوروی، لهستان و سوریه در دادگاه لاهه از حقوق ایران دفاع کردند.
- ۷: اولین جلسه مجلس شورای اسلامی کشایش یافت.
- مردم اهواز طی یک راهپیمائی بزرگ خواستار تشکیل ارتش بیست میلیونی برای مقابله با امپریالیسم آمریکا شدند.
- ۱۲: کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران کشایش یافت. در این کنفرانس ۱۰۰ هیئت نمایندگی از ۵۰ کشور شرکت داشتند.
- ۱۴: به تصمیم شورای انقلاب دانشگاه‌های سراسر کشور تعطیل شد.
- ۱۵: مردم مبارز ایران به مناسبت کرامی داشت هفدهمین سالگرد ۱۵ خرداد راهپیمائی باشکوهی برگزار کردند.
- کنفرانس بین‌المللی رسیدگی به مداخلات آمریکا در ایران با صدور قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد. در این قطعنامه به اتفاق آراء مداخلات آمریکا در ایران محکوم شد.



- ۲۲: میلیونها نفر از گروه‌های مختلف مردم در راهپیمائی علیه امپریالیسم آمریکا شرکت کردند.
- \* اعلام منع فعالیت گروه‌های سیاسی در دانشگاه، درگیری و تشنج در دانشگاه تهران و دانشگاه‌های شهرهای دیگر، شهادت گروهی از دانشجویان و مردمی که به بسته شدن دانشگاه‌ها اعتراض داشتند.
- \* تهاجم نظامی نافرجام هلی‌کوپترهای آمریکائی و سقوط تعدادی از آنها در کویر طبس.

## اردیبهشت

- ۱: اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری دمکراتیک

## جهان در سالی که گذشت

# اردوی انقلاب قوی‌تر از هر زمان به پیش می‌تازد

## زوال تاریخی امپریالیسم و ارتجاع جهانی روز به روز نزدیک تر می‌شود

● بررسی رویدادهای مهم جهان در سال گذشته وجود دو جریان کاملاً متضاد در عرصه گیتی را به خوبی نمایان می‌سازد. این وقایع از یک سو بیانگر گسترش قدرت اردوی انقلاب جهانی است که از کشورهای سوسیالیستی، زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری، جنبش‌های آزادی‌بخش و کلیه نیروهای صدامپریالیست و صلح‌دوست سراسر جهان تشکیل شده و از سوی دیگر تضعیف اردوی ضدانقلاب جهانی یعنی امپریالیست‌ها و متحدان آنها را به معرض نمایش می‌گذارد. ارزیابی حوادث سال پیش و مقایسه آنها با یکدیگر نمایانگر این حقیقت آشکار است که حرکت اردوی انقلابی جهان به پیشرفتی آشکار در همه عرصه‌های مبارزه نائل شده است.

## جهان سوسیالیسم

● در سال گذشته کشورهای سوسیالیستی در مقابله با سیاست‌های تجاوزکارانه و جنگ‌افروزانه امپریالیسم و متحدانش به اقدامات و کوشش‌های مشترکی مادرت ورزیده و در حکیم صلح جهانی پیشبرد مبارزه در جهت خلع سلاح اتمی و تشنج - زدائی و تأمین امنیت بین‌المللی نقش برحسته‌ای ایفاء کردند. در ملاقات‌های سران احزاب و دولت‌های سوسیالیستی در کریمه اهداف مشخص کشورهای اردوگاه سوسیالیستی بطور کاملاً روشن مورد تأکید قرار گرفت. آنان مصوبات کمیته مشورتی سیاسی پیمان ورشو را برای مقابله با کانون‌های تشنج و گرایش‌های تجاوزکارانه امپریالیست‌ها در عرصه جهانی مورد تأکید قرار دادند.

اعلامیه مشترک اعضای پیمان ورشو بار دیگر تأکید کرد که کشورهای عضو این پیمان هرگز هیچگونه هدف نظامی به جز اهداف دفاعی نداشته و نخواهند داشت در عین حال آنها بر سیاست قاطعانه حکیم وحدت و ارتقا نیروی دفاعی و اقتصادی خویش برای حفظ اردوگاه سوسیالیستی جهان و گسترش همکاری با کشورهای دیگر جهان به خاطر حفظ صلح جهانی تأکید ورزیدند.

در سال گذشته دساوردهای کشورهای اردوگاه سوسیالیستی و در راس آنها اتحاد شوروی در در زمینه ساختمان سوسیالیسم و ارتقاء سطح زندگی زحمتکشان و پیشرفت‌های علمی، فنی، اقتصادی، سیاسی نمایان بوده است.

کشورهای سوسیالیستی علاوه بر توسعه همکاری‌های همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به برآمده ریزی‌های مشترکی در زمینه کیهان‌نوردی بر مادرت جسند. سفینه‌های کیهان‌نورد با سرسببان مشترکی از کویا - مجارستان، ویتنام و اتحاد شوروی به فضا پرتاب شده است. اسکوتنه همکاری‌ها، وحدت خلل -

### جهان در سالی که گذشت اردوی انقلاب...

بایدبر کشورهای سوسیالیستی را در زمینه‌های مختلف به خوبی نمایان ساخت. از وقایع برجسته دیگر جهان سوسیالیسم تشکیل کنکوره‌های احزاب کمونیست کوبا، کره شمالی و اتحاد شوروی بود. در دومین کنکوره حزب کمونیست کوبا که با سحرانی فیدل کاسترو گشایش یافت، رهبر کوبا ضمن برسم‌گردن دستاوردهای سوسیالیستی این کشور از همه مردم کوبا خواست تا آمادگی نظامی برای مقابله با حمله احتمالی امپریالیسم آمریکا داشته باشند. این کنکوره خطوط اساسی سیاست سوسیالیستی کوبا را مورد تصویب قرار داد و در جهت کشورهای سوسیالیستی و کمک‌های بی‌دریغ آنها به مبارزه در محاسبات سراسری جهانی و مبارزه در موازات نیروهای جهانی حمایت نمود. بیست و ششمین کنکوره حزب کمونیست اتحاد شوروی سر در شرایطی برگزار شد که این کشور اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های کنکوره بیست و یکم را به اتمام رسانیده و با گام‌های سنجیده به سوی ساختمان کمونیسم به پیش می‌رفت. لئونید برژنف رهبر شوروی در نطق افشاح کنکوره حمایت اتحاد شوروی را از کلیه نیروهای ضد امپریالیست جهان و من‌جمله انقلاب ایران اعلام داشت.

سال گذشته رحمکسان ویتنام در شرایطی که سوسیالیسم به دستاوردهای عظیمی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی این کشور دست یافه، بودمن سالروز تولد هوشی‌مین، سخاهمن سالگرد تأسیس حزب کمونیست ویتنام و همجس سی و نهمین سالگرد انقلاب اوت را با شکوه تمام جشن گرفتند.

خلق لائوس در اتحاد با اردوگاه سوسیالیستی و حلقه‌های برادر هندوچین دستاوردهای نوبنی در ساختمان کشور به دست آورد و جمهوری دموکراتیک کامبوجا در دومین سال موجودیت خود نسبت صدافضالی دار و دست بلند و حامیان امپریالیست آن موبق سد امر بازاری جامعه را به سرعت پس برده و در صحنه جهانی به موفقیت‌های نوبنی دست یافه.

همجس در کنکوره سیم حزب کار کرده که با شرکت نمایندگانی از احزاب کمونیست و کارگری جهان برگزار گردید، بر ضرورت مبارزه سکر علیه امپریالیسم و سیاست‌های آن، مبارزه برای خروج نیروهای نظامی آمریکا از کره جنوبی و مبارزه در راه وحدت صلح‌آمیز دو بخش کشور تاکید شد.

در سال گذشته کشورهای سوسیالیستی عضو جامعه سوسیالیستی در اروپا و در سایر نقاط جهان به دستاوردهای نوبنی در امر ساختمان سوسیالیسم پیشرفته و تحکیم پیاده‌های دموکراسی پرولتری در این کشورها دست یافتند و قدرت اردوگاه سوسیالیستی‌بیش از پیش افزایش یافت.

یکی از وقایع سال‌گذشته اعتصاب برخی از کارگران لهستان بود که امپریالیست‌ها برای صره زدن به حیثیت اردوگاه سوسیالیستی و توحیه نظام استثمارگرانه سرمایه‌داری، مذبحخانه کوشش نمودند از آن سود جسته و هیاهوی پوچی را علیه سوسیالیسم به راه‌اندازند. اما علی‌رغم این تلاش‌ها، کنکوره فوق‌العاده حزب کمونیست لهستان کوشش نوبنی را برای غلبه بر مشکلات و

بقیه در صفحه ۱۴

رکس اعدام شدند. ۱۵: قطب‌زاده، وزیر امور خارجه در بیانیه‌ای از اتحاد شوروی خواست کنسولگری خود را در رشت تعطیل کند.



۱۶: روزنامه میزان ارگان لیبرالهای ایران امتیاز اسماعیل یزدی (برادر ابراهیم یزدی و سردبیری عبدالعلی بازرگان) پس — مهندس بازرگان) منتشر شد.

۲۳: تیمسار باقری (فرمانده نیروی هوایی دولت موقت) و مشاور نظامی رئیس جمه هنگام فرار از کشور دستگیر شد.

۲۷: درگیری‌های مرزی ایران و عراق خوزستان کشیده شد.

دولت عراق قرارداد تعیین حدود مرزی کشور را لغو کرد و حاکمیت بر شط‌العرب از آن عراق دانست.

۲۹: سازمان آزادی‌بخش فلسطینی اسرائیل میانجی‌گری میان ایران و عراق اعلا آمادگی کرد.

۳۱: با حملات گسترده نیروهای متجاوز عراق به فرودگاه‌ها و تاسیسات نفتی و صنعتی ایران، جنگ میان دو کشور رسماً آغاز شد در نخستین روزهای جنگ بیش از ۱۰۰۰ د ر خونین شهر به شهادت رسیدند. سازما چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) در در پیامی از هواداران و تمام مردم خواه برای دفاع از استقلال میهن به‌پا خیزند با سپاه پاسداران و کمیته‌های انقلاب سراسر کشور همکاری کنند.

مهر

۱: به مناسبت آغاز سال تحصیل راهپیمایی‌های بزرگی علیه توطئه‌های امر؛ و رژیم مزدور عراق در سراسر کشور برگزار شد. سازمان چریکهای فدایی خلق ایرا (اکثریت) با انتشار اعلامیه‌ای از مرد خواست در این راهپیمایی‌ها شرکت کنند

۵: سران خائن عربستان، اردن، مراکش موریتانی و مصر از عراق در برابر ایرا حمایت کردند. در مقابل آن کشورها متزقی جهان از جمله کشورهای جب پایداری و کره شمالی از ایران دفاع کردند

۱۰: مجلس با اکثریت قاطع هرگونه مذاکره مقامات امریکائی در رابطه با آزاد گروگان‌ها را منع کرد. ۱۱: وزیر خارجه کوبا وارد تهران شد و پی فیدل کاسترو را تسلیم مقامات ایران، کرد.

بقیه در صفحه ۱۴

در جریان کنفرانس، نمایندگان کوبا، ویتنام، یوگسلاوی، لیبی جنایات ۲۵ ساله آمریکا را در ایران به شدت محکوم کردند.

تیر

۱۸: کودتای امریکائی علیه انقلاب ایران به رهبری سپهبد مهدیون و تیمسار محقق (فرماندهان نظامی دولت موقت) کشف شد. کودتاگران قصد تصرف پایگاه نوژه را داشتند.

۲۱: عده‌ای از افسران ارتش و نوکران بختیار در رابطه با کودتای نافرجام دستگیر شدند. همچنین گروهی از عوامل کودتا که در رادیو - تلویزیون نفوذ کرده و در ارتباط با کودتا ۳۰ ساعت برنامه رادیو و تلویزیونی ضبط کرده بودند، دستگیر شدند.

۲۲: در میتینگ بزرگداشت دو تن از شهدای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) در مهاباد بمبی منفجر شد که منجر به شهادت ۸ نفر و جراحت عده‌ای دیگر شد.

۳۰: امام خمینی در جمع مسئولان قضائی جمهوری اسلامی اعلام داشت: "از اول هم به حسب الزامی که من تصور می‌کردم، دولت موقت را قرار دادیم، خطا کردیم. از اول باید یک دولتی که قاطع باشد جوان باشد، بتواند مملکت را اداره کند نه یک دولتی که نتواند."

مرداد

\* شاه خائن در مصر مرد. ۸: گروهی مهاجم مسلح به سلاح‌های تیربار کالیبر ۵۰ و ۳۰ به پادگان نظامی واقع در خیابان پاسداران حمله کردند.

۱۳: در جلسه علنی مجلس اسناد و مدارکی علیه تیمسار مدنی مبنی بر همکاری با ساواک، سیا و دربار شاه فاش شد.

۱۷: مردم به مناسبت بزرگداشت "روز قدس" راهپیمائی کردند.

۱۹: محمدعلی رجائی به عنوان نخست‌وزیر به مجلس شورای اسلامی معرفی شد و به نخست‌وزیری انتخاب شد.

۲۵: ۱۵ نفر از عوامل کودتاچی در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی مرکز محکوم به اعدام شدند و حکم صادره اجراء شد. در روزهای بعد نیز دهها کودتاچی دیگر به جوخه اعدام سپرده شدند.

شهریور

۱: توطئه حمله نظامی آمریکا به ایران به اسم رمز "جهش مثبت ۸۰" فاش شد.

۲: نقش دایره اسفقی ایران در رابطه با کودتای نافرجام، از سوی سپاه پاسداران اصفهان کشف شد.

۶: شاه خائن مراکش از سران مفتی‌های عربستان، کویت، مصر، عراق و مغرب دعوت کرد تا کمیته‌ای برای "مبارزه با انحرافات خمینی" تشکیل دهند.

۸: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با انتشار بیانیه‌ای ۱۰ مورد از عملکردهای خط بنی‌صدر در مقابل خط امام را برشمرد.

۱۰: عراق قصر شیرین را به توپ بست. در این حمله بیش از ۱۰۰ خانه ویران و عده‌ای مجروح شدند.

۱۳: به حکم دادگاه ویژه سینما رکس آبادان، شش نفر به جرم ایجاد حریق در سینما

بقیه از صفحه ۱۳

- ۳: حاکم شرع دادگاههای انقلاب ارتش: " ۵۱) کودتاچی دستگیر شده در اهواز بدون مجوز آزاد شده اند. " مهندس بازرگان به دادگاههای انقلاب در مورد " مصادره اموال و کشتار بی گناهان " اعتراض کرد.
- ۸: کنفرانس سران عرب با حمایت کامل از رژیم مزدور صدام به کار خود پایان داد.
- ۹: احمد سلامانیان و آیت الله لاهوتی در مشهد سخنرانی کردند که به دنبال آن حوادثی در مشهد و چند شهر روی داد.
- ۱۲: رجائی در عیادت از مهندس بازرگان گفت: " خداوند شما را برای ما نگه دارد که گماکان نیاز به وجود شما داریم! "
- ۱۳: سیدحسین خمینی: "... چه شد آنهایی که تا چندی پیش در خارج کشور به خون یگدیگر تشنه بودند، یکمرتبه دوست صمیمی یگدیگر شدند. "
- ۱۵: وزیر کشور: " اینکه بین مردم ناراضیها زیاد شده واقعیتهایی است که باید قبول کنیم چون اگر جز این فکر کنیم مثل اعمال رژیم سابق است که گبگوار چشمها را برهم می نهاد و ناراضیتهای را نمی دید. "
- ۱۷: در مدارس تهران و بعضی شهرستانها دامنه تشنجات و درگیریها بالا گرفت.
- ۱۸: هیئت بررسی شکنجه مامور رسیدگی به کارهای خلاف در زندانها و شکنجه زندانیان شد.
- ۲۶: جنگ در جبهه خونین شهر شدت گرفت. آیت الله منتظری از مردم خواست به خاطر محکوم کردن توطئهها ( از جانب لیبرالها ) راهپیمائی کنند. فدائیان خلق (اکثریت) ، و گروهی دیگری از نیروها و سازمانهای سیاسی از این راهپیمائی پشتیبانی کردند اما امام خمینی دستور لغو راهپیمائی را دادند.

## مروری کوتاه بر رویدادهای...

- ۱۳: سفیر شوروی در تهران گفت: " هر طرف که جنگ را شروع کرده از طرف ما محکوم است. "
- ۱۹: عراق رابطه سیاسی خود را با کره شمالی، لیبی و سوریه قطع کرد. قذافی از اعراب خواست در جنگ علیه آمریکا با ایران متحد شوند.
- ایکلیس یک ناوشکن موشکانداز به خلیج فارس فرستاد.



- ۱: امام خمینی در فرمانی کلیه امور مربوط به جنگ را تحت نظر شورای عالی دفاع قرار داد.
- ۱: سفیر کره شمالی در ایران پشتیبانی همه جانبه ملت و دولت خود را از ایران غیر قابل تغییر دانست.
- ۱: رجائی در راس هیئتی برای شرکت در جلسه شورای امنیت به سازمان ملل رفت.

- ۲: عراق بر روی مناطق مسکونی آبادان بمبهای سنگین فروریخت. در خونین شهر نبرد همچنان ادامه دارد.



- ۸: دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اسناد تازه ای از رابطه دکتر ایزدی ( وزیر کشاورزی دولت موقت ) با آمریکا منتشر کردند. براساس آمارهای تقریبی از آغاز جنگ بیش از ۲۰ هزار نفر از نیروهای ایران و عراق کشته شده اند. جلال الدین فارسی در سخنرانی مراسم اربعین بطور ضمنی خرید سلاح از کشورهای دوست را تأیید کرد.



جهان در سالی که گذشت بقیه از صفحه ۱۳

## اردوی انقلاب...

تصحیح خطاهای حرب آغار نمود که این تلاشها با استقبال و حمایت نیروهای انقلابی و کمونیست جهان روبرو گردید.

### پیشروی روز افزون نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست

در سال گذشته حکومت های انقلابی مارکسیست آنگولا، موزامبیک، جمهوری دموکراتیک یمن، انیبویی و افغانستان هر یک در ساحات جامعه سوسیالیست خود و مبارزه بر ضد امپریالیسم جهانی و متحدان سروری های محکم کوری به دست آوردند کمک های کشورهای سوسیالیستی به این کشورها در سال گذشته به معنای عظیمی افزایش یافت و رهبران موزامبیک، انیبویی و افغانستان ضمن دستاوردهای جداگانه از اتحاد سروری فرارادهای همکاری اقتصادی و نسبی جداگانه ای با این کشور امضا کردند.

امپریالیست ها و نیروهای فتوئدال وابسته به آنها در افغانستان، در حالی که کذب کوشی سوسیالی را آغار کردند تا بر دستاوردهای انقلاب افغانستان صدمه وارد کرده و آن را خفه سازند. این کوشش ها که با همکاری و حمایت دولت های برجسته چون مصر و پاکستان همراه بود، به وسطه تبلیغات کسورده امپریالیست ها تحت عنوان "مقاومت با" نهادهای شوروی " توجیه می شد و بدین ترتیب امپریالیست ها کوشش می کردند تا با حوازیات و تحریکات خود علیه همه سروری دموکراتیک افغانستان را لایوشایی کنند. دولت جمهوری اسلامی ایران بر علی رغم افتش و بر ملا شدن جبهه به اصطلاح " محاهدین افغانی " هموز از حمایت آنها دست بکشیده است و این سیاست صریحی را به دست امپریالیست های ایران وارد نموده است اما علی رغم تمام شیثات امپریالیستی، جمهوری دموکراتیک افغانستان با حمایت امپریالیستی سوسیالیستی اتحاد شوروی و همبستگی و یاری اردوی انقلاب جهانی موفق شد این توطئه های امپریالیستی را تا حدود زیادی خنثی نموده و به موفقیت های جدیدی در زمینه اصلاحات اجتماعی و اقتصادی و ایجاد جبهه متحدی از نیروهای خلق دست پیدا کند.

همچنین در سال گذشته حکومت های ضد امپریالیست جهان مانند الجزایر، لیبی و سوریه در زمینه های داخلی و خارجی موفقیت های جدیدی به دست آوردند. حافظ اسد رهبر سوریه ضمن دیدار از اتحاد شوروی یک پیمان دوستی و همکاری ۲۰ ساله بین دو کشور امضاء کرد که در تقویت موضع ضد امپریالیستی این کشور و نقش آن در منطقه اهمیت عظیمی دارد. همچنین یک پیمان همکاری های فنی و اقتصادی نیز بین اتحاد شوروی و لیبی انعقاد یافت.

### مبارزات خلقها برای استقلال و آزادی

مبارزات خلقهای کشورهای تحت سلطه و ستم امپریالیسم در سال پیش به دستاوردهای عظیمی نایل شد. پیروزی جبهه میهن پرستان زیمبابوه که به اعلام استقلال این کشور در فروردین ماه گذشته منجر گردید از اهمیت خاصی برخوردار بود و تیناسب قوا در عرصه جهانی و به ویژه در قاره آفریقا را به سود نیروهای اردوی

بقیه در صفحه ۱۵

جهان در سالی که گذشت بقیه از صفحه ۱۴

### اردوی انقلاب...

انقلابی جهان به نحو چشمگیری تغییر داد. موگابه رهبر زیمبابوه در سازمان ملل از حمایت اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از کشور خویش سیاستگزاری کرد. در آفریقای جنوبی مبارزات سیاهپوستان این کشور علیه حکومت نژادپرستان به مرحله جدیدی گام نهاد و نیروهای جبهه آزادیبخش نامیبیا (سواپو) به تعرضات گستردهتری دست زدند.

در امریکای لاتین مبارزات مردم السالوادور برصد رژیم دیکتاتوری نظامی این کشور اعتلای کسردهای یافت و به پیروزیهای درخشانی نایل شد.

مبارزات معدنچیان زحمتکش بولیوی علیه کودتای نظامی این کشور ابعاد وسیعی به خود گرفت و همچنین چشماندازهای جدیدی در مبارزات حلقهای شیلی و آرژانتین علیه حکومتهای فاشیستی نظامی این کشورها گشوده شد. علاوه بر آن در سال گذشته مردم کشورهای کره جنوبی، پاکستان، اندونزی و ترکیه علیه حکومتهای دستنشانده این کشورها و به خاطر احقاق حقوق و آزادیهای دمکراتیک به مبارزات گستردهای دست زدند.

مبارزات مردم فلسطین برضد اشغالگران صهیونیست گستردهتر شد و سازمان آزادیبخش فلسطین در عرصه جهانی از نفوذ و اعتبار بیشتری برخوردار گردید.

از دیگر وقایع مهم سال گذشته تشکیل کنفرانس کشورهای جبهه پایداری اعراب یعنی سوریه، لیبی، الجزایر و جمهوری دمکراتیک خلق یمن بود. نیروهای شرکت کننده در این کنفرانس تصمیم گرفتند که با ایجاد یک فرماندهی مشترک سیاسی، نظامی صفوف خود را در مقابل امپریالیسم و متحدان آن در منطقه تحکیم بخشیده و مناسبات خود را با اردوگاه سوسیالیستی جهان تقویت نمایند. کشورهای جبهه پایداری از شرکت در کنفرانس سران مرتجع عرب خودداری ورزیده و حمایت قاطعانه خود را از انقلاب ضدامپریالیستی ایران اعلام داشتند. در جریان جنگ عراق و ایران که با تجاوز رژیم دیکتاتوری عراق و با تحریک امپریالیستها آغاز شد، کشورهای عضو جبهه پایداری حمایت قاطعانه خود را از ایران اعلام داشته و تمایل خود را برای گسترش همکاریهای همهجانبه با کشورها اعلام کردند.

از دیگر رویدادهای مهم سال پیش گردهمایی جنبشهای آزادیبخش جهان در تهران بود که در آشکار ساختن ماهیت امپریالیستها و محکوم ساختن سیاستهای امپریالیستی نقش برجسته ای ایفاء کرد.

یکی دیگر از وقایع برجسته سال پیش دیدار برژنف رهبر اتحاد شوروی از هندوستان بود که در طی این دیدار وی طرح پیشنهادی خویش را در مورد خلیج فارس و اقیانوس هند ارائه داد. طرح پیشنهادی برژنف که شامل نکات برجسته ای مانند خودداری از احداث پایگاههای نظامی خارجی در منطقه خلیج فارس و همچنین عدم مداخله در امور داخلی و احترام به حق حاکمیت کشورهای این منطقه بود در صورت پذیرش امپریالیستها می توانست در تامین امنیت خلیج فارس و اقیانوس هند و حفظ استقلال کشورهای منطقه نقشی موثر داشته باشد.

در سالی که گذشت کنفرانس وزرای امور خارجه بقیه در صفحه ۱۶

شوروی اسلحه بخریم به شرط آنکه بدون هیچ وابستگی بتوانیم این کار را بکنیم و مجلس هم آن را تصویب کند، این کار را انجام می دهیم."

۱۴: ملاحسنی امام جمعه ارومیه: "... معبودی و مرادقطاری (از همکاران ملاحسنی و جلادان خلق کرد) در گذشته خدمت به رژیم می کردند ولی بعد از انقلاب به خدمت جمهوری اسلامی درآمدند... آنها در بیست سال گذشته به واسطه همکاری با ژاندارمری بیشترین نقش را در دستگیری و کشتن کمونیستهای کرد ضد شاه داشته اند." (!!)

۱۷: متن لایحه قصاص که در هیئت وزیران به تصویب رسیده است، منتشر شد.

عراق به فرانسه تعهد سپرد که از هواپیماهای میرازی که تحویل گرفته علیه رژیم صهیونیستی استفاده نکند.

۲۰: عضو هیئت واگذاری زمین در بجنورد: "اگر توقف بندج ادامه یابد، منطقه (خراسان) به تشنج کشیده می شود."

۲۵: تمام ارتفاعات استراتژیک و مهم در نوار مرزی ایلام به تصرف نیروهای ایرانی درآمد.

کنفرانس غیرمتعهدها با پشتیبانی ضمنی از ایران در برابر تجاوز عراق پایان یافت.

#### اول تا بیستم اسفند

۱: تهاجم نیروهای متجاوز عراق برای تصرف نقاط استراتژیک ایلام توسط رزمندگان ایرانی دفع شد.

۴: کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی (ناحیه جنوب) دست به اعتصاب کوتاه مدتی زدند.

۶: نماینده آبادان به دلیل عدم تکمیل کابینه در مجلس متحصن شد و سه روز اعتصاب غذا کرد.

۷: چهار تن از سران لیبرالها (بازرگان، یزدی، صباغیان و یداله سحابی) میتینگی در رامجدیه برگزار کردند. در این میتینگ به نیروهای خط امام و مبارزان انقلابی شدیداً حمله شد. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) با تبلیغات گسترده ای این میتینگ را تحریم کرد.

۸: حجت الاسلام خامنه ای در نماز جمعه تهران: "استعمار می خواهد تجربه شیلی را در ایران پیاده کند."

۱۴: با سخنرانی جنجالی بنی صدر در دانشگاه تهران به مناسبت سالگرد درگذشت دکتر مصدق رویارویی تازه ای میان نیروهای انقلابی و خط امام در برابر لیبرالها و حامیان آنها شکل گرفت. این رویداد صحنه سیاسی ایران را جلوه ای تازه بخشید.

۱۷: حملات نیروهای متجاوز عراقی گسترش یافت.

۱۹: هنگام طرح لایحه سرپرستی وزارتخانه های بدون وزیر به وسیله نخست وزیر در مجلس، نمایندگان اقلیت (لیبرالها و چند نماینده دیگر) با ترک جلسه، مجلس را از اکثریت انداختند.

۲۰: نمایندگان لیبرال در مجلس، طی یک مصاحبه مطبوعاتی بطور ضمنی خواهان سقوط دولت شدند. در این روز تشنجات در مجلس بالا گرفت. خلخال رئیس کمیسیون تحقیق گفت: "امکان دارد اعتبارنامه معین فر و صباغیان به دلیل وابستگی به رژیم گذشته مورد تجدید نظر قرار گیرد."

۱۰: بهزاد نبوی سخنگوی دولت: "اسلحه از هر منبعی که وابستگی ایجاد نکند تامین شده و خواهد شد."

۱۴: اتحادیه بازرگانان تهران (وابستگان به جبهه ملی و لیبرالها) خواهان استعفای دولت رجائی شدند.

۱۸: نیروهای عراقی به تلافی شکستهای خود، اهواز، آبادان و دزفول را به موشک و توپ بستند.



رضا اصفهانی: "ادامه توقف و یا لغو بندج طرح واگذاری زمین بسیار خطرناک است."

۲۲: ریگان: "رابطه با ایران وقتی ممکن است که افراد میانه روتری در ایران روی کار آیند."

۲۳: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) هرگونه راهپیمائی و ایجاد درگیری به بهانه بازگشائی دانشگاهها را محکوم کرد.

۲۵: انتشار نامه سرکشاده سازمان (اکثریت) به مجاهدین خلق و هشدار به آنها در زمینه موضع گیریهای اخیرشان.

۲۷: شهردار سابق تهران (از عوامل دولت موقت): "بعد از انقلاب برخی از متنفذین تا روزی ۲۰ میلیون تومان از راه بورس بازی و زمین - خواری درآمد داشته اند." (حتماً با اجازه ایشان!)

#### بهمن

۱: ۵۲ کروگان آمریکائی به وسیله یک هواپیمای الجزایری خاک ایران را ترک گفتند.



در حالیکه جنگ برادرکشی در کردستان ادامه دارد، دولت اعلام کرد ۱۰۰ تن از افراد حزب دمکرات و کومه له در اطراف پیرانشهر کشته شدند.

۲: ماشاءالله قصاب عنصر مشکوکی که رئیس کمیته داخل سفارت بود و با مقامات امریکائی رابطه داشت و محمدرضا سعادت و عده ای دیگر از مبارزان را شکنجه کرده بود، دستگیر شد.

۵: لیبرالها و نیروهای چپ رو با هیاهوی بسیار نحوه آزادی گروگانهای امریکائی را محکوم کردند.

۷: رادیو مسکو: "۳۳ ناو جنگی امریکا در نزدیکی سواحل ایران مستقر شدند."

۱۳: آیت الله مشکینی: "اگر قرار شد که ما از

جهان در سالی که گذشت بقیه از صفحه ۱۵

### اردوی انقلاب ...

غیرمتعهدها علیرغم دسائس امپریالیسم و نیروهای وابسته به آن و برخی موانع دیگر همچنان بر سیاست مبارزه با استعمار، استعمار نو و نژادپرستی تاکید نمود و عزم خود را مبنی بر ادامه مبارزه برای استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی کشورهای عضو اعلام نمود و بدین ترتیب مجدداً بر خط ضدامپریالیستی جنبش تاکید کرده و دسیسه‌های مرتجعین را خنثی نمود...

### جهان سرمایه داری و مبارزه کارگران

اکنون نظری اجمالی به رویدادهای کشورهای اردوی سرمایه داری جهانی در سال گذشته می‌افزایم. در سال گذشته تمامی این کشورها با مشکلات عظیمی روبرو بودند که قبل از هر چیز ناشی از تضادهای درونی این سیستم، بحران عمومی نظام سرمایه داری و پی آمدهای آن است. بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی هم‌اکنون سراسر جوامع بورژوازی را دربر گرفته است. بیکاری، هرج و مرج و خشونت‌های نژادی، فحشاء و انواع فلاکت‌های اجتماعی دیگر در این کشورها با سرعت دائم‌التزایدی گسترش یافته است. تنها در آمریکا در خلال سال‌های گذشته دهها نمونه شورش نژادی در اعتراض به نظام ضدانسانی سرمایه داری و تبعیض نژادی در آن کشور صورت گرفت.

در سال گذشته تعداد بیکاران در کشورهای سرمایه داری توسعه یافته به ارقام سرسام‌آوری رسید. بر اساس ارزیابی‌های موسسات آمارگیری غربی تعداد بیکاران آمریکا در نیمه دوم سال ۵۹ به ۹ میلیون نفر، در آلمان غربی ۱/۵ میلیون نفر، در انگلستان ۱/۸ میلیون نفر و در فرانسه ۲ میلیون نفر بوده است و در مجموع تعداد بیکاران کشورهای سرمایه داری (آمریکا، اروپا ژاپن) به مرز ۲۰ میلیون نفر رسیده است.

رشد تورم و افزایش هزینه زندگی زحمتکشان در این کشورها دائماً رو به افزایش بوده است. حکومت‌های این کشورها در سال گذشته در زمینه داخلی، سیاست محدود کردن حقوق اتحادیه‌های و سندیکائی کارگران را دنبال کردند و به همین دلیل مبارزات کارگران این کشورها برای کسب حقوق سندیکائی خویش از اهمیت شایانی برخوردار بوده است. علاوه بر این حکومت‌های این کشورها بخش عظیمی از بودجه سالیانه خود را به مصارف نظامی و با اهداف تجاوزکارانه اختصاص می‌دهند که سنگینی عمده آن بر دوش زحمتکشان این کشورها قرار می‌گیرد.

در سال گذشته صدها اعتصاب کارگری با درخواست‌های اقتصادی و سیاسی در این کشورها به وقوع پیوست که به عنوان نمونه اعتصاب ۳۶۰۰۰ نفری کارگران بنادر و کشتی‌رانی انگلیس، اعتصاب سراسری ۱۸ میلیون کارگر ایتالیائی به عنوان اعتراض به اخراج همکاران خود، اعتصاب عظیم ماهیگیران فرانسوی و اعتصاب اتحادیه‌های کارگری ژاپن را می‌توان ذکر کرد مقاصد تجاوزکارانه و جنگ‌افروزان کشورهای

بقیه در صفحه ۱۷

### استاندار گیلان و شرکاء علیه مصالح انقلاب

وقایع لاهیجان برای مردم بخواند زیرا اگر این اعلامیه خوانده می‌شد، مردم متوجه می‌شدند که استاندار تا چه حد حقایق را تحریف می‌کند و دروغ به خورد مردم می‌دهد و مهم‌تر اینکه اعلامیه ما چهره واقعی آقای استاندار را برای همه مردم ایران افشاء می‌کرد و نشان می‌داد که چرا مردم و نیروهای ترقیخواه منطقه خواهان برکناری او هستند! سازمان ما که همه آنچه را که در لاهیجان اتفاق افتاد محکوم می‌شناسد، به جهت مسئولیت بزرگی که در قبال سرنوشت انقلاب مردم ایران برعهده خود می‌شناسد یکبار دیگر به همه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران نسبت به سیاست‌ها و اقدامات مسئولان منطقه هشدار می‌دهد و مصرا از مجلس شورای اسلامی ایران می‌خواهد که هیئتی را برای بررسی رویدادها و حوادث لاهیجان به استان گیلان اعزام دارد.

ادعاهای استاندار باخشی مصاحبه تلویزیونی استاندار که به "شوهای تلویزیونی رژیم سابق" بیشتر شباهت داشت تا مصاحبه استاندار پس از انقلاب، از استاندار و شرکاء و اقدامات مخرب آنان که آشکارا علیه مصالح انقلاب است حمایت کرد. استاندار طی مصاحبه خود تنها این را نشان داد که تا چه میزان آدمی دروغگو و فرصت طلب است و چگونه تمام مسئله او تحکیم موقعیت و مقام خود اوست. استاندار بی‌شرمانه در این مصاحبه سازمان ما را مورد تهمت و افترا قرار داد و کوشید با قرار دادن نیروهای ما در کنار مجاهدین و پیکارهای، مواضع روشن و انقلابی سازمان ما را مخدوش کند. مصاحبه استاندار گیلان هرگونه شبهه‌های را که درباره جعلی بودن اعلامیه گذاشت وجود داشت برطرف کرده است چه این مصاحبه آشکارا به اثبات رساند که استاندار گیلان و شرکاء اعلامیه‌ای با امضای جعلی مجاهدین صادر کرده‌اند و به چه منظوری هم صادر کرده‌اند! البته آقای استاندار فراموش کرد که اعلامیه سازمان ما را پیرامون

شرکایش به راه انداخته بودند. لیبرالها و جبهه آنان از حاکم شرع، دادستان انقلاب و استاندار گیلان که به کمک او باشان کمیته‌های باقرآباد و شهرسزلاهیجان همگونه امکانات را برای بی‌اعتبار کردن انقلاب و خط امام برای آنان فراهم آورده بودند درحقیقت بسیار شادمان و سپاسگزار شدند. اقدامات و دروغ پردازی‌های مسئولین منطقه بین مردم گیلان و خط امام شکاف بیشتری را دامن زد. لیبرالها با زرکی تمام اقدامات و دروغ‌پردازی‌های مسئولین منطقه را در سطح تمام کشور به عاملی برای روی گرداندن مردم بیشتری از انقلاب مبدل ساختند و یکبار دیگر نشان دادند که تا چه پایه حاکم شرع دادستان انقلاب و استاندار گیلان در خدمت اهداف آنان عمل می‌کنند. جالب این است که در ادامه برخورد غیرمسئولانه شتابزده و نابخردانه رئیس دولت، رئیس مجلس و فرمانده سپاه، شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز بدون کمترین تحقیقی درباره صحت و سقم سخنان و

پس از حوادث و رویدادهای لاهیجان که با برجای گذاشتن دو کشته، دهها مجروح و وارد آوردن بیش از صداهزار تومان خسارت به کسبه شهر موقتا پایان گرفت، جنگ‌زرگری و تبلیغاتی پر سروصدایی برای افتاد. استاندار و حامیان او از یک طرف و لیبرالها و شرکاء از طرف دیگر هر کدام سعی کردند از این نمذ کلاهی برای خود بدوزند و مخالفین را بی‌اعتبار و از میدان بدر کنند و حسب معمول آنچه که نصیب مردم شد آسیب بازهم بیشتر به انقلاب بود.

### در سومین نروز پس از انقلاب مسئله کردستان همچنان لاینحل مانده است

عادلانه خویش است و در این راه مصائب بی‌شماری را تحمل کرده است. ما در آستانه سال جدید بار دیگر خواستار حل عادلانه مسئله کردستان هستیم. با این امید که در سال آینده مسئله کردستان حل گردد و نروز دیگر همه خلقهای ایران یکپارچه‌تر از همیشه و با قلب‌های هرچه نزدیک‌تر به یکدیگر سنت پرشکوه نروز را جشن گیرند.

و فداکاری‌هاست. خلق کرد در جریان مبارزات پرشکوه خلقهای ایران که به انقلاب ۲۲ بهمن انجامید، با همه تجارب و سنت‌های انقلابی در انقلاب شرکت جست و سهمی سترگ و تاریخی در پرشکوه‌ترین مبارزات ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری تاریخ میهن ایفاء کرد. خلق کرد از دوران انقلاب ۲۲ بهمن تاکنون خواستار تحقق خواسته‌های

بر خلق کرد، سالهاست خلق رنج‌دیده و مبارز کرد را در عقب‌ماندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نگاهداشته است به نوعی که آثار ناشی از این ستم در بین خلق کرد به عریان‌ترین شکل مشهود است. تاریخ مبارزات خلق کرد علیه سلطه امپریالیست‌ها و علیه ستم ملی به‌ویژه در دوران سلسله ننگین پهلوی مشحون از سنت‌های انقلابی

مشکل کردستان امروز بیش از آنکه تنها مشکل مردم کردستان باشد، مشکل انقلاب ایران است. بدون شک ریشه جنگ و درگیری‌های خانمانسوزی که از انقلاب تا کنون در کردستان می‌گذرد ناشی از ستم ملی است ستمی که سالهاست بر دوش خلق قهرمان کرد سنگینی می‌کند. خلق کرد سالهاست که برای رفع ستم ملی مبارزه می‌کند. اعمال ستم مضاعف

### « دولت میانه رو »

کدام تدابیر می‌تواند

تاکنک (( دولت میانه رو )) را عقیم سازد؟

فراز و نسیب‌هایی که انقلاب ما در سال گذشته داشته است به مایه آموزد که دستاوردهای انقلاب تنها به دست‌های مدافعان و پاسداران آن حفظ می‌شود و تداوم می‌یابد. اینکه می‌گوئیم امپریالیسم آمریکا فعلاً قادر نیست تاکنک " دولت میانه رو " را به اجرا گذارد، دقیقاً منوط است به اجرای سیاست‌ها و تدابیری که اولاً قدرت طلبی بورژوازی را لگام زند، ثانیاً حمایت روزافزون توده‌ها را از نیروهای ضد امپریالیست تأمین نماید و پایه‌های اجتماعی انقلاب را گسترش دهد ثالثاً وحدت و انسجام روزافزون صفوف نیروهای مدافع انقلاب را در عرصه ملی و بین‌المللی جلب نماید.

پیشبرد این سیاست، بار و مسئولیت اصلی عملاً بر عهده نیروهای خط امام افتاده است چرا که آنان در مسند قدرت سیاسی قرار دارند و هدف-جلاواست تمام نیروهای ضد انقلاب و وابسته به امپریالیسم به زیر کشیدن آنان از حاکمیت و قرار دادن " دولت میانه رو " بجای آنان است.

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا



بقیه از صفحه ۱۰

## پیشرو و...

تکانی ، سرزندگی ، زیبایی و سبزی و تحرک آغاز می‌کردند و علی‌رغم دشمنانی که می‌خواستند سایه نکت بار یاس و افسردگی و خمودی را بر این رزمندگان تحمیل نمایند ، با خانه تکانی و پایکوبی ، با سرود و حماسه ، با غرور به پیشواز بهار زحمتکشان می‌رفتند . در چنین شرایطی بود که سرود پر غرور و شادی برانگیز " بهاران خجسته باد " از پس دیوارهای بلند زندان می‌گذشت و در فریاد شادی میلیون‌ها هموطن زحمتکش غرق می‌گشت .

اگر زندانیان سیاسی رژیم منفور شاه می‌توانستند در آن محیط فشار و حفاقت از سنت ، عاملی برای تحرک و مبارزه بسازند ، بی‌گمان کمونیست‌ها و شبکه عظیم هواداران سازمان که تا اعماق هر شهر و روستا ، هر کارخانه و مزرعه ، هر کوی و برزن راه می‌جویند ، می‌توانند با الهام از توده‌های زحمتکش در سراسر میهنمان سرود کار و پیکار ، سرود زندگی و مبارزه سرود امید و پیوند را سر دهند . آنها می‌توانند و باید ضمن ارج نهادن به سنن توده‌های ضمن گرامیداشت نوروژها و یلداها ، ضمن شرکت در چهارشنبه سوری‌ها و سیزده بدرها ، پیوند خود را با توده‌ها محکم‌تر کرده ، از دردها و محرومیت‌ها و نیازهای کارگران و زحمتکشان بیشتر و بیشتر باخبر شده و کار آگاه‌گرانه و تبلیغ توده‌ای را در پهنای به‌وسعت تمامی میهنمان گسترش دهند .

### سنت در عرصه مبارزه طبقاتی و ملی

در عرصه مبارزه طبقاتی و ملی نیز برخورد با سنت‌ها از اهمیت فراوان برخوردار است . توده‌ها در عرصه گسترده مبارزاتشان علاوه بر نوآوری‌ها و بدعت‌های حیرت‌انگیز ، نمونه‌های درخشانی از بهره‌گیری انقلابی از سنن تاریخی را نشان داده‌اند . استفاده از سلاح‌های بومی قدیمی و شیوه‌های سنتی رزم در ویتنام نقش به‌سزایی در غلبه خلق قهرمان ویتنام بر امپریالیسم آمریکا داشت .

در انقلاب الجزایر زنان مبارز عرب الجزایری از سنت دیرپای چادرپوشیدن به‌عنوان یک پوشش برای اختفاء سلاح و حمل و نقل استفاده می‌کردند در جنگ دوم جهانی خلق قهرمان شوروی از بسیاری سنن قدیمی رزم منجمله استفاده از "سورتمه" و حفر خندق بهره جستند و ...

توده‌های قهرمان میهنمان نیز در مبارزه ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی خود ضمن نشان دادن نمونه‌های درخشانی از نوآوری و خلاقیت از بسیاری از سنن حماسی و گذشته به‌خوبی بهره جستند . فلاخن به‌سلاحی کارساز برای مبارزه با گاردی‌ها ، مراسم مذهبی به تظاهرات عظیم ضد امپریالیستی ، تعزیه و تئاتر رو حوضی به عاملی برای کار آگاه‌گرانه ، مساجد و تکیه‌گاه‌ها به ستادهائی برای هماهنگی عملیات رزمی ، آتش نذری به یک عامل ارتباط‌گیری و روشنگری ، مراسم چهارشنبه سوری که شعله‌هایش از عکس شاه و پرچم آمریکا تامین می‌شد ، به یک عامل تبلیغی و ... تبدیل شد .

بازآفرینی اسطوره‌ها و چهره‌های ملی و قهرمانان خلقی توسط نیروهای پیشرو جامعه نقش بسیار مهمی در برانگختن شور مبارزاتی توده‌ها و آموزش انقلابی آنان داشته است . به‌همین دلیل در عرصه مبارزه طبقاتی و و ملی کمونیست‌ها پیوسته به نقش آن توجه داشته‌اند .

از آنجائی که ستم ستیزی و طغیان علیه طبقات ستمگر جامعه و مبارزه با نیروهای ویرانگر طبیعی و اجتماعی عنصر مشترک همه اسطوره‌ها و حماسه‌هاست ، از آنجائی که قدرت و توانائی‌های این قهرمانان در واقع همان قدرت توده‌های مردم است و توده‌ها همواره وجوه مشترکی میان مبارزه خود با مبارزه پیشینیان خود می‌بینند و به قهرمانان ملی و تاریخی و به قهرمانان اسطوره‌ای و بومی با علاقه‌ای وصف‌ناپذیر می‌نگرند از همین رو این قهرمانان در قلب توده‌ها پیوسته زنده می‌مانند و قهرمانی‌ها و شجاعت‌های آنان در حالی که در هاله‌ای از مبالغه‌ها ، روئین‌تنی‌ها ، شکست‌ناپذیری‌ها پوشیده شده است با غروری وصف‌ناپذیر تکرار می‌شود و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد . راز جاودانگی این قهرمانان ملی و اساطیری در همین نهفته است پرومته ، اسپارتاکوس ، آریوبرزن ، رستم ، کوراوغلی ، روبن‌هود ، آرش‌کمانگیر و کاوه آهنگر و هزاران قهرمان ملی و اسطوره‌ای همچنان الهام بخش مبارزات خلق‌های تحت ستم‌اند .

آیا کمونیست‌ها می‌توانند نسبت به این مظاهر خشم توده‌ها بی‌تفاوت یا کم‌توجه باشند؟ آیا می‌توانند و محق هستند که تلاش کافی برای شناخت ، حفظ ، پرداختن ، بازآفرینی این چهره‌های ملی مبذول ندارند؟ آیا می‌توان این شخصیت‌های ملی و اسطوره‌ای را که نقش به‌سزایی در بیداری ، روح طغیان و تسلیم‌ناپذیری و مبارزه توده‌ها دارند ، نادیده گرفت آیا می‌توان به بهانه کهنگی ، سنتی و قدیمی بودن مضمون یا شکل از آنها چشم پوشید؟ بی‌گمان نه! بی‌جهت نیست که عطف توجه و بازآفرینی این آثار هنری جای برجسته‌ای در ادبیات معاصر ایران و جهان دارد . هوارد فاست به بازآفرینی اسپارتاکوس می‌پردازد . کوراوغلی در قصه‌های جاودانه بهرنگی و در اپراهای باشکوه حاجی بیگ‌اوف جان می‌گیرد ، آرش کمانگیر در اثر برجسته سیاوش کسرای بازپرداخته می‌گردد و ...

سنن انقلابی برخورد با ارج نهادن به آنها و استفاده از آنها برای تحرک بخشیدن به روند مبارزه طبقاتی و ملی در آثار بنیان‌گذاران مارکسیسم - لنینیسم جای برجسته دارد .

لنین نفی مطلق سنت‌های گذشته را مردود می‌دانست و اهمیت فراوان برای "دلاوری‌های اراده خلق" و "سنت‌های مجموعه جنبش انقلابی پیشین" قائل بود . او بدین‌گونه ستایش‌آمیز با سنت‌های انقلابی گذشته برخورد می‌کند :

"حزب سوسیال دمکرات گارگری روسیه به‌عنوان جنبش و مسیر سوسیالیستی ، آرمان و سنت‌های مجموعه جنبش انقلابی پیشین روسیه را ادامه می‌دهد . سوسیال دمکراسی از این طریق که گسب آزادی سیاسی را نزدیک‌ترین وظیفه خود در کلیت خویش قرار می‌دهد ، به پیشواز همان اهدافی

بقیه در صفحه ۱۸

جهان در سالی که گذشت بقیه از صفحه ۱۶

## اردوی انقلاب ...

سرمایه‌داری امپریالیستی اکنون دیگر بر کمتر کسی پوشیده است . انتخاب ریگان از طرف محافل سرمایه‌داری آمریکا که هم‌زمان با قدرت‌گیری راست‌ترین جناح‌های سرمایه‌داری در برخی کشورها چون انگلستان و ... و همچنین رشد گروه‌های فاشیستی و تروریستی در کشورهای سرمایه‌داری نشانه سمت‌گیری روزافزون دولت‌های امپریالیستی در جهت نظامی‌گری برای مقابله با اردوی انقلاب جهانی می‌باشد . دخالت آشکار امپریالیسم ایالات متحده آمریکا در ایران ، نیکاراگوئه ، السالوادور و نقاط دیگر و همچنین دخالت گستاخانه امپریالیسم فرانسه در قاره افریقا نمونه‌هایی از سیاست تجاوزکارانه امپریالیست‌ها را نشان می‌دهد .

پیمان نظامی ناتو که یک پیمان ماهیتا تجاوز - کارانه است ، اساسا توسط امپریالیست‌ها و برای مقابله با نیروهای اردوی سوسیالیستی جهان تشکیل شده و بر همین محور حرکت می‌کند .

در سال گذشته نیز هزینه‌های هنگفتی از بودجه این کشورها به مصرف تقویت نیروهای تجاوزکار این پیمان اختصاص داده شد که در مقابله با سال‌ها قبل از آن رشدی نمایان داشت .

متحدان کشورهای اردوی امپریالیستی را

حکومت‌های فاسد و دست‌نشانده‌ای همچون دیکتاتورهای آمریکای لاتین ، نظامیان ترکیه ، کره جنوبی ، حکومت ژنرال ضیاء‌الحق در پاکستان ، حکومت انورسادات در مصر ، رهبران فاشیست و نژادپرست افریقای جنوبی و شیوخ مرتجع خلیج فارس و امثالهم تشکیل می‌دهند . همگی این حکومت‌های فاسد و ارتجاعی ضد خلقی بوده و ثروت بیکران خلق‌های کشورهای خویش را به انحصارات امپریالیستی تقدیم می‌دارند تا امپریالیست‌ها از حکومت‌های پوشالی‌شان در مقابل خشم توده‌های انقلابی حفاظت نمایند . مثلا سیاست‌های رسوای حکومت انورسادات در رابطه با مسئله فلسطین و شرکت در پیمان خائنانه کمپ دیوید و دشمنی با کشورهای پیشرو و مترقی عرب و همچنین سرکوب نیروهای مترقی داخل کشور در سال گذشته به اوج پلیدی رسید . حکومت امریکائی ضیاء‌الحق در پاکستان نیز در سال گذشته از یک سو به سرکوب اعتراضات توده‌های مزدم پرداخت و از سوی دیگر به زد و بند و پیوندهای آشکار و پنهان با امپریالیست‌ها مشغول بود . این حکومت‌ها بنا بر ماهیت خود اساسا با کشورهای اردوی انقلابی جهان و در رأس آنها اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی دیگر خصومتی شدید دارند و این ویژگی برجسته سیاست خارجی آنها در سال پیش نیز بوده است

### سیاست رهبران چین

در این میان رهبران خائن پکن نیز سیاست اتحاد با امپریالیست‌ها را در پیش گرفته‌اند . سیاست خارجی چین که بر محور تئوری ارتجاعی سه‌جهان می‌چرخد با تمام امپریالیست‌ها و مرتجعین دست اتحاد داده و علیه اردوگاه

بقیه در صفحه ۱۸

## گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

جهان در سالی که گذشت

## اردوی انقلاب ...

سوسیالیستی و سایر کشورهای ضد امپریالیست جهان عمل می‌نماید. به عنوان مثال در خرداد ماه سال گذشته معاون اول نخست‌وزیر چین وارد واشنگتن شد و مذاکراتی در زمینه همکاری‌های نظامی چین و آمریکا انجام داد. همچنین تجاور چین به جمهوری سوسیالیستی ویتنام و حمایت آشکار رهبران یکن از پیمان تجاور کارا امپریالیستی ناتو نمونه‌های دیگری از فعالیت‌های این دولت در اتحاد با اردوی امپریالیسم جهانی بود که علیرغم خواست واقعی توده‌های خلق چین انجام می‌پذیرد. اما علیرغم این تلاش‌های مدبوحانه رهبران یکن، قدرت اردوگاه سوسیالیستی و تمامی جنبش‌های ضد امپریالیست و احزاب و سازمان‌های طبقه کارگر سراسر جهان روز به روز عظیم‌تر گشته و وحدت خلل‌ناپذیر این نیروها در پهنه گیتی به عامل تعیین‌کننده‌ای در جلوگیری از اهداف تجاور کارانه امپریالیست‌ها تبدیل گشته است و به همین دلیل بود که کی‌سینچنگ وزیر خارجه پیشین آمریکا عمده‌ترین مبارزه دنیای غرب در دهه ۸۰ را "مبارزه با کمونیسم و جنبش‌های ضد امپریالیست آسیا و آفریقا و امریکای لاتین" دانست.

\* \* \*

تصویر عمومی وقایع سال گذشته در جهان سرمایه‌داری و کشورهای متحد آن، بار دیگر ناتوانی نظام سرمایه‌داری را در پاسخگویی به مشکلات جامعه انسانی عیان ساخته و برتری همه‌جانبه نظام سوسیالیستی را آشکارتر نمود. ارزیابی این حوادث پییرفرد اردوگاه انقلاب جهانی را هرچه بیشتر نمایان می‌سازد.



برخیز و خجسته بر دل دشمن زن  
آتش به نبود و بود اهریمن زن

ای لحظه پر شکوفه برخیز و بیا  
گتردیگی بسار را دامن زن

بقیه از صفحه ۵

## پای صحبت ...

دوستان غافل نمایم. مثلاً سیاست آقای رعینس جمهور و مطالب روزنامه‌شان انقلاب اسلامی که خیلی به ما کمک می‌کند برای ما واقعاً فرصت مغتنمی است. دوستان جبهه‌ملی هم بودند که کمک می‌کردند از مارکسیست‌های اصیل هم که روزنامه رنجبر را منتشر می‌کنند جدا می‌نویسیم. البته ما در این اواخر به این نتیجه رسیدیم که می‌توان از برخی گروه‌های چپ‌رو هم که به لیبرال‌ها فحش می‌دهند در بعضی موارد استفاده کرد (مثلاً در جریان روز ۲۲ دی دانشگاه) اما از چیزی که بیشتر از همه خوشحال هستیم، صحبت‌های اخیر برادر مسعود رجوی است. در آنجا به دوستی خودش با مهندس اشاره کرد. فقط خدا کند که اعضا و هواداران مجاهدین هم با مسعود موافقت کنند. البته امید زیادی ندارم ولی اگر اینطور باشد دیگر نانمان توی روغن است.

بله، حالا دیگر یک مقدار امیدوار شده‌ایم و کوشش‌های خودمان را زیاد کرده‌ایم. همانطور که مطلعید اخیراً آقای بازرگان و دیگر برادران نهضت آزادی مثل آقای یزدی، سحابی و صباغیان یک میتینگ در امجدیه برگزار کردند. در هفته پیش هم ضمن اینکه در میتینگ واقعاً جالب آقای بنی‌صدر شرکت کردیم، خودمان هم برادر مهندس بازرگان و رضا صدر را که اگر می‌گذاشتند تا حالا یک بازرگانی آزاد و پر رونق راه می‌نذاخت، به اصفهان فرستادیم. این روزها دیگر میزان فعالیت را زیاد کرده‌ایم و هر جا دستمان برسد، به کمونیست‌ها حمله می‌کنیم، به همه کسانی که می‌خواهند تجار را از ما بگیرند، زمینداران را با ما بد کنند و مملکت را به آشوب بکشند و خلاصه اسلام را از ما بگیرند سخت می‌تازیم. در این شرایط بحرانی جامعه، در شرایطی که صدام هم با حمایت روسیه و اقمارش به ایران حمله کرده، در شرایطی که بعضی‌ها می‌خواهند آن زرمه‌های شیطانی را عمل کنند، به نظر ما چاره کار این است که دولت جایش را به یک دولت معقول و میانه رو بدهد. دولتی که افراد متخصص و باتجربه و کاردان را هر سر کار بیاورد. تجار را تشویق کند، کارخانه‌داران را تشویق کند که چرخ‌های اقتصادی مملکت به حرکت بیفتند، جلوی پرروئی و زیاده‌طلبی کارگران را بگیرد. این بساط شوراپورا را برچیند و مدیریت اسلامی را جایگزین آن کند. دولتی که افراد خوشنامی چون برادر قطب‌زاده را به ریاست رادیو و تلویزیون بگمارد، آقای ایزدی را که از غم و غصه الان به آمریکا هجرت کرده. برگرداند و وزارت کشاورزی را تحت تصدی ایشان درآورد. آقای امیر انتظام را از اتهامات واهی که به او بسته‌اند تبرئه کند و وزارت خارجه را به ایشان بدهد. آقای نژی را برگرداند تا به‌اوضاع نفت سر و سامانی دهد. از برادر تیمسار مدنی دعوتی به عمل آورد که بیاید در ارتش حساب این هیئت‌های ایدئولوژیک - سیاسی و این انجمن‌های به اصطلاح اسلامی را برسد و یک ارتش حساب و کتاب‌دار درست کند. و خلاصه همه وطن پرستانی را که از ترس این ریشوهای کمونیست فراری شده‌اند، به ایران فراخواند. روابط تیره کشور را با جهان آزاد بهبود بخشد و خلاصه، انقلابی دیگر کند و شرایط را به حالت گذشته برگرداند. این برنامه ماست. امیدوارم سال جدید، سال ۶۰ طلوع‌این موفقیت‌ها باشد البته اگر این کمونیست‌ها و این جوانان جاهل بگذارند، اگر بگذارند ...

بقیه از صفحه ۱۷

## پیشرو ...

می‌رود که رزمندگان شهیر و پرافتخار "اراده خلق سابق (نارودنیاولیا) به‌وضوح ترسیم نموده‌اند "سنت‌های مجموعه جنبش انقلابی روسیه می‌طلبد که اینک سوسیال دموکراسی تمام نیروی خود را بر روی سازماندهی حزب بر روی تحکیم انضباط در حزب و بر روی تکمیل فنون پنهانکاری، متمرکز نماید. اگر اعضاء اراده خلق سابق با وجود اینکه این دلاوران معدود تنها از طرف قشر اجتماعی نازکی حمایت می‌شدند و با وجود اینکه برقرار این جنبش، پرچم یک تئوری انقلابی در اهتزاز نبود، قادر گردیدند یک چنین نقش عظیمی در تاریخ روسیه ایفا نمایند، آنگاه سوسیال دموکراسی که بر مبارزه طبقاتی پرولتاریا اتکاء دارد، قادر خواهد بود که شکست‌ناپذیر گردد." (۱۰)

### سنن انقلابی و سنن ارتجاعی

در برخورد با مسئله سنت‌ها آنچه که اهمیت فراوان دارد، تشخیص سنن انقلابی و توده‌ای یعنی مجموعه سنت‌هایی که در خدمت تحرک، بیداری و مبارزه طبقاتی توده‌ها هستند، از سنت‌های ارتجاعی، یعنی سنت‌هایی که به تخدیر، رکود و عقب ماندگی توده‌ها کمک می‌کند، می‌باشد. طبقات ارتجاعی و میرنده جامعه پیوسته سعی داشته‌اند که ضمن نابودی و یا تحریف سنن انقلابی و ستیزنده بر بستر فقر معنوی و جهل توده‌ها سنن مخدر و خرافه‌گانه پرستی را در میان توده‌ها شیوع دهند. حال آنکه توده‌های مردم پیوسته پاسدار سنن انقلابی و رزمنده بوده‌اند. برعهده پیشرو پرولتاریاست که تفاوت میان این دو نوع سنت و شیوه برخورد با هر یک و نیز رابطه سنت و نوآوری را برای طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جامعه توضیح دهند و با عمل خود به آنها یاد دهند که ضمن جنگیدن با خرافه‌گانه پرستی و سنن ارتجاعی و مخدر باید از همه سنن انقلابی و توده‌ای به عالی‌ترین شکل ممکن سود جست.

- (۱) لنین، علم انقلاب و روانشناسی اجتماعی، پورسلف - جلد اول ص ۱۶
- (۲) و (۳) فرهنگ فلسفی - روزنتال
- (۴) بازتاب کار و طبیعت در هنر - مقاله سنت و نوآوری - الکساندر میالینکف - ص ۱۱۱
- (۵) و (۶) ادبیات حزبی و نظریات لنین درباره ادبیات و هنر - ص ۶۸
- (۷) بازتاب کار و طبیعت در هنر ص ۱۲۰
- (۸) لنین، علم انقلاب و ... ص ۴۴
- (۹) و (۱۰) همانجا ص ۲۲ و ۱۹
- (۱۰) لنین، اعتراض به سوسیال دموکرات‌های روس (علیه گردو) ص ۱۷

برخیز که پانز بهساران رفته است  
شویش بلند جو بهساران رفته است  
با رود، سرود عاشقان برگویم  
در هر رگ برگ خون باران رفته است

### مروری کوتاه بر جنبش دهقانی

بقیه از صفحه ۷

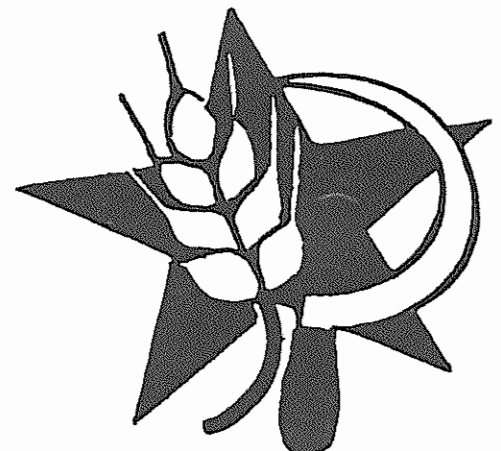
## از مصادره...

هیچگونه انطباقی با سطح مطالبات و مبارزات زحمتکشان روستا نداشت قانونی عوام‌فریبانه بود که با توجه به برآمد انقلابی توده‌های روستائی برای تطهیر اصلاحات ارضی شاه تدوین گردیده بود. این قانون که در ماده دوم آن چنین آمده بود:

"حقوق اشخاص بر اراضی دایر اعم از آنکه ناشی از احیاء اراضی، عقود، معاملات و انتقال و همچنین واگذاری خالصجات و املاک و یا تحت عنوان واگذاری اصلاحات ارضی باشد بر اساس قوانین موضوعه معتبر و لازم‌الرعایه است"

به صراحت تایید اصلاحات ارضی شاه بوده و بسیاری از زمینداران بزرگ را قادر می‌ساخت تا اراضی بسیار گسترده‌ای را که با نیرنگ و تقلب و تزویر متصرف شده بودند کماکان حفظ نمایند و توده‌های دهقانی را عملاً در مقابل زمینداران بزرگ خلع سلاح می‌نمود.

به‌وضوح مشخص است که این قانون و تدوین کنندگان آن که امروز "قاطعانه" در مقابل انقلاب ایستاده‌اند علاوه بر کوششی پیگیر در جهت حفظ منافع زمینداران بزرگ به‌گونه‌ای ارتجاعی استمرار بقایای شیوه تولید فئودالی را نیز از نظر دور نداشته‌اند و در مجموع برای حفظ وضع سابق از هیچ اقدامی حتی سرکوب، کشتار، زندان و تبعید روستاییان آبی به خود راه ندادند. آنان به همه آنچه گفته شده اکتفا نکردند و در مقابل تشکلهای انقلابی زحمتکشان روستاها دست به تشکل زمینداران بزرگ و فئودال‌ها زدند و در مقابل شوراها مردمی و انقلابی دهقانان زحمتکش روستاها "شورای کشاورزان" را ایجاد کردند. لایحه قانونی-تامین "شورای کشاورزان" که "علی‌محمدایزدی-جاسوس امپریالیسم آمریکا و وزیر کشاورزی کابینه، بازرگان به شورای انقلاب فرستاد و مورد تصویب آن نیز قرار گرفت، در واقع قانونیت‌بخشیدن به تشکل ضدانقلابی زمینداران و دامداران بزرگ (سران عشایر) بود که دولت موقت با پرداخت وام‌های بزرگ و حمایت همه‌جانبه، آنان را به چماقی بر علیه خواست‌های به حق دهقانان زحمتکش مبدل ساخته و به موازات اوجگیری



مبارزات توده‌های دهقانی بر علیه زمینداران بزرگ از این تشکل ضدانقلابی، کاروان‌هایی تشکیل می‌داد و به نزد مسئولین و روحانیت مبارز می‌فرستاد، تحصن می‌آفرید و انواع توطئه‌ها بر علیه انقلاب و زحمتکشان را سازمان می‌داد. دولت موقت در این راه حمایت روحانیون مرتجع را نیز کسب نمود و با انواع حیل‌ها و یا، طرح مسئله "شرعی بودن و غیر شرعی بودن

مطالبات زحمتکشان را محکوم می‌نمود و مهر سکوت بر لب‌های آنان می‌گذاشت.

این به اصطلاح "شورای کشاورزان" از آن تاریخ تاکنون کماکان به فعالیت‌های ضدانقلابی خویش ادامه داده و یکی از آن تشکلهای ارتجاعی است که به انواع و اقسام وسائل جهت لغو بند "ج" قانون اصلاحات ارضی کوشش نموده و هم اکنون آزادانه جهت مخدوش کردن لایحه قانونی واگذاری زمین به توطئه مشغول است.

به میزان رشد و گسترش و پیشرفت انقلاب و همزمان با اشغال لانه جاسوسی آمریکا و اوجگیری مبارزات ضدامپریالیستی توده‌ها سقوط دولت گام به گام، تصفیه لیبرال‌ها از ارگان‌های حکومتی مشخص‌تر شدن دوستان و دشمنان انقلاب و افشای لیبرال‌ها و روابط آنان با امپریالیسم آمریکا در

**● برچیدن بساط بزرگ - مالکان و فئودال‌ها از روستاهای کشور و اجرای بند "ج" زبان واحد همه دهقانان زحمتکش میهنمان است.**

بین نیروهای راستین و صادق به انقلاب در درون حاکمیت سمت‌گیری رادیکال و انقلابی بر علیه زمین‌داران بزرگ، فئودال‌ها و همگامی با مبارزات دهقانان زحمتکش افزایش یافت. و به موازات آن حرکات انقلابی توده‌های روستایی که مسلماً تحت تاثیر گسترش ابعاد مبارزه با امپریالیسم عناصر و عوامل آن رادروستاها یعنی زمینداران بزرگ و وابسته را مورد یورش و فشار بیشتری قرار داده بود، گسترش بیشتری پیدا کرد.

در این زمان از درون حاکمیت نیروهای همراه انقلاب لب به اعتراض و مخالفت گشودند و توده‌های روستایی را مورد حمایت قرار دادند. سپاه و جهاد در روستاها با روستاییان و نیروهای انقلابی هم‌آواز شدند و سیاست‌های ماشاات - جویانه درباره زمینداران بزرگ و فئودال‌ها را به باد انتقاد گرفتند. "رضاصفهانی" به معاونت وزارت کشاورزی انتخاب گردید. وی مخالفت و انتقاد از عملکردهای دولت موقت در مسائل ارضی و دهقانی را علنی ساخت و با اتکاء به حمایت توده‌های دهقانی و مرتبط ساختن مبارزه بر علیه زمینداری بزرگ و فئودالیسم، با اشغال لانه جاسوسی و در واقع اعتلای مبارزات ضدامپریالیستی توده‌های سرتاسر ایران آن را به پیش راند. او اعلام نمود:

"دولت موقت از تامین حداقل خواست‌های دهقانان که داشتن زمین است و واگذاری زمین به آنهاست خودداری کرد و به حمایت از فئودال‌ها پرداخت"

(روزنامه اطلاعات ۵۸/۱۱/۹)

"رضاصفهانی" بعد از چندی لایحه‌ای تحت عنوان "لایحه قانونی مربوط به واگذاری زمین به کشاورزان" را به شورای انقلاب برد که در تاریخ هشتم اسفندماه ۵۸ از تصویب شورای انقلاب گذشت این لایحه که در واقع علیرغم کم‌وکاست‌هایی که داشت لایحه‌ای انقلابی و مترقی بود و پاسخی نسبتاً مناسب به مطالبات و خواست‌های انقلابی دهقانان زحمتکش می‌داد، به دلیل برخورد ها و درگیری‌های درون حاکمیت و فشار لیبرال‌ها، زمینداران بزرگ و

فئودال‌ها و روحانیون مرتجع به اجرا درنیامد و بلافاصله در تاریخ یازدهم اسفندماه ۵۸ لایحه‌های بیست‌وهشتم اسفندماه ۵۸ لایحه‌های تازه‌ای که در آنها تزلزل و عقب‌نشینی‌هایی نسبت به لایحه مصوبه هشتم اسفندماه ۵۸ به ضرر توده‌های دهقانی به چشم می‌خورد به شورای انقلاب برده شد و مورد تصویب قرار گرفت، لیبرال‌ها و زمینداران بزرگ بلافاصله نسبت به آن موضع گرفته و به همراه عده‌ای از روحانیون مرتجع حامی خود برای جلوگیری از اجرای قوانین ذکر شده و کارشکنی در رابطه با آن، مسئله "غیر شرعی بودن آن را دستاویز نموده و به مخالفت علنی با لایحه پرداختند، تبلیغات وسیع آنان باعث گردید که آیت‌الله خمینی بررسی، رسیدگی و تصمیم‌گیری در مورد انطباق لایحه واگذاری با موازین شرعی را به کمیسیون مرکب از آیت‌الله منتظری، آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله بهشتی واگذار نماید.

کمیسیون مزبور لایحه را مورد بررسی قرار داده و بر مبنای آن لایحه دیگری که عمدتاً منافع دهقانان زحمتکش را مورد نظر داشت تنظیم و جهت تصویب به شورای انقلاب ارسال داشته و سرانجام در تاریخ بیست و ششم فروردین‌ماه ۵۹ لایحه مزبور مورد تصویب شورای انقلاب قرار گرفت. به این ترتیب طی این مدت متناسب با رشد مبارزات روستاییان و تغییر و تحولاتی که در حاکمیت به وقوع پیوست در زمینه واگذاری اراضی ۵ لایحه از تصویب شورای انقلاب گذشت که لایحه پنجم مصوبه بیست و ششم فروردین‌ماه ۵۹ که در مجموع بر خلاف لایحه دولت موقت مترقی و از لایحه مصوبه هشتم اسفندماه ۵۹ (معروف به طرح رضاصفهانی) محافظه‌کارانه‌تر است پذیرفته و آیین‌نامه اجرای آن هم تدوین گردیده و هم اکنون در دستور قرار دارد.

آیین‌نامه اجرایی لایحه مصوبه بیست و ششم فروردین‌ماه ۵۹ که از خود لایحه به میزان بیشتری در عمل منافع دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین را در نظر دارد اجرای قانون واگذاری زمین را به عهده ستاد واگذاری زمین که از نماینده



تام‌الاختیار حاکم شرع و ولی‌امر و نمایندگان جهاد سازندگی، وزارت کشاورزی، وزارت کشور و وزارت دادگستری تشکیل گردیده قرار داد و ستاد مرکزی واگذاری زمین نیز هیئت‌های هفت نفره را که شامل دو نماینده از وزارت کشاورزی یک نماینده از جهاد سازندگی، یک نماینده از وزارت کشور، یک نفر نماینده حاکم شرع و ولی امر و دونفر عضو متغیر که بنا به تصریح آیین‌نامه باید: "نمایندگان مورد اعتماد اهالی باشند که بهتر است از کشاورزان بی‌زمین و کم‌زمین بوده و پس از تایید حاکم شرع معرفی گردند" تشکیل می‌دهد.

با تشکیل و آغاز کار هیئت‌های هفت نفره در روستاها که از خرداد و تیرماه ۱۳۵۹ شروع گردید گام‌هایی جدی در جهت واگذاری

### مروری کوتاه بر جنبش دهقانی

## از مصادره... بقیه از صفحه ۱۹

زمین‌های زمینداران بزرگ و فئودال‌ها به دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین برداشته شد و سمت‌گیری نوینی در جهت پاسخگویی به خواست و مطالبات بر حق دهقانان زحمتکش بوجود آمد. هیئت‌های هفت نفره بر اثر عملکرد رادیکال و انقلابی خود یکپارچه مورد حمایت روستاییان قرار گرفتند و با دلسوزی و پندآموزی از خطاهای گذشته مسئولین در حد توان خویش با درک ضرورت مبارزه پیگیر با زمینداران بزرگ و حامیان آنها به فعالیت پرداختند. هیئت‌های هفت نفره که عمدتاً از جوانان و مبارزین صادق تشکیل گردیده‌اند در ضمن فعالیت‌های خستگی‌ناپذیرشان با موانعی از درون و بیرون مواجه گردیدند. اختیارات فوق‌العاده‌ای که لایحه واگذاری مصوبه بسیت و ششم فروردین ماه ۵۹ و آیین‌نامه اجرایی آن برای حاکم شرع در نظر گرفته‌اند اختیاراتی که شامل تشخیص مشروع و یا غیر مشروع بودن مالکیت بزرگ برای تقسیم آن بین دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و تأیید انتخاب ۲ عضو متغیر هیئت‌های هفت نفره یعنی نمایندگان دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین می‌باشد در بسیاری موارد سبب گردیده است که هیئت‌های هفت نفره عملاً در جهت نظریات حاکم شرع که با توجه به وابستگی‌های سیاسی و اجتماعی وی در هر منطقه جهت مشخصی به خود می‌گیرد عمل نمایند و از میزان اتکاء هرچه بیشتر شیوه عمل هیئت‌های هفت نفره به زحمتکشان بی‌زمین و کم‌زمین یعنی در واقع به توده‌های روستایی بکاهد و در واقع از خصلت دموکراتیک اجرای طرح کاسته شود. و علاوه بر این، رادیکالیسم اقشار پایینی روستاها در شیوه اجرای آن انعکاس کمرنگ‌تری یابد.

در برخی موارد نیز دیده شده است که بعضی کارشکنی‌های حاکم شرع و نماینده وی که عمدتاً به دلیل حمایت از زمینداران بزرگ و در مخالفت با دهقانان زحمتکش و باروحانیت مبارز به صورت عدم شرکت آنها در هیئت‌های هفت نفره واگذاری زمین نمایان گردیده مانعی در جهت واگذاری اراضی و پیشبرد آن شده و فعالیت هیئت‌های هفت نفره را مختل ساخته است. در مواردی نیز برخی شتابزدگی‌ها و اشتباهات در رابطه و ضبط و تقسیم اراضی دهقانان میانه حال بدون توجه به سمت و سوی تضاد عمده در درون روستاها نیز از هیئت‌های هفت نفره سرزده است که باعث محکوم کردن کل فعالیت انقلابی آنها توسط لیبرال‌ها و فرصت‌طلبان گردیده است.

از طرف دیگر چون هیئت‌های هفت نفره از آغاز فعالیتشان تاکنون علیرغم کمی‌تجربه مشکلات و ناهماهنگی‌های موجود در کل حاکمیت، نحوه برداشت آنان از لایحه واگذاری زمین همگام با دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین در روستاها در جهت تلاشی زمینداران بزرگ سمت‌گیری قاطع نموده و اقداماتی رادیکال و انقلابی انجام داده. و موضع اصولی داشته‌اند همواره خشم و کینه لیبرال‌ها، زمینداران بزرگ و فئودال‌ها و روحانیون حامی آنان را برانگیخته و به شیوه‌های گوناگون سعی کرده‌اند که اقدامات مترقیانه این هیئت‌ها را محکوم سازند. کارشکنی‌ها، توطئه‌های ترور و سایر جنایات این عوامل امپریالیسم خود نمونه کوچکی از سمت‌گیری انقلابی هیئت‌های مزبور است. و

اعتماد و اعتقاد و حمایت توده‌های میلیونی روستاها از اقدامات مترقیانه آنها بدون شک عامل پیروزی آنان در اجرای کامل لایحه واگذاری زمین خواهد بود.

لایحه مورد بحث که مشخصاً مبارزه با "بزرگ مالکی و فئودالیسم" را که در واقع یکی از عمده‌ترین پایگاه اجتماعی ضدانقلاب است در دستور قرار داده است در موقع اجرا بدیهی بود که خشم و کینه ضدانقلاب را برخواهد افروخت و این چنین نیز گردید و در شرایط حساس که خلق میهن ما یکپارچه و متحد بر علیه تجاوزات آمریکا - صدام به‌پا خواسته است موقع را مغتنم شمرده و با دگرگون جلوه دادن واقعیات مانع اجرای بند "ج" یعنی اصلی‌ترین قسمت لایحه شدند و عملاً دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین را دلسرد کرده و به اعتراض کشانیدند و علیرغم اینکه تاکنون از طرف مقامات مسئول اقدامی جدی در جهت اجرای بند "ج" انجام

نپذیرفته است ولی گسترش و اوج‌گیری مبارزات زحمتکشان و دهقانان روستایی به گرد خواست قاطع اجرای بند "ج" یعنی برچیدن بساط بزرگ مالکان و فئودال‌ها از روستاهای کشور به جنبشی عظیم مبدل شد و به‌زبان واحد همه دهقانان زحمتکش از شمال تا جنوب و از

شرق تا غرب کشور بدل گردید. و جنبش دهقانی اعتلای تازه‌ای یافت. شکل مجدد و پیشرفته روستائیان حول این خواست مبرم و حیاتی و همکاری و هماهنگی نیروهای انقلابی و ارگان‌های انقلاب با آنها بخصوص نقش قابل تأکید هیئت‌های هفت نفره عرصه مبارزه طبقاتی را در درون روستاها از گسترش چشم‌گیری برخوردار نمود که به جرات می‌توان گفت در تاریخ مبارزات دهقانی ایران بی‌سابقه است. آگاهی و درک توده‌های دهقانی در شناخت مشترک و واحد از دشمن طبقاتی خویش و رشد و گسترش شکل‌پذیری آنها که در اقدامات مشترک آنان علیه زمینداران بزرگ و مجبور کردن مسئولین به اجرای بدون وقفه و بی‌چون و چرای بند "ج" متجلی گردیده است، نمایانگر آینده‌ای امیدبخش برای انقلاب ایران است و مسلماً هیچ‌گاه دیگر اجازه نخواهد داد که بساط زور و استثمار زمینداران بزرگ بر روستاهای میهن ما سایه افکند.

ارگان‌های مسئول و هیئت‌های هفت نفره باید بیاموزند که این شرکت فعال و نظارت توده‌ها و دخالت همه‌جانبه آنان در امورشان است که یگانه ضامن و عامل پیروزی انقلاب و ایستادگی قاطع و همه‌جانبه در مقابل توطئه‌ها و دسائس دشمنان رنگارنگ انقلاب است. توجه به این امر مهم که شرکت فعال و نظارت روستاییان در امر اجرای لایحه واگذاری زمین، دخالت همه‌جانبه شور و مشورت و استفاده از تجربیات آنان در امور مربوط ضمن گسترش خصلت دموکراتیک انقلاب و تعمیق هرچه بیشتر آن، زمینه هرگونه مخالفت از طرف زمینداران بزرگ و فئودال‌ها و سایر نیروهای هم‌تراز آنها را از بین خواهد برد و نیروی توده‌ها را به اهرمی قدرت‌مند جهت مقابله با توطئه‌های امپریالیسم و عوامل گوناگون آن مبدل خواهد ساخت در سرار زشمندی است که از جنبش دهقانی ایران باید آموخته.

امروز علیرغم گسترش اعتراضات توده‌های میلیونی دهقانان زحمتکش، اجرای بند "ج"

کماکان معلق مانده است. ارگان‌های انقلاب و مسئولین دولتی باید توجه داشته باشند که شناسایی رسمی و تقویت تشکلهای دهقانی و اتحاد سیاست‌ها ی اصولی جهت گسترش مبارزات دهقانان علیه فئودال‌ها و زمینداران بزرگ انقلاب را از پشتوانه بزرگی برخوردار خواهد ساخت و این نیروها را قادر خواهد ساخت که مخالفت و دشمنی فئودال‌ها و زمینداران بزرگ را درهم کوبند و مشکلات اجرای امر اصلاحات ارضی را که بدون شک فراوان خواهد بود از میان بردارند و مسائل متنوع امر تولید را به پیش رانند.

مسئولین باید توجه داشته باشند که اجرای کامل و همه‌جانبه اصلاحات ارضی دموکراتیک با تکیه بر نیروی زحمتکشان و دهقانان روستاها برخلاف تبلیغات زمینداران بزرگ و عوامل آنها نه تنها در بلند مدت هیچگونه کاهش در تولید بوجود نخواهد آورد، بلکه در صورت برنامه‌ریزی دقیق افزایش سریع تولید را نیز به‌همراه خواهد داشت. مسلماً امر واگذاری زمین حتی اگر در کوتاه مدت با کاستی‌هایی در تولید همراه باشد باید با قاطعیت ادامه یابد. زیرا پایین آمدن مقدار تولید غالباً در جریان اصلاحات ارضی که تغییر و تحولی بنیانی در سازمان تولید را به همراه دارد امری عادی است که تنها با سرعت بخشیدن به آن و با بسیج و تشکل زحمتکشان و استفاده بجا و به‌مورد از کلیه نیروهای جامعه می‌توان با آن مقابله نمود. به‌علاوه نباید تصور شود که اصلاحات ارضی تنها به معنای مصادره و تقسیم و واگذاری آن بین دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین است. تشکیل واحدهای بهره‌برداری مناسب و سازمان دادن تولید با توجه و تأکید بر ویژگی‌های کشت و سازمان تولید سنتی موجود در هر منطقه، تأمین و تشکیل تعاونی‌های تولید و توزیع و موسسات خدماتی و اعتباری مناسب جهت تأمین وسایل تولید، کود، بذر، وام و اتخاذ تدابیر لازم جهت بالابردن سطح دانش و مهارت روستاییان برای کاربرد اصولی و طبق ضابطه ماشین‌آلات و تکنولوژی کشاورزی نیز از ضروریات حتمی است.

بدون شک مبارزات پیگیر و اوج‌یابنده دهقانان زحمتکش، دشمنان انقلاب و مخالفان اجرای بند "ج" را درهم خواهد شکست مماشات با زمینداران بزرگ و فئودال‌ها پشت کردن به خواست دهقانان و نادیده گرفتن مصالح انقلاب است و منشاء ضربات سختی به انقلاب مردم ماست.



**دهقانان زحمتکش**  
**با افزایش تولیدات خود کسزارها**  
**را به سگری دیگر**  
**علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم**  
**جنایتکار صدام تبدیل کنند**

**تاخیر در اجرای بند (ج) طرح**  
**اصلاحات ارضی**  
**به نفع دشمنان انقلاب است**

### در آستانه نوروز گرامی همچنان بردوش زحمتکشان سنگینی می‌کند!

# نوروز زحمتکشان

## و چپساول سرمایه داران

● با فرارسیدن نوروز گرانی توانفرسای هزینه زندگی بیش از هر موقع دیگر در برابر مردم قد علم کرده و چنگالش را بر گلوگاه میلیون‌ها زحمتکش کم‌درآمد، بیکار و جنگ‌زده فرو برده است.

تجار سرمایه‌دار، محترکین و واسطه‌ها که کیسه‌های گشادی برای این فرصت مناسب دوخته بودند جشن نوروز زحمتکشان را با سنگینی بیشتر هزینه زندگی همراه ساختند. در واقع توده‌های مردم که خود میراث‌دار و حافظ سنت‌های اجتماعی‌اند، به خاطر پاسداری از سنن خود، بازهم در معرض غارت و چپاول بیشتری قرار گرفتند.

قیمت‌های زیر که در آن بهای چندقلم از اجناس مورد نیاز نوروز خانواده‌های کم‌درآمد درج شده است، نشان می‌دهد که قیمت‌ها بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ درصد افزایش یافته است.

بطور مثال "نقل" که معمولترین شیرینی خانواده‌های کم‌درآمد در ایام نوروز است، از هر کیلو ۴۰ تا ۵۰ ریال در سال گذشته به ۲۰۰ ریال یعنی حدود ۴۰۰ درصد افزایش قیمت داشته است.

نان شیرینی معمولی از کیلویی ۱۰۰ - ۸۰ ریال به ۲۰۰ - ۱۸۰ ریال، برتقال معمولی از ۵۰ - ۴۰ ریال به ۱۵۰۰ - ۱۲۰۰ ریال و پارچه چیت که عمدتاً مورد نیاز خانواده‌های وسیع زحمتکش است ۱۴۰ درصد افزایش قیمت داشته است.

این افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها بدرستی نشان می‌دهد که سال نو همچنان سال شادی و عید! بازاریان سرمایه‌دار، محترکین و دلالان غارتگر است.

سرمایه‌داران و ثروتمندان و کسانی که با بی‌تفاوتی در قبال مسائل جنگ، گرانی، بیکاری و تمامی معضلات اجتماعی برای گذراندن ایام نوروز همراه با عشرت و خوشی، با سفر بسته‌اند.

در گفتگویی که با مردم کوچه و بازار داشتیم، در کنار تمامی مشقات و فشارهای زندگی که بیان می‌داشتند، یک چیز جلب نظر می‌کرد و آن امید به انقلاب و باوری بود که نسبت به برطرف شدن تمامی مصائب و مشکلات خود داشتند. در حوالی پارک شهر وقتی با پیرمردی در مورد همین گرانی و آمدن نوروز صحبت می‌کردیم

می‌گفت: "با این اوضاع و احوال چه کسی به فکر نوروز است حالا که این صدام جنایتکار همه را عزادار کرده است، بگذارید ببینیم آخر و عاقبت جنگ به کجا می‌کشد. فعلاً باید این صدام تجاوزگر را از خاکمان بیرون کنیم، بعد نوبت به چیزهای دیگر هم می‌رسد."

در بازار بزازها، وقتی با باربری که سر یکی از گذرها روی چرخ‌دستی خالی‌اش نشسته بود، صحبت کردیم می‌گفت:

"ما فقیرفرا، هیچوقت عید نداشتیم، حالا هم نداریم. بعد دکان‌های دورو بر را نشان داد و گفت:

"امسال هم مثل همه سال‌های دیگر، عیدمال این تاجرهای گردن‌کلفت بازار است. این تاجرهایی که انبارشان لیبالب از جنس است حالا هم که با این گرانی هر روز، عید این تاجرهاست."

امسال بازار شور و حال روزهای نزدیک عید سال‌های گذشته را ندارد. مرد باربر می‌گفت:

"امسال مردم برای خرید عید بیرون نیامدند. وضع ما هم زیاد خوب نیست باروزی ۶۰ تومان درآمد کجا می‌توانم ۷۰ تومن پول یک کیلو تخمه بدهم؟ آدم‌هایی مثل ما امسال هم نمی‌توانند

زیاد به فکر شب عید باشند. مردم روزگار سختی دارند، به زحمت می‌توانند شبشان را بدست بیاورند و شکم زن و بچه‌شان را سیر کنند.

مرد باربر می‌گفت: "حالا که داریم تحمل می‌کنیم، منتظریم ببینیم، دولت بالاخره چکار می‌خواهد بکند. اینها هم که هیچ معلوم نیست چه برنامه‌ای دارند. حالا که به جان هم افتاده‌اند!"

### تمام شدن جنگ خودش يك عيد است

در میدان مولوی، زن دست‌فروشی که مقداری لباس کهنه جلوی رخیخته و داشت آنها را وصله، پینه می‌کرد می‌گفت:

"این دم عیدی در خجالت بچه‌هایم مانده‌ام. یک جفت کفش ناقابل هم نمی‌توانم برایشان بخرم. بعد در حالی که اشک چشمش را پاک می‌کرد می‌گفت:

"یک پسر هم رفته جبهه همه حواسم دنبال او نه، با این همه شهیدی که به خاطر جنگ دادیم، دیگر عیدی برایمان باقی نمی‌ماند. خدا کند این جنگ هرچه زودتر تمام بشود. تمام شدن جنگ برای مردمی مثل ما خودش

یک عید بزرگی است" در یکی از پیاده‌روهای میدان شوش مرد کارگری که قبلاً در پلاستیک سازی کار می‌کرده و حالا به خاطر تعطیل شدن کارگاه‌شان بیکار شده بود می‌گفت:

"والله خودم هم مات و متحیر مانده‌ام چکار کنم از صبح می‌آیم، اینجا بیکار می‌نشینم تا غروب، الان مدت‌هاست که از کار بیکار شده‌ام. از بس دست خالی به خانه رفته‌ام از روی زن و بچه‌ام خجالت می‌کشم بالاخره این عید هم مثل همه روزهای دیگر، پیش زن و بچه‌مان با خجالت می‌گذرانیم تا ببینیم بعد چه می‌شود! شاید وضع درست بشود، ماهم یک کاری پیدا کنیم."

مردی دستفروش که در میدان شوش کنار خیابان کفش‌های پلاستیکی می‌فروخت می‌گفت:

"امسال از فروش خبری نیست کسی برای خرید نمی‌آید یک هفته است این کفش‌ها را آورده‌ام مانده است روی دستم مردم چه تقصیری دارند! با این گرانی با این جنگ و آوارگی چه کسی حال و حوصله خرید عید را دارد. انشاءالله جنگ تمام می‌شود و دولت هم جلوی این تاجرها و سرمایه‌دارها را می‌گیرد و کارها را درست می‌کند همیشه که اینطور نمی‌ماند."

در این جدول افزایش قیمت اجناسی که مورد نیاز زحمتکشان در ایام نوروز است، ارائه شده است:

نوع جنس	نرخ سال پیش به ریال	نرخ امسال به ریال	موسط درصد افزایش نسبت به سال پیش
نان شیرینی معمولی (کیلو)	۸۰-۱۰۰	۱۸۰-۲۰۰	۱۲۰%
شکلات معمولی	۷۰-۱۰۰	۲۵۰-۲۶۰	۳۵۰%
نقل	۴۰-۵۰	۲۰۰-۲۵۰	۴۰۰%
برتقال معمولی	۴۰-۵۰	۱۲۰-۱۵۰	۲۰۰%
سیب معمولی	۴۰-۵۰	۸۰-۱۰۰	۱۰۰%
کفش بچگانه پلاستیکی	۱۰۰-۱۵۰	۲۰۰-۲۵۰	۱۰۰%
جوراب بچگانه معمولی	۲۰-۲۵	۵۰-۶۰	۱۵۰%
کفش مردانه تخت پلاستیکی	۵۰-۶۰	۱۶۰-۱۸۰	۲۰۰%
چیت (یک متر)	۵۰-۷۰	۱۲۰-۱۵۰	۱۴۰%
پارچه معمولی کت وشلواری (یک متر)	۵۰-۵۵	۱۱۰-۱۲۰	۱۲۰%
یک دست کت وشلواری بچگانه معمولی	۹۰-۱۰۰	۱۸۰-۲۰۰	۱۰۰%
یک دست کت وشلواری مردانه درجه ۳	۱۵۰-۲۰۰	۳۰۰-۳۵۰	۱۰۰%
یک عدد دزدبیراهن مردانه معمولی	۱۵۰-۱۷۰	۲۵۰-۲۸۰	۶۶%
یک عدد دزدبیراهن مردانه بازاری دورکنارخیابان	۳۵۰-۴۵۰	۷۰۰-۷۵۰	۱۰۰%
یک جفت جوراب مردانه معمولی	۵۰-۶۰	۱۰۰-۱۲۰	۱۰۰%

درد دل‌های مردم در مورد گرانی تنها به ایام نوروز خلاصه نمی‌شود.

گرانی و کمبود از بزرگترین مشکل هر روز و هر ساعت زندگی مردم است. دشمنان داخلی و خارجی انقلاب، از ناپیگیری و بی‌برنامگی دولت بیشترین بهره را می‌گیرند آنان که واردات بسیاری از کالاهای مورد نیاز مردم را در انحصار خود دارند با احتکار اجناس و سپردن آنها به دست دلالان و واسطه‌ها با هر نرخی که بخواهند اجناس را به بازار عرضه می‌کنند. امپریالیسم، به همراه دوستان و جاسوسانش توطئه‌های اقتصادی - سیاسی خود را با اتکاء به وابستگی اقتصاد ایران به بازارهای سرمایه‌داری جهانی، تدارک می‌بیند. این توطئه‌ها را که چون حلقه‌های زنجیر به هم مربوط اند می‌توان با ملی کردن تجارت خارجی، مبارزه قاطع با سرمایه‌داران و تاجار بزرگ، ایجاد سیستم صحیح توزیع و کنترل قیمت‌ها، خنثی کرد. با اینکه قانون اساسی این راه‌حل‌ها را پیش‌بینی کرده و نیروهای مترقی نیز از نخستین روزهای تشکیل جمهوری اسلامی بر این اصول پای فشرده‌اند و دولت نیز قول اجرای آن را داده است متأسفانه تاکنون اقدام قاطعی انجام نگرفته است. این روزها بیش از هر زمان دیگر ضرورت اجرای این اصول احساس می‌شود، به‌ویژه آنکه وقتی قیمتی بالا رفت مشکل می‌توان آن را پایین آورد و به این ترتیب بعد از عید نیز شاهد افزایش (و یا حداقل ثابت ماندن قیمت‌هایی که شب عید افزایش یافته‌اند، خواهیم بود.

با نگاهی به تفاوت قیمت اجناسی که در فروشگاه‌های دولتی و خصوصی عرضه می‌شود، می‌توان تفاوت بین این دو نوع سیستم توزیع را دریافت. این تفاوت‌ها که بسیار چشمگیر است در شرایطی است که هنوز سیستم توزیع دولتی نیز با نارسایی‌ها و مشکلاتی روبرو است که در صورت ملی کردن تجارت خارجی و تجدیدنظر در شبکه توزیع بسیار بارزتر خواهد شد.

تنها با قطع دست‌های ویرانگر سرمایه‌داران چپاولگر از اقتصاد کشور است که جشن و عید واقعی و شادی زحمتکشان طلوع می‌کند.

## « بیان نصف حقیقت ، بزرگترین دروغ هاست ! »

در اوضاع و احوال پیچیده کنونی هشدار به " مردم " برای " استقامت " بدون اینکه روشن شود مقصود از " مردم " کیانند و از " استقامت " منظور " استقامت " کی در مقابل کی است تنها بیان " نصف حقیقت " است .

ما باید به مردم حقیقت را بگوییم . نصف حقیقت بزرگترین دروغ هاست " این جمله‌ای بود که آقای " بنی صدر " رئیس جمهوری در سخنرانی ۱۷ شهریور خود در خطابی غیر مستقیم به نیروهای " خط امام " ادا کردند . این حقیقتی است که باید به مردم تمام حقیقت را گفت و بیان نصف حقیقت بزرگترین دروغ هاست زیرا این کار به خاطر کتمان حقیقت است . و ما نیز بارها و بارها از شخصیت‌ها و مسئولین جمهوری اسلامی خواستهایم تا چنین کنند و به جای تحریف ، دروغ ، سانسور و بیان " نصف حقیقت " صریحا حقایق را برای مردم بازگو کنند متأسفانه از همان روزهای بعد از قیام کم نبوده‌اند مسئولین و دولتمردانی که در خط عمومی انقلاب قرار داشته‌اند ، لکن به دلایل و توجیهات گوناگون به شیوه مذموم و ناپسند به کتمان حقایق پرداخته و از این طریق ضربات جبران ناپذیری بر روند تعمیق انقلاب و اتحاد نیروهای مردمی و ضدامپریالیست در مبارزه ضدامپریالیستی وارد آورده‌اند این امکان همیشه وجود دارد که با تحریف ، دروغ ، سانسور و بیان " نصف حقیقت " مردم را برای مدتی فریفت و به این یا آن مقصود رسید ، لیکن تجربه کرارا اثبات نموده است که سرانجام تمام حقیقت برای مردم آشکار می‌شود . توده‌ها به تمامی حقیقت پی می‌برند و تاریخ نیز بیاد ندارد که دروغگویان و عوام‌فریبان توانسته باشند در مقابل خشم و عصیان سرخ توده‌های مردم تحمل بیاورند و درهم نشکنند . ما به گفته آقای " بنی صدر " چیزی اضافه نمی‌کنیم اما مایلیم که اندکی

تامل کنیم و در آغاز سال جدید کارنامه خود آقای رئیس جمهور را بررسی کنیم تا ببینیم ایشان ، خود تا چه حد به این اصل پای بند بوده‌اند و آیا به جای نصف حقیقت تمام حقیقت را " به مردم " گفته‌اند ؟

ما باید به مردم حقیقت را بگوییم . نصف حقیقت بزرگترین دروغ هاست " این جمله‌ای بود که آقای " بنی صدر " رئیس جمهوری در سخنرانی ۱۷ شهریور خود در خطابی غیر مستقیم به نیروهای " خط امام " ادا کردند . این حقیقتی است که باید به مردم تمام حقیقت را گفت و بیان نصف حقیقت بزرگترین دروغ هاست زیرا این کار به خاطر کتمان حقیقت است . و ما نیز بارها و بارها از شخصیت‌ها و مسئولین جمهوری اسلامی خواستهایم تا چنین کنند و به جای تحریف ، دروغ ، سانسور و بیان " نصف حقیقت " صریحا حقایق را برای مردم بازگو کنند متأسفانه از همان روزهای بعد از قیام کم نبوده‌اند مسئولین و دولتمردانی که در خط عمومی انقلاب قرار داشته‌اند ، لکن به دلایل و توجیهات گوناگون به شیوه مذموم و ناپسند به کتمان حقایق پرداخته و از این طریق ضربات جبران ناپذیری بر روند تعمیق انقلاب و اتحاد نیروهای مردمی و ضدامپریالیست در مبارزه ضدامپریالیستی وارد آورده‌اند این امکان همیشه وجود دارد که با تحریف ، دروغ ، سانسور و بیان " نصف حقیقت " مردم را برای مدتی فریفت و به این یا آن مقصود رسید ، لیکن تجربه کرارا اثبات نموده است که سرانجام تمام حقیقت برای مردم آشکار می‌شود . توده‌ها به تمامی حقیقت پی می‌برند و تاریخ نیز بیاد ندارد که دروغگویان و عوام‌فریبان توانسته باشند در مقابل خشم و عصیان سرخ توده‌های مردم تحمل بیاورند و درهم نشکنند . ما به گفته آقای " بنی صدر " چیزی اضافه نمی‌کنیم اما مایلیم که اندکی

در گفتارها و نوشته‌های مختلف و به ویژه در چند ماه اخیر ، یعنی در اوج تهاجم گسترده رژیم صدام حسین به خاک کشور ما ، یک مسئله بطور پیگیر توسط آقای " بنی صدر " دنبال شده است لزوم استقامت و نامیدن سالی که در پیش داریم به سال استقامت ؛

" ما امسال در اولین روز سال دوم ریاست جمهوری می‌خواهیم با کلمه استقامت دوران تازه‌ای را ملت ما شروع کند . "

آقای " بنی صدر " همچنین خطراتی که بی‌توجهی به این امر دنبال خواهد داشت را کرارا گوشزد کرده‌اند :

" مردم ! اگر امروز لاقید بمانید و استقامت نکنید ، فردا دیر خواهد شد امسال سال استقامت است نگذارید فساد و تباهی و خطرهای سقوط آور بزرگ و بزرگتر بشوند و موجودیت کشور و انقلاب را تهدید کنند . "

در یک کلام استقامت محور تمامی سخنان ، مصاحبه‌ها و نوشته‌های اخیر آقای " بنی صدر " شده است . البته در اوضاع و احوال کنونی و در شرایط بسیار پرمخاطره و حساسی که جمهوری اسلامی در آن قرار گرفته است ، بدرستی امسال باید سال استقامت نام گیرد و تا آنجا که به طرح بدون وقفه ، دائمی و همیشگی

استقامت ، لزوم استقامت و سال استقامت مربوط است حق با ریاست جمهوری است مرگ نهایی ضدانقلاب جان سخت ، در چهره و اشکال گوناگونش توسط انقلاب و برعکس عقبراندن تدریجی و یا ضربه ناگهانی به انقلاب و نیروهای مردمی و ضدامپریالیست توسط جنبه ضدانقلاب ، بستگی به توان و میزان استقامت و شدت تهاجم هر کدام از این دو جنبه دارد .

امادر اوضاع و احوال پیچیده کنونی هشدار به " مردم " برای " استقامت " بدون اینکه روشن شود مقصود از " مردم " کیانند و از " استقامت " منظور " استقامت " کی در مقابل کیست تنها بیان " نصف حقیقت " است .

امروز شدیدترین و در عین حال حساس‌ترین نبرد بین " مردم " روستاهای ایران ( بین دهقانان و بزرگ مالکین ) بر سر بند " ج " در جریان است .

ما هیچگاه از آقای بنی صدر و امثالهم با دیدگاه‌های خاصشان انتظار نداریم که به نقش پراهمیت اردوگاه سوسیالیسم در حمایت از انقلابات رهائی بخش پی ببرند .

زحمتکشان شهر و روستا از آن " مردم " مفت‌خوری که در بازار به اختکار مشغولند جانشان به لب آمده است . کارگر زحمتکش از بورژوازی لیبرال و به عبارت کلی فریاد خلق زحمتکش و ستم‌دیده از امپریالیسم و نیروهای هوادار و دوستدار امپریالیسم به فغان رسیده است .

" نصف دیگر حقیقت " که آقای " بنی صدر " کمتر تمایل دارند آن را به " مردم " بگویند روشن ساختن این مطلب است که ایشان در این جنبه‌بندی عملاً موجود کجا

قرار دارند و خواهان استقامت کدام یک از این دو جنبه علیه تهاجم دیگری است . متأسفانه آقای رئیس جمهوری نه تنها برای برطرف ساختن این ابهام در موقعیت‌های متعددی که داشته است کوششی نکرده ، بلکه گفته‌ها ، نوشته‌ها ، و سخنرانی‌های ایشان که قاعدتا باید ضدانقلاب را به وحشت بیاندازد ، مورد استقبال شدید این محافل قرار گرفته است . ضدانقلاب متواری ، بورژوازی لیبرال ملاکین ، تجار محترک و دیگر رانده‌شدگان از انقلاب و منحرفین نه تنها از سخنان آتشین آقای رئیس جمهور خطاب به " مردم " پیرامون لزوم استقامت در مقابل " خطرهای بزرگ پی‌درپی " جنگ و ناامنی " و " فساد و تباهی و خطرهای سقوط آور " رنجیده خاطر نشده‌اند و بدون سوراخ‌هایشان نخزیده‌اند ، بلکه تمامی شواهد و قرائن نشان می‌دهد که آنها وسیعا

ما هیچگاه از آقای بنی صدر و امثالهم با دیدگاه‌های خاصشان انتظار نداریم که به نقش پراهمیت اردوگاه سوسیالیسم در حمایت از انقلابات رهائی بخش پی ببرند .

از سال استقامت آقای " بنی صدر " استقبال می‌کنند آن را تبلیغ می‌کنند ، در نشریات و سخنان و رادیوهای خود آن را منعکس می‌سازند و به تدریج برای خود حقی قائل شده‌اند حق استقامت در قبال تعمیق و پیشروی انقلاب وجود وی ( آقای بنی صدر ) جهت اولین مرحله انتقالی به یک حکومت جدید دموکراتیک ضروری است . به نفع روحانیون است ، که به جای تولید دردسر به نفع بنی صدر کنار روند . "

این گفته بنی‌احمدنماینده مجلس آریامهری ، که فعلا در

اروپا به همگون ساختن فعالیت خود با " بختیار " " اویسی " " مدنی " ، " تزیه امینی " ... مشغول است و نیز نشریات اعلامیه‌های لیبرال‌ها ، تجار و سخنان عشاير مبنی بر اینکه " اگر آقای بنی صدر ... " همگی بر این نکته دلالت دارند که آقای بنی صدر در گفتار خود یا به نصف حقیقت " به دلیل و تحت هر توجیهی فعلا بسنده کرده است و یا اینکه " مردم " از دیدگاه ایشان دیگر نه مدافعین انقلاب و جمهوری اسلامی که آن عده‌ای هستند که قصد براندازی جمهوری و استقرار نظم کهن را دارند بی‌توجهی رئیس جمهور به این مسئله مسلما عواقب خطرناکتری برای جمهوری اسلامی و موقعیت مشخص ایشان به دنبال خواهد داشت . سلب مسئولیت غیر مستقیم آقای " بنی صدر " از اقدامات خرابکارانه باند‌هایی در درون روزنامه انقلاب اسلامی و دفتر هماهنگی در سال گذشته ، درجه قدرت‌گیری عناصر مشکوک و نفوذ آنها را در ارگان‌های نزدیک و حتی وابسته به ریاست جمهوری نشان میدهد . در عوض زحمتکشانی که قاعدتا باید بار اصلی و نیروی تعیین کننده سال استقامت ریاست جمهوری باشند در دفعات مختلف در مبارزه‌شان با ضدانقلاب از طرف ریاست جمهوری تنها گذاشته شده‌اند در این نمونه‌ها ریاست جمهوری اگرچه نه صریحا اما با سکوت تایید آمیز گاه یا طرح مطالب غیرواقعی و گاه یا مخالفت صریح به تضعیف نیروی استقامت جنبه خلق در مقابل ضدخلق پرداخته است و آب به آسیاب امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا ریخته است . اگر بی‌توجهی به مشکلات انقلاب باعث بیان " نصف حقیقت " توسط ایشان باشد قاعدتا ذکر چند نمونه باید کافی باشد . تا ایشان " تمام حقیقت را به مردم " بگویند !

بقیه در صفحه ۲۳

## بیان نصف حقیقت... بسمه از صفحه ۲۲

نمونه اول: مسئله‌ای به نام مسئله زمین

کمیتر کسی است که از مبارزه شدید و حق طلبانه دهقانان، یعنی بخش عظیمی از نیروی انقلاب ایران با فئودالها و زمینداران مفتخور بر مسئله زمین بی‌خبر باشد. این مبارزه امروز به اوج خود رسیده است و به حق می‌توان ادعا نمود که دو جبهه کامل از انقلاب و ضد - انقلاب در این عرصه از مبارزه شکل گرفت است. اینکه انقلاب ایران بتواند همچنان به پیش بتازد و به دستاوردهای بزرگتری برسد اینکه خلق بتواند در مقابل توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم بر استقامت خود بطور جدی بیفزاید، درگرو اقدامات قاطع و انقلابی و در راستای حقوق زحمتکشان و خلع ید از ضدانقلاب، منجمله فئودالهای غاصب، و سرکوب آنان است. در عرصه روستا این مسئله از طریق سپردن زمین به دهقانانی است که با دست‌های پینه‌بسته سال‌ها است به کار مشغولند: آقای "بنی‌صدر" در اولین نماز جمعه ۵۹ در مورد مسئله دهقانان چنین اظهار نظر کرده است:

"در سال گذشته آخرین اقدامی که از نظر تنظیم روابط حقوقی اقتصاد انجام دادیم مسئله زمین بود که کارش دوشب پیش تمام شد و امیدواریم که روستاییان ما که می‌خواهند از زمین استفاده کنند امیدوارباشند که در سال جدید، ما مسئله‌ای به نام مسئله زمین نخواهیم داشت".  
امادر ماه‌های اخیر که مبارزه برای زمین به اوج خود رسید و اغلب نشریات و روزنامه‌ها و شخصیت‌های ترقی‌خواه در این مورد اظهار نظر می‌کنند ما مواجه با سکوت آقای "بنی‌صدر"، سکوت تایید آمیزی که تنها خان‌ها، فئودالها و زمینداران بزرگ از آن

استقبال کرده‌اند هستیم آنها فرصت یافته‌اند تحت عنوان آزادیخواهی آقای بنی‌صدر نه تنها در مقابل خواست به حق روستاییان زحمتکش استقامت کنند که آزادی انواع کارشکنی‌ها و توطئه‌چینی‌ها علیه انقلاب را کسب کنند!

نمونه دوم: تیر و تفنگ عراق برای مامثل نقل و نبات است

در مه‌ماه گذشته، دریکی از مصاحبه‌های مطبوعاتی آقای "بنی‌صدر" خبرنگاری از آقای رئیس‌جمهوری در مورد تجاوز رژیم صدام به ایران این سؤال را نمود: "شما گفته بودید ۱۵ روزه پیروز می‌شویم، آیا هنوز بر حرف خود هستید؟" پاسخ آقای بنی‌صدر در آن موقع چنین بود:

"بله و امیدوارم آثار این پیروزی را از هم‌اکنون دیده باشید".

از زمان انجام آن مصاحبه و این اظهار نظر تقریباً ۵ ماه می‌گذرد. تجاوز رژیم فاسد صدام با وجود جانفشانی سربازان، پاسداران و داوطلبین هنوز دفع نشده است گفته فوق آقای بنی‌صدر را می‌توان سخنی عجولانه و سنجیده دانست اما تغییر مضمون صحبت‌ها، نوشته‌ها از مسئله جنگ به مسائل دیگر و غالباً انحرافی از طرف آقای بنی‌صدر را چگونه است؟ دامن زدن به تشنجات در درون جامعه، عمده ساختن انحرافات جریاناتی که دچار ضعف‌ها و کمبودها هستند و حتی نقطه‌نظرات ارتجاعی و عقب مانده پیرامون این یا آن مسئله دارند، جز تضعیف انرژی و روحیه رزمندگان میدان نبرد، حاصل دیگری هم می‌تواند داشته باشد؟

آقای بنی‌صدر که زمانی "تیر و تفنگ عراقی‌ها" را "نقل و نبات" می‌دانست و می‌گفت:

"نه صدام حسین با حضور شما در صحنه نه ارباب امریکائی او نه آن ایادی توان یافته رژیم پیشین هیچ

یک از آنها و توطئه‌ها به جایی نخواهد رسید"، اخیراً ترجیح می‌دهد در کارنامه‌اش به جای دلایل عدم موفقیت‌های نیروهای ارتش، به انتشار مطالب جعلی علیه دوستان جهانی انقلاب بپردازد. در سخنان ایشان جنگ به مسئله ثانوی تبدیل شده و امپریالیسم امریکا و به گفته چندوقت پیش آقای بنی‌صدر "ارباب امریکائی" صدام جایی ندارد!

نمونه سوم

آقای بنی‌صدر در گذشته از دشمن واقعی مردم و جمهوری، امپریالیسم امریکا سخن می‌گفت و از مردم می‌طلبید که در مقابل توطئه‌های این دشمن جهان‌خوار هشیار باشند، ایشان در اردیبهشت ۵۹ اهداف امپریالیسم امریکا را چنین توصیف کردند:

"با توجه به اطلاعاتی که در دسترس است و با توجه به علائمی که پیش و بعد از انقلاب از عملکرد سیاست امریکا در ایران تعقیب کرده‌ایم، برای من روشن است که سیاست امریکا در ایران در جهت اعاده وضع سابق سیر می‌کند".  
آقای بنی‌صدر در همان زمان اعلام داشته‌اند که:

"ما قضاوت و نحوه عمل خود را بر این اساس استوار کردیم که مانع از موفقیت سیاسی امریکا در جهت سپردن حاد حاد ایران در جهت دلخواه امریکا شود".

مدت زمانی بعد از بیان اظهارات فوق، در ارتباط با "اهداف امریکا از جنگ صدام با ایران" آقای بنی‌صدر همان نقطه‌نظرات اصولی اردیبهشت ماه را تکرار می‌کنند:

"امریکا ابرقدرتی است که مثل گرگ تیرخورده به خود می‌پیچد و می‌خواهد طعمه از دست رفته خود را بلکه دوباره به دست بیاورد".

امپریالیسم امریکا یا به عبارت آقای رئیس‌جمهوری "گرگ تیرخورده" نه تنها فعالیت‌های خود را علیه انقلاب کاهش نداده است بلکه با آمدن ریگان به کاخ سفید درنده‌خوئی خود را

افزایش داده است. رئیس‌جمهور جدید امریکا در سخنانی که طی آن برای خط امام خط و نشان کشیده است، گفته است: "کسانی که علیه ما دست به چنین اقداماتی زده‌اند باید بدانند که در آینده نمی‌توانند اطمینان داشته باشند که امریکا علیه آنان هیچ اقدامی نمی‌کند".

آقای بنی‌صدر باید به مردم کاملاً و بطور صریح توضیح دهند که به نظر ایشان چه تغییرات مثبت و دلخواهی در سیاست‌های امپریالیسم امریکا به وجود آمده است که برخلاف ادعای سال قبل ایشان که قرار بود "قضاوت و نحوه عمل خود را" طوری تنظیم کنند که "مانع از موفقیت سیاست امریکا در جهت سپردن حاد حاد ایران در جهت دلخواه امریکا شود" دیگر گویا خطر روزافزون امپریالیسم امریکا در خطبه‌های ایشان از بین رفته است. در آخرین میتینگ ایشان در دانشگاه هیچ‌گونه صحبت و یا شعاری علیه امپریالیسم وجود نداشت مگر از همان موقع قابل پیش - بینی نبود که محافل - امپریالیستی از این میتینگ استقبال خواهند کرد و خوشحال خواهند شد؟

ما هیچ‌گاه از آقای بنی‌صدر و امثالهم با دیدگاه‌های اجتماعی خاص‌شان انتظار نداریم که به نقش پراهمیت اردوگاه سوسیالیسم در حمایت از انقلابات رهائی بخش بی ببرند اما مردم حق دارند علت نزدیک‌تر شدن ایشان را با جریان امریکایی حزب رنجبران که علت وجودیش ضدیت با اردوگاه سوسیالیسم و به‌ویژه اتحاد جماهیر شوروی است، بپرسند و از ایشان بخواهند حقیقت را به "مردم خود" بگویند. آیا سه نمونه بالا کافی نیست تا آقای بنی‌صدر تمام حقیقت را به مردم خود بگویند؟ یا باز هم احتیاجی هست به اینکه به برخورد‌های اساساً متضاد آقای بنی‌صدر در رابطه با امر ملی کردن تجارت خارجی در رابطه با امر شوراها، در رابطه با... در فاصله کمتر

از یک سال اشاره شود! \* \* \*

ضعف‌ها، کاستی‌ها و کمبودهای جنبه انقلاب، اقدامات نادرست، دشمن - شادکن و ارتجاعی این یا آن نیروی درون این جبهه - نمی‌تواند آن بهانه و مجوز لازم برای تضعیف انقلاب و درهم شکستن استقامت آن در مقابل جبهه ضد انقلاب باشد. دور نهائی و تعیین کننده نبرد نهائی بین انقلاب و ضدانقلاب، خلق و امپریالیسم در جریان است، کارگران، دهقانان، زحمتکشان شهری، کسبه زحمتکش، روحانیون مبارز سربازان، پاسداران و... همه می‌دانند که باید در مقابل ضدانقلاب محکم ایستاد، استقامت کرد و سرانجام ضربه نهائی را به امپریالیسم و متحدین داخلی آن وارد ساخت. اما آنچه مردم می‌خواهند بدانند این است که آقای بنی‌صدر در سال آینده در کدام جبهه خواهند بود؟ آنها - می‌خواهند حقیقت را - تمامی حقیقت را - بدانند. می‌خواهند بدانند که مینای قضاوت خود را در مورد آقای بنی‌صدر باید روی مواضع اعلام شده ایشان در پیش از انتخاب شدن به مقام ریاست جمهوری و یا حتی اوایل دوران ریاست جمهوری‌اش قرار دهند یا به مواضع و همچنین اعمال و اقدامات چند ماه گذشته ایشان اتخاذ سند کنند؟ مردم ما که در چند ماه گذشته در طی تجربه، رئیس‌جمهور را درست در نقطه مقابل آن چیزی دیدند که ایشان روز اول از خود ترسیم کرده بودند، هم‌اینک در آستانه قضاوت نهائی و صدور حکم قطعی قرار گرفته‌اند. آنها منتظرند تا ببینند که آقای بنی‌صدر بالاخره آخرین حرف و آخرین عملش چیست؟

در سال ۱۳۶۰ قطعاً هم ابهامات مواضع آقای بنی - صدر روشن خواهد شد و هم قضاوت کارگران، دهقانان، کسبه و اصناف زحمتکش، کارمندان محروم و بطور کلی همه آنان که در صف خلق قرار دارند قطعیت خواهد یافت.

## مردم میهن ما تا قطع کامل

## سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

## کمون پاریس همواره در قلب کارگران زنده است

★ بهار کارگران و زحمتکشان میهنمان با روزی بزرگ در تاریخ مبارزات طبقه کارگر جهانی همراه است. با ۱۸ مارس (۲۷ اسفند) سالروز نخستین انقلاب پرولتاریای جهان و نخستین حکومت طبقه کارگر.



بلاواسطه پرولتاریا باشد. انگلس تجربه کمون پاریس را بدین گونه جمع بندی می کند: "کمون از همان آغاز به زودی بی برد که وقتی طبقه کارگر به قدرت می رسد، نمی تواند با دستگاه قدیمی دولتی به کار خود ادامه بدهد و به خاطر آنکه تسلطی را که به دست آورده است دوباره از گف ندهد، طبقه کارگر باید از یک سو دستگاه مقتدر قدیمی را که تا آن وقت علیه خودش به کار می رفته است، از بین ببرد و از سوی دیگر برای آنکه خیالش از جانب نمایندگان و کارمندان خود راحت باشد، می باید آنها را بدون استثناء و در هر زمانی قابل انفصال اعلام نماید."

لنین این آموزگار بزرگ پرولتاریا از تجارب کمون بسیار آموخت. او در اثر داهیانه خود "دولت و انقلاب" به طرز مشروحی مسئله تسخیر و درهم کوبی دستگاه دولتی کهن را مورد بررسی قرار داد. درس هایی که از کمون آموخته شد راهبر نخستین حکومت سوسیالیستی جهان در شوروی نیز گردیده اند. لنین می گوید:

"از این گذشته اهمیت کمون عبارتست از کوششی بود که برای درهم پاشیدن دستگاه حکومتی و سازمان اداری، قضائی، نظامی، پلیسی به عمل آورده و سعی کرده بود که آن را از بیخ و بن برگند و یک تشکیلات خودمختار توده ای کارگری را که تفکیک قوه مقننه را از قوه مجریه برایش معنائی نداشت - جانشین آن سازد."

کمون در زمینه اقدامات اجتماعی و اقتصادی نیز اقدامات چشم گیری انجام داد. تحصيلات رایگان اعلام گردید. کار شبانه نانوائی ممنوع اعلام شد. جرائم پولی ملغی گردید ادارات کار برای بیکاران گشوده شد و... در این زمان تمام مرتجعین که از حرکت طوفان زای پرولتاریا به وحشت افتاده بودند، علیه پاریس انقلابی

هر ساله با فرارسیدن ۱۸ مارس زحمتکشان سراسر گیتی سالروز نخستین انقلاب پرولتاریایی جهان و اولین حکومت طبقه کارگر، سالروز کمون پاریس را گرامی می دارند. حیات کمون ۷۲ روز بیشتر به طول نیاچامید. لیکن همین ۷۲ روز حکومت کارگری درس هایی بس گرانبها برای پرولتاریا برجای نهاد. درس هایی که به وسیله آموزگاران پرولتاریا جمع بندی گردیده و به عنوان اصول انقلابات و حکومت های کارگری تثوریزه شدند. هم از این روی کمون نه فقط از لحاظ تاریخی که بیش از آن به واسطه درس هایی که به کارگران جهان آموخته است، قابل اهمیت است.

با شروع جنگ فرانسه و پروس (آلمان) در سال ۱۸۷۰ تضادهای طبقاتی در جامعه فرانسه حدت بیشتری یافتند. شکست نیروهای فرانسوی از یک سو، پوشالی بودن رژیم بناپارتنی را به توده های فرانسوی آشکار نمود و از دیگر سوی چهره تسلیم طلبانه محافل هیئت حاکمه آن زمان را که منافع ملی را بر باد داده بودند، بیشتر نمایان ساخت.

در ۴ سپتامبر ۱۸۷۰ پاریس منفجر شد! امپراطوری سقوط کرد و دیگر بار فرانسه، جمهوری گردید. لیکن دولت جدید که خویشتن را دولت "دفاع ملی" می نامید همان سیاست های ضد خلقی ناپلئون سوم را ادامه داد و با خواست های عادلانه و دمکراتیک توده های وسیع مردم فرانسه مخالفت ورزید. این دولت نیز سیاست تسلیم طلبی را در مقابل پروس پیشه کرد. بدین سان دولت "دفاع ملی" چیزی جز دولت "خیانت ملی" از آب درنیامد.

در روزهای ۳۱ اکتبر و ۲۲ ژوئیه ۱۸۷۱ توده ها به پا خواستند. لیکن این خیزش ها با کمک سرنیزه سرکوب شدند.

کارگران و زحمتکشان در مخالفت با دولت هر چه بیشتر نیروهای خود را مجتمع می کردند و مسلح می شدند. دولت در کوشش خود برای خلع سلاح کارگران و همچنین دستگیری اعضای کمیته مرکزی گارد ملی ناموفق ماند. نبرد میان کارگران و نیروهای دولتی اوج یافت تا اینکه سرانجام پاریس به تصرف کارگران درآمد و رهبران دولتی به ورسای گریختند و بدین سان در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ اولین دولت کارگری جهان متولد گردید. کمیته مرکزی گارد ملی دولت موقت را تشکیل داد.

مابین ۲۰ تا ۲۹ مارس، کمون های انقلابی در شهرهای دیگر از جمله لیون و ماریسی تشکیل شدند لیکن این کمون ها چند روز بیشتر دوام نیاوردند و سقوط کردند.

در ۱۶ مارس انتخابات کمون پاریس برگزار شد و در ۲۸ مارس کمون رسماً اعلام موجودیت کرد. پس از تجدید انتخابات در ۱۶ آوریل اعضای کمون شامل ۳۰ کارگر و ۳۰ نماینده از روشنفکران انقلابی شدند.

کموناردها پس از دستیابی به قدرت دست به انجام اقدامات مهمی در زمینه درهم شکستن دستگاه دولتی بورژوائی و اعمال حاکمیت خویش زدند. از جمله اینکه ارتش سنتی سابق منحل اعلام گردید و ارتش خلق (گارد ملی) جایگزین آن شد. بوروکراسی دولتی درهم شکسته شد و مسئولین امور از طریق انتخابات آزاد عمومی با توجه به اینکه هرزمانی که برخلاف منافع مردم عمل کردند، توسط مردم عزل گردند، انتخاب شدند. حقوق آنان معادل دستمزد کارگران گردید و بالاخره اینکه کمون جدائی کلیسا از دولت را نیز اعلام کرد. تجربه کمون پاریس به پرولتاریای جهان آموخت که ماشین دولتی بورژواری باید درهم شکسته شود. کمون آموخت که تسخیر دستگاه دولتی هرچند ضروری و فاسل اهمیت است لیکن نابودی آن باید هدف

بسیج شدند. با آزاد شدن سربازان فرانسوی که در آسارت پروس بودند، بورژوازی مصمم گردید که به هر نحوی شده پاریس را از چنگ کارگران بیرون آورد.

اختلافات درون کمون که در آن دو فراکسیون پیروان بلانکی و پرودون وجود داشتند و عدم تجهیز آنان به مارکسیسم به اضافه بی تجربگی طبقه کارگر سبب گردید کمون پس از مدتی در مقابل دشمنانش آسیب پذیر شود.

علیرغم آنکه کمون اقدامات بسیار مهمی در جهت تحکیم حاکمیت خویش انجام داد لیکن به قول لنین خوش قلبی بیش از حد پرولتاریا باعث شد اقدامات قاطع علیه دشمنان خود انجام ندهد. "او می بایستی دشمنان خود را نابود می کرد، لیکن بر آن بود که آنها را از نظر اخلاقی تحت تاثیر قرار دهد." کمون به تمامی احزاب مخالف اجازه فعالیت داد و آنان هرچه خواستند کردند. از این گذشته به تعقیب و مجازات سرمایه داران نپرداخت و با مالکان خصوصی برخوردی قاطع نکرد. بانک فرانسه را ملی اعلام نکرد و تمامی این مسائل زمینه ساز سقوط کمون نیز گردید. تجربه کمون پاریس - آموخت که پرولتاریا باید با قاطعیت به مبارزه علیه دشمنان خود برخیزد و اسلحه خود را بعد از انقلاب به کنار نهد. کمون آموخت که خلق مسلح باید از دستاوردهای خود قاطعانه دفاع کند وگرنه بورژوازی همواره آماده بازپس گرفتن مواضع از دست رفته خود می باشد. از این گذشته کمون نشان داد که برای تسخیر قدرت و تحکیم حاکمیت باید حزب واحد سیاسی طبقه کارگر وجود داشته باشد. رهبران پرولتاریا از جمله دلائل شکست کمون را یکی هم عدم وجود حزب واحد طبقه کارگر عنوان کرده اند. به هر رو در زمانی که بورژوازی خود را آماده حمله به پاریس می کرد، پرولتاریا که این زمان تنها شده بود و از حمایت دهقانان که متحد واقعی طبقه کارگر در انقلابات می باشند، محروم مانده بود، تصمیم گرفت که سر تعظیم در مقابل بورژوازی فرود نیاورد. در اواخر ماه مارس پاریس رزمگناه زحمتکشانی گردید که قلم را یارای نگارش قهرمانی های آنان نیست. مقاومت کارگران سرانجام در ۲۱ مارس ۱۸۷۱ درهم شکسته شد. پاریس تسخیر شد و نخستین حکومت انقلابی کارگران جهان سقوط کرد.

"نه تنها کارگران فرانسه بلکه پرولتاریای تمام جهان یاد رزمندگان کمون را گرامی می دارند، زیرا کمون به خاطر یک وظیفه ملی نمی جنگید بلکه برای آزادی کلیه انسان های زحمتکش و تمام زچردیدگان و محرومین مبارزه می کرد. در هر کجا که پرولتاریا رنج می کشد و مبارزه می کند، به کمون پاریس به عنوان پیشتاز انقلاب اجتماعی احترام می گذارد. تصویر زندگی و مرگ او، دورنمای دولت کارگری که در یکی از پایتخت های جهان قدرت را قبضه کرد و بیش از دو ماه در دست داشت، سرنوشت رزمندگان پرشهامت پرولتاریا و مصائب بعد از شکست آن همه اینها بر جرات میلیون ها کارگر افزود، امیدهای آنها را زنده کرد و موجب علاقه آنها به سوسیالیسم علمی گردید. غرش توپ های پاریس عقب افتاده ترین اقشار پرولتاریا را نیز از خواب عمیق بیدار کرد و درهمه جا موجبات تشدید تبلیغات انقلابی - سوسیالیستی را فراهم آورد درست به همین جهت است که کمون نمرده است و تا به امروز در وجود هریک از ما زنده مانده است.

امر کمون، امر انقلاب اجتماعی است. امر رهائی کامل سیاسی و اقتصادی زحمتکشان است، امر پرولتاریای جهانی است و به این مفهوم است که کمون نیستی ناپذیر است."



بقیه از صفحه ۲۸

پیام سازمان به خانواده فدائیان شهید

## پرچم خونین آرمان فرزندان قهرمانان

### افراشته تر... آنان با تمام هستی خویش در

راه مردم خود و سعادت و پیروزی زحمتکشان به شهادت رسیدند و تا آخرین لحظه حیات خود با اعتقاد به نیروی لایزال مردم برای درهم شکستن دشمنان آنان پیکار کرده‌اند.

آنان برای مردم و در راه ساختن ایرانی که در آن فقر و نابرابری، ستم و بهره‌کشی، اختناق و تباهی نباشد با خون‌آشام‌ترین دشمن استقلال و آزادی خلقهای جهان، با بی‌رحم‌ترین استثمارگر زحمتکشان سراسر جهان یعنی امپریالیسم آمریکا قهرمانانه مبارزه کردند و به خیل شهدای خلق پیوستند. این افتخار بر شما که در دامن خود چنین فرزندان را پرورش داده‌اید، فرخنده و مبارک باد.

فدائیان خلق "اکثریت" نیروئی که به پشتوانه این میراث‌گرانقدر به پاسداری از دستاوردهای انقلاب خونبار مردم به پیکار ایستاده است، بی‌امان و خستگی‌ناپذیر و بدون کوچک‌ترین تزلزل و تردیدی با امپریالیسم جهانی بسرگردکی امپریالیسم آمریکا و همه متحدان آن می‌رزمند و نیروهای مورد حمایت آن را که برای فریب مردم به دروغ نام دوست مردم بر خود نهاده‌اند، قاطعانه افشاء می‌کند.

رفیقان ما، فرزندان شما برای مردم و در راه مردم بودند. با دشمنان مردم سرسخت و آشتی‌ناپذیر و در برابر دوستان مردم فداکار و پاکدشت بودند. آنان به نیروی مردم اعتقاد داشتند و نیز معتقد بودند که توانائی‌شان در تحقق آرمان پرشکوهی که همواره بدان پای‌بند ماندند در گرو پیوند استوار و خدشه‌ناپذیر با توده‌های میلیونی زحمتکشان میهن است. آنها در راه شناساندن دوستان و دشمنان مردم به زحمتکشان، قهرمانی‌های بسیار آفریدند. آنها در راه وحدت، تشکل و آگاهی مردم که ضامن پیروزی‌شان است، در شکنجه‌گاه‌ها، زندان‌ها و میدان‌های تیر "شاه" پرشکوه‌ترین حماسه‌ها را آفریدند. رهروان واقعی راه آنان کسانی هستند که به‌تنهایی در گفتار بلکه در کردار، اهداف گرانقدری را که فرزندانان در راه تحقق آن به شهادت رسیدند، با شجاعت و شهامت، با فداکاری و صداقت دنبال کنند و نگذارند که دشواری‌های "راه" آنها را خواسته و ناخواسته به تسلیم و سازش بکشاند.

امروز وفادار ماندن به مصالح مردم بسیار دشوار است. بسیار کسان هستند که ناخواسته تنها بذر یاس و شکست می‌افشانند و در عمل در راهی کام می‌بهند که تدارک شکست انقلاب است اما ما که ادامه دهنندگان راستین راه فدائیان خلق و پرچمدار راستین آرمان آنان هستیم، در راه پیروزی انقلاب خونبار مردم کام می‌گذاریم و بر آنیم که بر دشواری‌ها غلبه کنیم، همواره به مردم پای‌بند بمانیم و خلق را به مصالح و مافع واقعی آن آگاه سازیم.

تا پیروزی نهائی انقلاب، راه‌دشواری در پیش است. ما به پیروزی مردم که آرمان فدائیان خلق بوده است، ایمان داریم و اکنون که نوروز فرا می‌رسد بار دیگر پیمان می‌بندیم که در راه تحقق آرمان آنان از هیچ فداکاری دریغ نوزیم.

با شادمانه‌ترین تهنیت‌ها و با ارمغانی از امید و پیروزی برای خلق، سال نو، سال تحکیم اتحاد و مبارزه خلق علیه امپریالیسم آمریکا را بر شما تهنیت می‌گوئیم. سال نو بر شما و خلق قهرمان ایران فرخنده و مبارک باد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

بیست و پنجم اسفندماه ۱۳۵۹

## پیوند باغ و انسان



پیوند باغ و انسان، پیوند روشنی است

زیرا سرشت انسان

با رویش و شکفتن و رفتن

معنای عاشقانه خود را می‌یابد.

زیرا سرشت انسان

آزادی و سرود شکفتن را می‌داند.

در عصر انقلاب

کودک

یک شاخه گل است

بر ساقه تناور هر مادر

تا باغ انقلاب

زیباتر از همیشه قدا فرازد

در چشمهای ما.

## سال نو، و مشکلات...

نصفه از صفحه ۸

سهر و آمده آمدحسی را به ملسون‌ها فریادی حکم عملی بود دهد و با عمل خود جسم‌اندازهای سهاران سادی‌حس را بر روی آنان بکشد.

حانه امکانات است که می‌توان در برخورد با مشکل آوارگان بطور صحیح عمل نموده و در این امر موفق بود دولت باید با اقدامات قاطع و برنامه‌ریزی شده، روره‌های

محل کار و زندگی خود، مسئله بازسازی و ترمیم خرابی‌ها و به حرکت درآوردن چرخ تولید در این مناطق، کار ساده‌ای نیست. به همین دلیل دولت باید قبل از

آنکه غافلگیر شود از هم‌اکنون اقدام به برنامه‌ریزی حساب شده و همه‌جانبه‌ای بنماید. روشن است که در این زمینه برنامه‌ریزی بر روی بازسازی و ترمیم خرابی‌ها و گسترش و برقراری صلح عادلانه است چه بس از دفع تجاوز صدام و برقراری آرامش مسئله بارگشت دو میلیون مهاجر به تولیدات صنعتی و کشاورزی از اولویت خاصی برخوردار است. صن آنکه ایس بازسازی‌ها باید با دگرگونی در روابط اقتصادی کهنه پیشین و غلبه بر عقب ماندگی‌های گذشته در زمینه صنعت و کشاورزی همراه باشد. برای این باید گفت تنها با اتحاد برنامه‌ریزی‌های عاجل و درازمدت و تجهیز همه -

با تو پیش زمانه می‌ماند و من  
این لحظه، دل جوانه می‌خواند و من  
گلخند بلبند روز پیروزی را  
رنگش این زمانه می‌داند و من

## مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

## « دولت میانه رو »

### تاکتیک جدید امپریالیسم

امپریالیسم از نو به فکر روی کار آوردن دولتی (( معتدل و میانه رو )) می افند

طبعاً شکست این نقشه‌ها ، امپریالیسم آمریکا را به هیچ وجه از به کار گیری دیگر تاکتیک‌ها علیه انقلاب ما منصرف نساخت . از اواخر آبان ماه امسال ، امپریالیسم آمریکا تدارک نقشه جدیدی را برای شکست انقلاب ما به اجرا گذاشته است . محاسبات امپریالیست‌ها به آنان نشان داده است که در شرایط فعلی "تناسب قوا" به آنان اجازه نمی‌دهد دولت نماینده سرمایه‌داران بزرگ را روی کار آورند . از دست ارتجاع این منطقه هم در این زمینه فعلاً کار زیادی ساخته نیست . صدور آشکار ضدانقلاب از طریق تهاجم مستقیم نظامی امری نیست که تناسب قوای موجود در عرصه جهانی و ملی ، آن را امکان‌پذیر سازد . امپریالیست‌ها نیز سرانجام خود را مجبور می‌بینند که بر امکانات واقعی و عملاً موجود تکیه کنند . در شرایطی که تلاش برای روی کار آوردن بلاواسطه یک دولت سرسپرده امپریالیسم همچون بختیار موجب تضعیف و نابودی هر چه بیشتر طراحان و مجریان این طرح‌ها می‌گردد ، امپریالیسم خود را مجبور می‌بیند که از سایر راه‌های ممکن بهره جوید . در چنین شرایطی امپریالیسم بیش از هر موقع به جاده صاف کن نیاز پیدا می‌کند . سیاست نیروهای مورد نظر امپریالیسم قرار می‌گیرند که بهترین شرایط و زمینه را برای پیروزی نهائی وی فراهم آورد . سیاست نیروهای مورد حمایت وی قرار می‌گیرد که خواهان گسترش مناسبات با غرب باشند که خواهان امنیت برای سرمایه‌داران باشند که ضد کمونیست باشند ، که با کشورهای سوسیالیستی جهان دشمنی کنند .

دلایل زیادی در دست است که نشان می‌دهد هدف تاکتیکی عمده امپریالیسم آمریکا در ایران در شرایط فعلی مشخصاً غلبه دادن نیروهای دست راستی است که با شعارهای بورژوازی به میدان می‌آیند .

سرمایه‌داری بزرگ ایران به دلیل ضرباتی که خورده است ، فعلاً قادر نیست صفوف خود را فشرده سازد . جریان‌های وابسته به این سرمایه‌داری از مشروعیت قانونی برخوردار نیستند . در حالی که بورژوازی متوسط ایران هنوز از مشروعیت قانونی برخوردار است و تا حدی می‌تواند از تریبون‌های رسمی و عمومی ، نیروهای خود را سازماندهی نماید . به علاوه جریان‌های وابسته به بورژوازی بزرگ کاملاً افشا شده است در حالی که چهره لیبرال‌ها هنوز بطور کامل افشا نشده است . به ویژه حقایق موجود نشان می‌دهد که انقلاب ما هنوز موفق نشده است ماهیت نیروهای دست‌راستی حکومت اسلامی را که فعلاً جانب رئیس جمهور را گرفته‌اند ، منزوی سازد . این نیاه‌ها می‌کوشند در پیکار سرنوشتی که در پیش دارند ، نیروهای خود را گسترش دهند و منسجم سازند . چند ماهی است که اکثر سرمایه‌داران بازار و تجار بزرگ عکس‌آقای رئیس جمهور را بالای سر خود نصب کرده‌اند . اعیان نشین‌های شمال شهر نیز با گشاده‌رویی از بنی‌صدر سخن می‌گویند . بنی‌صدر که در یکسال اول انقلاب خود را کاملاً در خط امام معرفی می‌کرد ، اکنون سیاست دیگری در پیش گرفته است . این سیاست سیاستی است که با سیاست لیبرال‌ها مشابهت بیشتری دارد تا با خط امام .

اکنون شرایط به گونه‌ای سازمان یافته است که تمام لیبرال‌ها اعم از نهضت آزادی و جبهه ملی تا روحانیون دست راستی و از سرمایه‌داران وابسته تا سران مرتجع عشایر و مائوئیست‌های جاسوس آمریکا همگی صراحتاً از آقای رئیس جمهور حمایت می‌کنند . متأسفانه سازمان مجاهدین خلق نیز در همین صف قرار گرفته است . آنچه همه اینها را متحد ساخته است شعار سرنگونی روحانیت ضد امپریالیست به رهبری آیت الله خمینی است . اکنون این نیروها همگی خود را زیر چتر آقای رئیس جمهور گرد آورده‌اند .

آیا امپریالیسم آمریکا در برابر حاکمیت خط امام از ریاست جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌کند؟ آیا منظور از تلاش امپریالیسم برای روی کار آوردن دولت "میانرو" روی کار آوردن بنی صدر است؟ آنچه مسلم است ، این است که اگر چنین شود ، سیاست لیبرالی در مجموع در دستگاه حکومتی نفوذ غالب را خواهد یافت زیرا از آنجا که بین سیاست بورژوازی استقلال طلب و بورژوازی لیبرال مشابهت بسیار است ، روی

هدف استراتژیک امپریالیسم آمریکا بازگشت به ایران از طریق روی کار آوردن یک دولت نماینده سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم است اما امپریالیسم آمریکا برای رسیدن به این هدف از تاکتیک‌ها و روش‌های متعددی سود می‌جوید . امپریالیسم تمام شیوه‌های قهرآمیز و مسالمت‌آمیز ، مستقیم و غیرمستقیم ، پنهان و آشکار را در راه دستیابی به هدف استراتژیک خود به کار می‌گیرد . نگاهی به کارنامه سیاه دو ساله اخیر سیاست امپریالیسم آمریکا در ایران گویای این امر است .

نشریه "کار" در آن دوساله کوشیده است که سیاست‌ها و تاکتیک‌های متنوع امپریالیسم آمریکا را علیه انقلاب ایران توضیح دهد . و البته این امر با تصحیح پیگیری خط مشی سیاسی سازمان در هر زمان به گونه‌ای صحیح‌تر و اصولی‌تر مطرح شده است . اولین مقاله جامع در این زمینه تحت عنوان " یک سال سیاست امپریالیسم در ایران " در کار ۴۷ انتشار یافت پس از آن نیز چه در برخورد با خطاهای فراکسیون اقلیت و در جریان تحلیل جنگ عراق با ایران ، تاکتیک امپریالیسم مورد بحث قرار گرفت . اخیراً نشریه "کار" بازم به گونه‌ای جدی‌تر این مسئله را پیگیری می‌کند . سازمان بر این اعتقاد است که بدون توجه مستمر به نقشه‌ها ، توطئه‌ها و تاکتیک‌های امپریالیسم و بدون افشای مستمر آنها نمی‌توان از مبارزه ضد امپریالیستی سخنی به میان آورد .

#### تاکتیک‌های امپریالیسم از سرنگونی شاه تا تجاوز صدام

کار ، تاکتیک‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران را طی دوساله اخیر به صورت زیر جمع بندی کرده است :

۱- از پیروزی قیام تا مقطع مجلس خبرگان کوشش برای به سازش کشیدن رهبری انقلاب و سپردن قدرت به دست لیبرال‌ها به رهبری مهدی بازرگان . این تاکتیک بر اثر ثبات سیاسی خط امام و قاطعیت شخصی آیت‌الله خمینی با شکست مواجه شد . به دنبال این امر امپریالیسم از امام به اصطلاح ناامید می‌شود و تلاش برای سازش پذیر کردن این نیرو را بی‌فایده می‌بیند .

۲- از مقطع مجلس خبرگان تا تسخیر سفارت امپریالیسم در فکر روی کار آوردن دولتی "میانرو" و سرنگون کردن خط امام از قدرت است . مذاکرات الجزایر و تلاش‌های امیرانتظام شاهد این مدعا است . امپریالیسم آمریکا به پیروزی این نقشه امید زیادی بسته بود . لکن این تاکتیک با تاکتیک ضربتی تسخیر سفارت و به زیر کشیدن دولت لیبرالی مهدی بازرگان با شکستی قاطع مواجه شد .

۳- از نیمه پاییز سال ۵۸ تا اواخر همان سال ، گسترش عظیم و میلیونی شور انقلابی ضد امپریالیستی توده‌ها و یورش خیره کننده مردم به مواضع بورژوازی و امپریالیسم ، دولت آمریکا را منگ کرده بود . مسئله گروگان‌ها و خواست ایران مبنی بر تحویل شاه همه چیز را تحت الشعاع قرار داده بود . امپریالیسم آمریکا در این دوره جز دست زدن به یک رشته اقدامات تلافی جویانه طرح مشخص دیگری را تعقیب نمی‌کند .

۴- از اواخر سال ۱۳۵۸ به ویژه از زمانی که مذاکرات مربوط به گروگان‌ها و واسطه‌گری قطب زاده با شکست مواجه شد ، امپریالیسم آمریکا به اتکای ضد انقلاب داخلی ، طرح به زیر کشیدن مجموعه نیروهای حاکم و روی کار آوردن یک دولت ضد انقلابی وابسته به امپریالیسم را به اجرا می‌گذارد . در این طرح قرار بر این می‌شود که با پول و نقشه آمریکائی یک دولت طرفدار غرب که به رهبری شاپور بختیار منافع سرمایه‌داران بزرگ ایرانی را نمایندگی میکند متشکل از وابستگان به رژیم سابق روی کار بیاید . در اجرای این تاکتیک است که توطئه طیس شکل می‌گیرد در تعقیب همین سیاست کودتای نوزدهم ریحی می‌شود اما این تاکتیک‌ها نیز با شکست‌های مفتضحانه‌ای

مواجه می‌شوند . زیرانیروهای مدافع سرمایه‌داری بزرگ ایران بر اثر ضرباتی که انقلاب بر آنان وارد آورده است ، بسیار ضعیف‌تر ، پراکنده‌تر و پریشان‌تر از آن بودند که بتوانند قدرت سیاسی را از نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی بازپس بگیرند .

#### مقاومت مبین پرستانه مردم ما صدور آشکار ضد انقلاب را با شکست مواجه ساخت

با آغاز تعرض رژیم عراق به مبین ما امپریالیسم آمریکا صدور آشکار ضدانقلاب به ایران را که از یکی دو ماه قبل آن را تدارک می‌دید ، به اجرا گذاشته . بر اساس این تاکتیک امپریالیسم آمریکا با جلب حمایت نظامی ارتجاع منطقه ، به ویژه رژیم صدام به جمهوری اسلامی ایران اعلان جنگ داد و کوشید بخشی از خاک مبینمان را اشغال نماید و زمینه انتقال ستاد نیروهای ضدانقلاب فراری به ایران و در دست گرفتن کنترل این مناطق را فراهم سازد . یورش ناگهانی رژیم صدام به ایران که مشخصاً به ترغیب و حمایت امپریالیسم آمریکا و ارتجاع عرب صورت گرفت ، در اصل قصد داشت که از طریق اشغال خوزستان ، کرمانشاهان ، کردستان و آذربایجان غربی یک دولت وابسته به امپریالیسم متشکل از فراریان وابسته به رژیم شاه را به سرکردگی بختیار روی کار آورد .

حمله نظامی رژیم صدام به مبین ما جدی‌ترین و سنگین‌ترین یورش امپریالیسم برای به شکست کشاندن انقلاب و روی کار آوردن یک رژیم وابسته به امپریالیسم در ایران بود . امپریالیست‌ها روی توان وسیع‌ترین اقشار مردم و عزم انقلابی توده‌های خلق در دفاع از دستاوردهای انقلاب یعنی استقلال ملی و آزادی حساب کاملاً نادرستی باز کرده بودند . آنها صریحاً گفته بودند که کار ایران سه چهار ماهه تمام است . آنها روی قدرت مقاومت مردم خیلی کمتر از آنچه بود ، حساب می‌کردند . جنگ مقاومت نیروهای مسلح مدافع انقلاب و حمایت بی‌دریغ و یکپارچه میلیون‌ها زحمتکش از رزمندگان و مدافعان مبین ، عامل قطعی شکست نقشه صدام است . راست این است که اگر این جنگ مقاومت نبود اگر کار نه به دست نیروهای مردمی ، پاسداران ، پرسنل انقلابی و فرماندهان مبین پرست بلکه به دست آن فرماندهانی بود که در روزهای نخست جنگ فرمان عقب‌نشینی فوری را صادر کرده بودند ، امروز هیچ معلوم نبود نیروهای وابسته به امپریالیسم زیر پرچم بختیار تا چه میزان خاک مبین را به اشغال خود درآورده بودند . نقشه شوم امپریالیسم بر اثر جانفشانی‌ها و حماسه‌های نیروهای مبین پرست و مردمی که رهائی خویش را در گرو مقاومت دلاورانه در برابر تهاجم امپریالیسم می‌بینند ، به شکست انجامید . برخی ممکن است دچار توهم باشند و نتوانند درک کنند که اگر در این جنگ مقاومت مبینی مردم پایداری نمی‌کردند اکنون دست کم بخش بزرگی از مبین ما زیر چکمه‌های فاشیست‌های آمریکائی و سگ‌های زنجیری آنها گرفتار آمده بود . این افتخار بزرگی برای سازمان ماست که در این پیکار عادلانه با تمام نیرو سهمیم بوده است . سازمان ما در شش ماهه اخیر بیش از تمام دوره‌های مشابه هیأت خویش و بیش از هر سازمان سیاسی دیگر ایران به پیشگاه خلق قهرمان ایران شهید تقدیم داشته است . نام بیش از ۵۰ نفر از رفقای ما که تاکنون در سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران به شهادت رسیده‌اند ، در هفته‌نامه کار اعلام شده است .

نقشه صدام و خواب و خیال‌های امپریالیسم آمریکا را جانبازی هزاران رزمنده ، با شکست مواجه ساخت که خون سرخ خود را وثیقه استقلال و آزادی مبین خویش ساختند .

بقیه از صفحه ۲۶

## « دولت... »

کار آمدن آن، پای بورژوازی لیبرال را وسیعاً به حکومت باز خواهد کرد. چنین حکومتی سرپل و سرپوشی خواهد شد برای غلبه دادن لایه‌های مختلف بورژوازی ایران. تمایلات استقلال طلبانه لایه‌های پائینی بورژوازی زمانی می‌تواند در خدمت خلق باشد که ساشکاری آن با قدرت‌های امپریالیستی، به‌ویژه اروپا و ژاپن مهار گردد و شرط این امر آن است که بورژوازی در بلوک قدرت، در موضع بالای قدرت قرار نگیرد. از این نظر در تلاش امپریالیسم برای روی کار آوردن دولت "میانرو" مسئله اساسی این نیست که رهبری این دولت به دست بازرگان باشد یا بنی صدر. مسئله اساسی سمت‌گیری آن حکومت است. امپریالیسم بر مبنای واقعیت‌های تناسب قوای موجود شروع می‌کند. امپریالیسم روی تحولات بعدی نیز حساب باز می‌کند.

### آیا امپریالیسم

#### می‌تواند این نقشه خود را عملی کند؟

برای پاسخ دادن به این سؤال باید نخست ببینیم "دولت میانرو" چگونه می‌تواند روی کار بیاید. روی کار آمدن این دولت تنها به یکی از طرق زیر می‌تواند صورت پذیرد:

یا خط امام سازش کند و سیاستی "ملی‌گرایانه و لیبرالیستی" پیش گیرد، یا نیروهای خط امام که فعلاً قدرت را به دست دارند، کنار زده شوند (سرنگون شوند) و قدرت دولتی به دست نیروهای بورژوازی بیفتد، یا حکومتی ائتلافی بروی کار بیاید که در آن دست بالا از آن جناح‌های بورژوائی باشد و خط امام از آن پیروی کند.

امپریالیست‌ها از پیشرفت راه حل نخست نومید شده‌اند. آنها به تجربه دریافته‌اند که چنین چیزی مقدور نیست. حقایق تاریخی نیز نشان می‌دهد که نیروی مدافع این خط یک نیروی تاریخی - طبقاتی است که موجودیت آن منوط به شخص امام نمی‌شود علاوه بر این شناخت ما از شخص امام نیز نافی این امکان است که وی از دفاع از مواضع مورد قبول خود صرف نظر نماید. از این گذشته سیر تحول اوضاع در یک ساله گذشته نیز موید تشدید تضادهای میان جریان‌های بورژوائی و نیروهای خط امام بوده است. وقایع روزهای اخیر حاکی از حدت بی سابقه تضاد میان "ملی‌گرایان" و "خط امامی" بوده است. هیچ دلیل و شاهد عینی، تاریخی و حتی نظری برای تحول بنیادین این جریان و "بورژوائی شدن" آن در دست نیست.

در مورد سرنگونی خط امام و روی کار آمدن دولت "میانرو" باید گفت برای اینکه چنین تحولی صورت پذیرد، قطعاً باید بورژوازی بیش از آنچه که فعلاً نیرو در بسیج خود دارد، نیرو بسیج کند. توازن قوای موجود چنین امری را اقتضا نمی‌کند. زمانی بود که در آذربایجان خلق مسلمانان را یورش آوردند حتی مراکز دولتی و رادیو - تلویزیون را نیز تسخیر کردند آنان موفق شده بودند که قشرهای میانی از زحمتکشان را نیز بفریبند. بسیاری از نیروها در آن زمان به حکومت برای سرکوب این تعرضات کم‌بها می‌دادند تا جایی که از تداوم جنگ میان جمهوری اسلامی و حزب جمهوری خلق مسلمان صحبت می‌شد اما مقاومت آنها به سرعت درهم کوبیده شد. مرتجعین نیز به هنگام یورش صدام به ایران خواب یک پیروزی دو سه روزه را دیده بودند اما دیدیم که آنها نیز عزم مردم به پایداری در برابر ضدانقلاب را ندیدند. این حقیقتی است که امپریالیسم آمریکا با توسل به تمامی وسایل ممکن می‌کوشد در ایران دولتی "میانرو" روی کار بیاید. لکن تناسب قوا میان نیروهای مدافع چنین دولتی و مخالفان آنها به آنها اجازه نمی‌دهد که جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. سرنگونی جمهوری اسلامی و سپردن قدرت به دست بورژوازی نیز چنانچه بخواهد به اجرا گذاشته شود، قطعاً با شکست مواجه خواهد شد.

و بالاخره آیا خط امام آمادگی آن را دارد که در برابر فشارهای بورژوازی برای کسب قدرت همراه با

جریان‌های بورژوائی (ملی‌گرایان و لیبرالیست‌ها) دولتی تشکیل دهد که در آن دست بالا از آن بورژوازی باشد؟ این نیز راه حلی خارج از آنچه در فوق گفته شد، نیست. آنچه مسلم است آن است که تناسب قوای موجود چنین تحولی را هم اقتضا نمی‌کند اما آیا وجود شرایط نامساعد می‌تواند باعث شود که امپریالیسم از این نقشه دست بردارد؟ به نظر ما پاسخ به این سؤال نیز منفی است. زیرا اولاً آنها برای پیشبرد اهداف خود طبیعتاً روی ممکن‌ترین احتمالات "سرمایه‌گذاری" می‌کنند. ثانیاً شرایط نامساعد موجب نمی‌شود که امپریالیسم در جهت مساعد کردن شرایط و تدارک مقدمات روی کار آوردن دولت مورد نظر خود تلاش نکند. تجربه دهها کشوری که حکومت‌های ملی و ضدامپریالیست داشته‌اند و بعداً جای خود را به حکومت‌های وابسته به امپریالیسم داده‌اند، به ما یادآوری می‌کند که ناتوانی امپریالیسم را در اجرای فوری نقشه‌اش به حساب انصراف وی از تعقیب آن ننویسیم. ناصر جای خود را به سادات داد. سومالی و سودان ۱۸۰ درجه تغییر کردند. عراق از یک پشت جبهه نیرومند برای انقلاب ایران و در منطقه به یک پشت جبهه نیرومند برای ارتجاع ایران و منطقه تبدیل شد. تناسب قوای فعلی نباید موجب شود که ما فکر کنیم که امپریالیسم آمریکا در جهت تغییر این تناسب قوا به سود بورژوازی ایران تلاش نمی‌کند. شکست‌های تاریخی امپریالیسم آمریکا در مقیاس جهانی گرچه به وضوح امکانات وی را برای راه‌انداختن تجاوز و جنگ و برای صدور ضدانقلاب به کشورهای آزاد شده مشخصاً محدود کرده است لکن این محدودیت نمی‌تواند امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را از پیشبرد نقشه‌های ضد مردمی‌اش منصرف سازد. این شکست‌ها امپریالیست‌ها را هارتر می‌کند.

### امپریالیسم برای اجرای تاکتیک خود

#### به چه حر به‌هایی متوسل می‌شود؟

آیا شکست نقشه امیکائی - عراقی تجاوز نظامی به ایران باعث می‌شود که دیگر امپریالیسم آمریکا از نقشه تجاوز نظامی مستقیم به ایران دست بردارد؟ آیا تاکتیک امپریالیسم در جهت روی کار آوردن دولت "میانرو" باعث می‌شود که امپریالیسم از تحریک و حمایت دولت ارتجاعی پاکستان علیه انقلاب ما دست بردارد؟ آیا این تاکتیک منجر به آن خواهد شد که امپریالیسم آمریکا از توسعه و تقویت نیروهای ضربتی خود در خلیج فارس منصرف شود؟ آیا بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا از فشار اقتصادی، از فشار سیاسی، از جنگ تبلیغاتی علیه انقلاب ما دست خواهد شست؟ پاسخ به تمام این سئوالات به وضوح منفی است. هم تمامی شواهد عینی و هم شناخت عملی ماهیت امپریالیسم به ما تذکر می‌دهد که همه حر به‌هایی است در خدمت پیشبرد سیاست امپریالیسم همه شاهد آن هستیم که چگونه ادامه جنگ صدام علیه خلق ما امروز دیگر هدف صدور آشکار ضدانقلاب را نمی‌تواند تعقیب کند. اثرات اقتصادی ادامه جنگ بیشترین فشار را بر انقلاب ما وارد می‌آورد. امپریالیسم آمریکا از طریق اعمال فشار نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌کوشد نیروهای ضد امپریالیست حاکم را در مضیقه قرار دهد و تناسب قوا را به سود بورژوازی تغییر دهد. در مورد گروگان‌ها امپریالیسم آمریکا به خوبی نشان داد که چگونه با ماهرانه‌ترین مانورها می‌کوشد فشارهایی بر ایران وارد آورد که از اثرات آن بورژوازی ایران بیشترین بهره‌گیری را کند. از زمانی که تاکتیک دولت "میانرو" را به اجرا گذاشته‌اند، نه تنها فشارهای نظامی و اقتصادی بر ایران کاهش نیافته است بلکه تحریکات نظامی در خلیج فارس مشخصاً گسترش یافته است اما خطا خواهد بود هرگاه تصور شود که هدف از این مانورها "فتح تهران" توسط نیروهای امیکائی به منظور روی کار آوردن دولتی میانروست. امپریالیسم فشار از خارج را در شرایط فعلی تماماً در خدمت روندهایی قرار می‌دهد که در داخله ایران میان طبقات اجتماعی جاری می‌شود. مانورهای سیاسی، اقتصادی و نظامی امپریالیسم و مرتجعین منطقه اکنون تماماً در خدمت اهداف و منافع بورژوازی متوسط ایران انجام می‌پذیرند.

### کدام روندها راه را برای اجرای تاکتیک

#### (( دولت میانرو )) هموار می‌کنند؟

پاسخ به این سؤال اهمیتی اساسی دارد زیرا نیروهای انقلابی را از توسل به روش‌ها، تاکتیک‌ها و سیاست‌هایی که عملاً در خدمت اجرای این تاکتیک قرا رمی‌گیرند بر حذر می‌دارد. براستی چه شرایطی باید فراهم شود تا یک دولت "میانرو" بتواند زمام امور را به دست گیرد؟ تجربه دوساله اخیر و به‌ویژه درس‌هایی که از وقایع ماه‌های اخیر گرفته‌ایم به ما می‌آموزد که زمینه زمانی برای اجرای این تاکتیک مساعد می‌شود که نیروهای ارتجاعی موفق شوند:

اولاً توده‌ها را نسبت به ماهیت نیروهای ضد امپریالیستی به‌ویژه نیروهای خط امام بدبین و مشکوک سازند و بدین طریق میان سازمان‌های ضد امپریالیست و توده‌های زحمتکش خلق جدائی بیاندازند در این زمینه امپریالیسم و عوامل آن زیرکانه از تنگنظری‌ها و انحصارطلبی‌های سیاسی خط امام و مهم‌تر از همه مخدوش شدن صف دوستان و دشمنان انقلاب توسط نیروهای خط امام و عدم پاسخگویی به برخی از نیازهای انقلاب به بهترین وجهی علیه نیروهای خط امام بهره‌برداری می‌کنند.

ثانیاً اتحاد عمل میان نیروهای ضد امپریالیست را تضعیف نمایند. آنان را در برابر یکدیگر قرار دهند و در صورت امکان در صفوف نیروهای مدافع انقلاب نفاق بیاندازند. ثالثاً با همراه انداختن آشوب و ناامنی چرخ اقتصاد را بخوابانند گران‌بویکاری را دامن‌زنند مانع از پیشرفت کارها شوند، مسائل غیر عمده را عمده‌کنند، زمینه را برای دخالت مستقیم امپریالیسم و جلب حمایت وی فراهم آورند به مردم اینطور القاء کنند که همه‌اینها از "اتحاد یک سیاست غلط" در برابر امپریالیسم ناشی شده است قطعاً رویدادهایی مثل حوادث ۱۴ اسفند دانشگاه در این زمینه بیشترین فرصت را برای امپریالیسم فراهم می‌سازد.

رابعاً هرطور شده نگذارند نیروهای انقلاب از حمایت مدافعان و حامیان خود در دنیا برخوردار شوند. نیروهای ضد امپریالیست ایران را از دیگر نیروهای ضد امپریالیستی جهان جدا سازند و نگذارند نیروی بیکران دولت‌های ترقیخواه جهان و دیگر نیروهای ضد امپریالیستی در برابر نقشه‌های امپریالیسم به یاری خلق ما شتابند.

هرکدام از این نقشه‌ها به اجرا درآید به سهم خود می‌تواند روی تغییر تناسب قوا به سود نقشه جدید امپریالیسم آمریکا تاثیر گذارد. این نقشه‌ها به ما می‌آموزد که چه کارهایی به سود خلق است و چه کارهایی به سود خلق نیست. شناخت دقیق این نقشه‌ها ما را از گرفتار شدن در دام‌هایی که لیبرال‌های خوش خط و خال پیش رویمان گسترده‌اند، بر حذر می‌دارد. در اینجا باید گفت متأسفانه برخی سازمان‌های سیاسی و در راس همه آنها سازمان مجاهدین خلق ایران بدون توجه به این مسائل هر روز که می‌گذرد بیش از پیش آب به آسیاب جریان‌هایی می‌ریزند که روی کار آوردن "دولت میانرو" را در دستور خود قرار داده‌اند. مجاهدین خلق علیرغم تمام سنت‌های انقلابی گذشته، امروز با جبهه ملی، مائوئیست‌های دفتر هماهنگی با رئیس جمهور، نهضت آزادی و بدتر از همه با جاسوسان امیکائی حزب رنجبران یک جبهه متحد تشکیل داده‌اند که تاکتیک روی کار آوردن "دولت میانرو" و سازشکار با امپریالیست‌های امیکائی، اروپائی و ژاپنی را در دستور خود قرار داده است. در این طیف بجز مجاهدین خلق، بقیه نیروها اساساً و بنا به ماهیت تاریخی خود همان نیروهای "دولت میانرو" ی امپریالیستی هستند که ریگان خواب آن را برای ما دیده است اما مجاهدین خلق تا همین اواخر جایشان جای دیگری بوده است. تاریخ نشان خواهد داد که این بند و بست‌های قدرت طلائع با نیروهای مورد حمایت امپریالیسم چه ضربات سنگینی به انقلاب ما وارد خواهد ساخت. تو گوئی امروز مجاهدین خلق هر دو چشم خود را بسته‌اند و مجری هر چهار طرحی شده‌اند که در بالا بدان اشاره شد. سیاستی که آنها پیش گرفته‌اند بدترین ضربه به جبهه نیروهای ضد امپریالیست و مهم‌ترین خدمت به تاکتیک روی کار آوردن "دولت میانرو" است.

بقیه در صفحه ۱۶

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

پیام نوروزی سازمان به خانواده فدائیان شهید

# پرچم خونین آرمان فرزندان قهرمانان افراشته تر از همیشه در اهتزاز است

دلانکیز سومین بهار انقلاب ایران افراشته تر از همیشه در اهتزاز است. فرزندان قهرمان شما در طنین طپشهای قلب هر میهن پرست، میلیونها زحمتکش وطن همواره زنده اند و نام کرامی شان برای همیشه در تاریخ مبارزات مردم ایران درخشان و پرفروغ است.

و درخشان فرزندانان، فدائیان خلق است که در برابر دشمنان مردم تسلیم ناپذیر و در راه استقلال و آزادی میهن و رهائی، زحمتکش از بند و بارستم و استثمار "فداکار" و "جانباغ" بوده اند. تداوم این سنت درخشان نشانه آن است که پرچم خونین آرمان فرزندان قهرمانان در نسیم

در آستانه سومین بهار انقلاب مردم ایران، فضای میهن آکنده از خاطره شکوهمند فرزندان قهرمانان است که در مبارزه با امپریالیسم و رژیم دست نشانده شاهنشاهی قهرمانی ها آفریدند. فرزندان قهرمانی که خون سرخشان هم اکنون نیز سنگرهای مقاومت در برابر تجاوزگران را لاله گون ساخته است. این سنت انقلابی، بزرگ

در صفحه ۲۵



رنگ آمریکاجه زرده رنگ و نئون مرگه  
مازنده و او مرده مانونده و او رونده  
سرخ عالم از ما زردی عالم اراو

در آستانه بهار سر بر آستان فرمانهای خلق می مائیم و خاطره تابناک شهید را کرامی می گردانیم

### گرامی باد خاطره رفقای شهید اسفند ماه

می آید و با ترانه های همه سبز  
جانبخش ترین جوانه های همه سبز  
در هر رگ برگ تشنه، نامش جاریست  
این رهسپر کرانه های همه سبز

☆ علی اکبر صفائی فراهانی  
☆ شعاع اله شدیدی  
☆ هوشنگ نیری  
☆ جلیل انفرادی  
☆ هادی فاضلی  
☆ اسداله صفائی  
☆ علیرضا گلوی  
☆ مهدی سوادویی  
☆ بهروز آخوندی  
☆ سعید آریان  
☆ بهمن ازنگ  
☆ علیرضا ناندل  
☆ مجید احمدزاده  
☆ احمد فرهودی

☆ سیا بیزن زاده  
☆ اکبر مؤید  
☆ علی مرادی  
☆ احمد ربیعی  
☆ یحیی امینی با  
☆ عباس صفائی  
☆ بهنام امیری دوان  
☆ هادی بنده خدا لنگرودی  
☆ اسماعیل علی بنه  
☆ حسن سرکاری  
☆ منافی فکری تبریزی  
☆ جعفر اردبیلچی  
☆ علی ذبی آرش  
☆ عباس دانش یزادی  
☆ اسماعیل عسائی عراقی

### سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران از خون رفیقان ما لاله گون است

غلام عباس بخرد  
عنایت الله رزینی  
محمد رضا آفران  
سپهلاستان زاده  
حبیب الله فرحبخش  
ابراهیم شکرچی  
عبدالحسین شاه بیر  
محمود اشرفی آبادی  
فریدون برکتی زاده  
محمد تقی فتح بیگی  
هریم ربیعی  
رحیم حقیقی  
علی صفائی

کاتلم عبیدی  
علیرضا کاظمی  
علی خاتم زاده  
ابرح حسین نیا  
لطیف عزیززاده  
پرویز کریمیان  
اسحاق بابازاده  
مرضی دارایی  
رهبر موسویان  
وحید نیکد بیر  
سعید کوشش  
بهرام وراثتی  
سید (عباس) آقاپور

شهریار باقرزاده  
گورش پاک بین  
حمید ولادوست  
غلامرضا صفر نژاد  
محمد رضا جعفری  
محمود دهستانی  
سدره محدث  
محمود اچسو  
خسرو کریمی  
حسین شریعی  
اکبر بدلی  
اکبر فخور

عبدالله مرادی  
محمد سازدار  
تقی اسکویی  
حسن صالحی  
علیرضا خلیلی  
لوری یساکان  
محمد مهدی نیک اندام  
محمد اسماعیل زار رودینه  
محمد حسین صدرا بادی  
رحمت اله (ابیر) انفرادی پور  
جوادی کنجی  
ابریز یوسفی  
امیر آقایی

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★

## استاندار گیلان و شرکاء علیه مصالح انقلاب

زحمتکش می آموزیم ده برای بیست و دو مبارزات برحق خود که اکنون هسنه اصلی آن را اعتراض علیه توقف بند "ج" تشکیل می دهد، منسکول شوند و سازمان باشند. ما در کنار آنان در این مبارزات شرکت داریم.

سازمان ما در راه انجام اقدامات دمکراتیک به توده های مردم آموزش می دهد و برده ها ترلزها، انحصارطلبی های جمهوری اسلامی ایران را قاطعانه به باد انتقاد می گیرد. ما عمیقاً اعتقاد داریم که بدون انتقاد بیکر و بی امان از تردیدها و ترلزهای جمهوری اسلامی ایران نمی توان درباره دفاع از دستاوردهای انقلاب سخن گفت

رفقای دربند!

ما خوشحالیم که شما با فرسردگی صفوف خود در زندان های جمهوری اسلامی ایران در راه انقلاب و کمونیسم مجادله تلاش می کنید. ما تلاش های انقلابی شما را می ستائیم و مطمئنیم که روز به روز با عمق و استحکام، با اعتقاد و ایمان بیستری در راه انقلاب و کمونیسم کام برخواهید داشت.

سال نو سال تحکیم اتحاد و مبارزه خلق علیه امپریالیسم آمریکا بر شما مبارک باد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)  
دوشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۵۹

پیام نوروزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)  
به رفقای که در زندان های جمهوری اسلامی ایران  
به سر می برند

کمونیستی ایران مجادله تلاش کردیم و امروز با افتخار باید بگوئیم که فدائیان خلق "اکثریت" جزئی از خانواده بزرگ جنبش کمونیستی و کارگری جهان هستند. امروز در سرتاسر جهان، میلیونها کمونیست ما را رفیق خود، هم سکر خود و هم رزم خود در راه کبیر سوسیالیسم و کمونیسم می شناسند.

سازمان در سالی که گذشت در راه گسترش پیوندهای خود با طبقه کارگر، جنبش دهقانی، جنبش دمکراتیک شهری کام های استواری به پیش برداشت.

جنبش کارگری ایران هم اکنون سلاح اتحاد و شکل را نیز می کند و در این راه سال پرباری را پشت سر گذاشت. ما خوشحالیم به اطلاع شما برسایم که موثرترین نقش را در شکل طبقه کارگر ایران در میان سازمان های سیاسی، سازمان ما برعهده داشته است.

سهم و شرکت ما در جنبش دهقانی در سال گذشته افزایش چشمگیری داشت. ما به دهقانان

رفقای دربند!

نسیم دلانکیز سومین بهار انقلاب مردم ایران پیام آور شادمانه ترین درودها و تمهیت های رفیقانه از جانب ما به شماست. روزنه سلول هایمان را بکشائید!

در سالی که گذشت امپریالیسم - بسرکردگی آمریکا تلاش های مذبحخانه و جنایتکارانه تازه ای علیه انقلاب ما سازمان داد. جنگ جنایتکارانه رژیم صدام به تشویق امپریالیسم آمریکا با هدف شکست انقلاب ایران سازمان می یابد که در اثر مقاومت حماسه آفرین مردم در جبهه های به وسعت سراسر خاک میهن با شکست مفتضحانه ای روبرو شد و می رود که به تمامی درهم شکسته شود. سازمان ما در این بیکار عظیم نقش بزرگی بر عهده گرفت و تاکنون بیش از ۵۰ شهید فدائی به پیشگاه خلق تقدیم داشته است و هم اکنون نیز با تاکید بر مقاومت مسلح خلق، با استفاده از تمامی اشکال مبارزه برای دفع تجاوز و دستیابی به صلحی که در خدمت تحکیم نیروهای انقلاب در ایران و عراق باشد، بیکار می کند.

میهن پرستی درخشان و غیرقابل انکار فدائیان خلق "اکثریت" در سالی که گذشت با بالاترین اعتقادات و اقدامات انترناسیونالیستی همراه بود ما برای تحکیم پیوندهای انترناسیونالیستی جنبش

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر